

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشریه علمی دانشجویی دانش پژوهان

سال دهم / شماره ۲۶ - ۲۷

پاییز و زمستان - ۱۳۹۱



مشاوران علمی:

گروه اقتصاد: دکتر ناصر الهی، دکتر مجتبی باقری، سید ضیاء الدین کبیا الحسینی، دکتر محمد نقی نظرپور، دکتر محمد رضا یوسفی.
گروه حقوق: قدرت الله ابراهیمی، دکتر سید عبدالمطلب احمد زاده، دکتر نعمت الله الفت، حسین جعفری فرانی، دکتر محمد حبیبی مجنده، دکتر سعید رهایی، دکتر ناصر قربان نیا، دکتر مرتضی محمدی، دکتر محمد مهدی مقدادی، دکتر سید مصطفی محمدی.
گروه علوم سیاسی: دکتر سید محمد علی حسینی زاده، دکتر سید صادق حقیقت، دکتر یوسف خان محمدی، دکتر محمود شفیعی، دکتر سید علی میرموسوی.
گروه فلسفه: دکتر مسعود ادیب، دکتر سید محمد انتظام، دکتر امیر دیوانی، حسینعلی رحمتی، دکتر محمد صادق کامران، دکتر سید ابراهیم موسوی، دکتر سید مسعود موسوی.
گروه معارف: مجید رضایی، دکتر حامد شیواپور موسویان، محمد حسن موحدی ساوجی، دکتر سید ابوالفضل موسویان

مدیر مسئول:

یوسف محمدی

Mohammadi.yousof@gmail.com

سر دبیر: امیر معصوم خانی

amirmasoomkhani@gmail.com

دبیر اقتصاد: مونا حاجی زاده

دبیر حقوق: منصوره سلطانی

دبیر فلسفه: محدثه جنت آبادی

دبیر علوم سیاسی:

سیدحمیدرضا موسوی منزله

دبیر معارف: فائزه منگلیان شهرابکی

روابط عمومی: ریحانه مومنی

چکیده انگلیسی: ساناز اکبری

طرح جلد: ریحانه مومنی

آدرس: قم، انتهای بلوار شهید صدوقی،

دانشگاه مفید

ایمیل:

daneshpj@yahoo.com

تلفن: ۰۲۵۱ - ۲۱۳۰۲۰۸

نمبر: ۰۲۵۱ - ۲۹۰۳۵۵۴

در این دفتر می خوانیم

اول دفتر

۵ سخن مدیر مسؤول
یوسف محمدی

۸ امکان سنجی اجرای آن در بانکداری بدون ربا
سید محسن سجادی

۲۳ امکان سنجی اعمال سیاست پولی در بازار
بین بانکی، در بانکداری اسلامی
میثم حقیقی

۴۱ بانک مرکزی و سیاست پولی در نظام اقتصادی اسلام
امیرحسین غفاری نژاد

۶۳ بررسی نقش مساجد به عنوان ابزار
مهندسی فرهنگی در سرمایه اجتماعی
بهنام عرب

۷۷ بررسی تاثیر قرائت های مختلف از دین بر ریسک پذیری
مهدی اسلامجو

آندیش

موضوع ویژه	۹۸ سخن دبیر موضوع ویژه لیلا نصری ۱۰۲ سیر تکاملی نظریات توسعه در پنج دهه اخیر نویسنده: اریک توربک مترجم: فریبا ابراهیم زاده
معرفی	۱۳۸ معرفی منابع مرتبط با موضوع ویژه ۱۴۵ معرفی مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید قم ۱۴۸ معرفی آثار منتشر شده دانشگاه مفید قم در حوزه اقتصاد
چکیده‌ها	۱۷۰ چکیده های انگلیسی ساناز اکبری
راهنما	۱۷۵ راهنمای نگارش مقاله برای دانش پژوهان
اشتراک	۱۷۶ فرم اشتراک نشریه دانش پژوهان



سخن مدیر مسؤول...

روند روز افزون پیشرفت‌های علمی، فنی و تحولات بنیادی رخ نموده در ساختار قدرت در مقیاس جهانی، منطقه‌ای و ملی در دهه‌ی اخیر، اندیشه‌های توسعه اقتصادی را در معرض چالش‌های جدی و اساسی قرار داده است. فروپاشی و در هم ریختگی مرزهای سنتی شیوه‌های کار و فراغت (به ویژه در دانشگاه‌ها) شرایط جدیدی را پدید آورده است که از یک سو قدرت، توانایی و تدبیر سازنده دست‌اندرکاران را گسترده و عمیق‌تر می‌نماید و از سوی دیگر مسؤولیت اساتید، دانشجویان و پژوهشگران حوزه اقتصاد را مضاعف می‌کند به ویژه دانشجویان عزیزی که مسؤولیت و بار سنگین علمی کشور و جامعه در آینده بر دوش آنان خواهد بود.

انتظار از دانشجویان اگر چه از مسؤولیت دیگران نمی‌کاهد بیش از سایر اقشار جامعه است. حال پرسش اساسی و مهمی که در این جا مطرح می‌شود، این است که در دنیای امروز کدام یک از الگوهای توسعه قابلیت انطباق و راهگشایی بیشتری با شرایط امروز جامعه ما دارد؟ آیا الگوی توسعه‌ای مبتنی بر مبانی دینی برای این راهگشایی وجود دارد؟ در صورت مثبت بودن پاسخ ویژگی‌ها و شاخص‌های این الگو چیست؟

رابطه ساختار قدرت در این الگو چگونه تعریف می‌شود؟ و در صورت منفی بودن پاسخ، آیا می‌توان چنین الگویی را طراحی نمود؟ ساختار قدرت در این الگو چگونه است؟ آیا پرسش‌هایی از این دست بخشی از دغدغه‌های ذهنی دانشجویان رشته اقتصاد ما را تشکیل می‌دهد؟ در صورتی که چنین دغدغه ذهنی داشته باشند، آیا بستر و زمینه‌ای برای ارائه پاسخ‌هایشان وجود دارد؟ پاسخ تا حدودی روشن است، دغدغه مسئولان محترم دانشگاه با تمامی مشکلات موجود این است که بسترهای مناسب جهت پویایی، رشد و بالندگی روز افزون دانش‌پژوهان را فراهم و همیشه در تلاش بوده‌اند که این مجله علمی - دانشجویی به کار خود، که همان ارائه پاسخ‌های علمی دانشجویان به دغدغه‌های ذهنی‌شان در زمینه‌های مختلف است ادامه دهد. در همین جا وظیفه خود می‌دانم که از همه اساتید بزرگوار و مسئولانی که در این زمینه نقش ایفا می‌کنند صمیمانه تشکر نمایم. اکنون که اوراق دانش‌پژوهان به گونه‌ای دیگر ورق خورده است و فصل جدیدی را تجربه می‌کند از همه دانشجویان گرامی و اساتید ارجمندی که تاکنون صمیمانه از هیچ کمک و یاری دریغ ننموده‌اند انتظار داریم این همکاری و یاری را بیش از پیش ادامه دهند.

در پایان بر خود وظیفه می‌دانم از زحمات همه دست‌اندرکاران پیشین مجله به ویژه جناب آقای رحمتی تشکر و قدردانی نمایم.

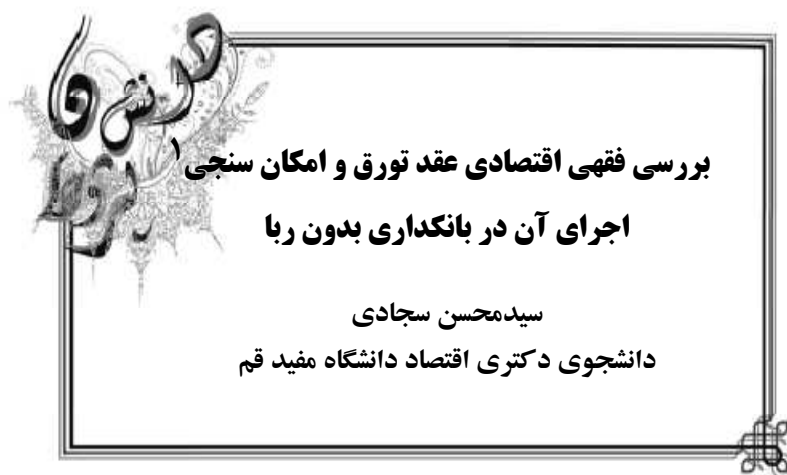
از همه کسانی که در انتظار انتشار شماره جدید مجله دانش‌پژوهان بوده‌اند به دلیل تغییر و تحولاتی که در حوزه معاونت دانشجویی و فرهنگی انجام گرفت و باعث تأخیر در انتشار مجله گردید پوزش می‌طلبیم. دانش‌پژوهان منتظر ارائه آثار پژوهشی شما دانشجویان فرهیخته است.

به امید فردایی پر فروغ‌تر برای همه دانشجویان عزیز به ویژه دانشجویان عرصه پژوهش.



اندیشه ها





بررسی فقهی اقتصادی عقد تورق و امکان سنجی

اجرای آن در بانکداری بدون ربا

سیدمحسن سجادی

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه مفید قم

چکیده

امروزه یکی از نیازهای جدی فعالان اقتصادی تأمین نقدینگی است که در قانون عملیات بانکی بدون ربا این نیاز توسط عقود قرض الحسنه، خرید دین و سلف برآورده می‌شود. از این رو برای تأمین نقدینگی عقد جدیدی با عنوان «تورق» معرفی گردید که دارای خصوصیتی مانند تأمین منابع آزاد برای مشتریان است که می‌تواند مورد توجه بانک‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار گیرد. عقد تورق یکی از قراردادهایی است که امروزه در بانک‌های کشورهای اسلامی برای تأمین نقدینگی استفاده می‌شود. اکثریت فقهای اهل سنت تورق فردی را جایز می‌دانند، اما صحت تورق بانکی مورد اختلاف است. این تحقیق صحت تورق بانکی را در صورت واقعی بودن عملیات آن تقویت می‌نماید. تمامی فقها و مراجع شیعه نیز آن را عقد مستقلی نمی‌دانند و تمامی خيارات بیع را در این عقد جاری می‌دانند. بنابراین تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی می‌توانند با استفاده از این عقد اقدام به تأمین نقدینگی بخش خصوصی و دولتی نمایند.

واژگان کلیدی: عقد تورق؛ بانکداری بدون ربا؛ دیدگاه امامیه؛ تجربه بانکی

مقدمه

نظام بانکداری بدون ربا در جهت حذف بهره از سیستم بانکی اسلامی به وجود آمد. با معرفی عقود مشارکتی و مبادله‌ای در این سیستم موفقیت‌هایی به دست آورده است. اما نمی‌توان در طول زمان تنها به یک‌سری عقود خاص بسنده کرد که این امر موجب رکود و عقب‌افتادگی سیستم غیرربوی از بانکداری سنتی خواهد شد.

در این مقاله سعی شده، عقدی که در دو دهه اخیر در بین برخی کشورهای عربی رواج یافته و موافقین و مخالفین زیادی دارد، معرفی شود و از لحاظ فقهی و اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی تورق بررسی می‌شود، سپس دیدگاه مذاهب اهل سنت در مورد تورق آمده است، در ادامه دیدگاه فقهای گذشته و معاصر امامیه در مورد عقد تورق بیان خواهد شد. تجربه کشورهای اسلامی در اجرای عقد تورق در بانکداری بدون ربا و بررسی مزایا و معایب اقتصادی عقد تورق دو بخش پایانی مقاله را به خود اختصاص می‌دهد.

معنای لغوی و اصطلاحی تورق

تورق در لغت از ماده ورق است. جوهری می گوید: وَرَقٌ به مال اعم از شتر و درهم و غیره گویند و در صحاح آمده است، وَرَقٌ، نقره مسکوک را گویند و همین طور رَقَّة، که در آن هاء به جای واو است. و مُسْتَوَرَقٌ، کسی است که درخواست وَرَق می کند؛ ابو هیثم می گوید: وَرَق و رَقَّة فقط درهم است. و وَرَّاق: مردی است که زیاد درهم دارد. و وَرَق: هر مالی است. و ابو عبیده می گوید: وَرَق نقره است، خواه مسکوک و خواه غیر مسکوک باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۷۴/۱۰-۳۷۶) طریحی ضمن تایید سخنان فوق می گوید کلمه «ورق» در قرآن به همین معنا آمده است: «فَابْتَغُوا أَحْلَکُمْ بِوَرَقِکُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِیْنَةِ» (کهف: آیه ۱۹) (طریحی، ۱۳۷۵: ۲۴۶/۵) فیومی و فراهیدی نیز تعاریف فوق را تکرار کرده اند. نهایت این که یکی از معانی اصلی ورق، با تفاوت در تلفظ، همان طور که در بسیاری از کتب لغت آمده، مال، نقره و درهم است. بر این اساس معنای لغوی تَوَرَّق

که از باب تَفَعَّل به معنای مطاوعه و اثرپذیری است، مالدار شدن یا نقره دار شدن و یا درهم دار شدن و در مجموع پول دار شدن شخصی در اثر اعطای درهم به اوست. تورق در اصطلاح به خرید کالا به صورت نسیه و فروش نقدی آن به غیر فروشنده برای دستیابی به نقدینگی اطلاق می گردد. (موسوعه فقهیه کویته، بی تا: ۱۴/۱۰۴) بنابراین عقد تورق دارای حداقل سه طرف است:

الف) درخواست کننده تورق که در ابتدا کالایی را به صورت نسیه خریداری کرده و نقداً می فروشد که متورق یا مستورق نامیده می شود.

ب) فروشنده اول که کالا را به متورق می فروشد.

ج) خریدار دوم که کالا را به صورت نقدی از متورق خریداری می نماید.

عقد تورق به دو صورت تورق فردی و تورق منظم تقسیم می شود:

در تورق فردی، متورق (فرد نیازمند نقدینه پول) خودش شخصاً اقدام به خرید نسیه‌ای کالا می‌نماید، و آن را به دیگری به صورت نقدی می‌فروشد و از این رهگذر نیاز مالی خود را تأمین می‌نماید. در تورق منظم، وکیل متورق کالا را به نسیه به متورق می‌فروشد، سپس وکیل مشتری برای فروش نقدی کالا به طرف دیگر می‌شود، و ثمن نقدی را به متورق (مشتری) تسلیم می‌کند که در این حالت به جز سه طرف ذکر شده، شخصی حقیقی یا حقوقی به عنوان وکیل متورق نیز در این معامله حضور دارد. در صورتی که شخص حقوقی وکیل متورق، بانک یا مؤسسه مالی باشد، این قرارداد تورق بانکی نیز نامیده می‌شود.

نام تورق بانکی و یا تورق منظم از سوی پژوهشگران در این فن برای این نوع قرارداد انتخاب گردید. اما بانک‌های انجام‌دهنده این معامله اسم‌های خاصی بر آن اطلاق می‌نمایند، به عنوان نمونه بانک الاهلی عربستان سعودی نام «تیسیر» را انتخاب نموده و بانک الجزیره کشور عربستان «دینار» و بانک امریکایی سعودی «تورق‌الخیر» و بانک انگلیسی سعودی «مال» و بانک وطنی عربی در کشور عمان «تورق‌المبارک» به این عقد اطلاق می‌نمایند.

اما از آنجا که حقیقت همه این معاملات به تورق منظم بانکی بر می‌گردد، می‌توان همه را تحت این عنوان قرار داد. زیرا اولاً مانند بیع تورق فردی است که در آن حداقل سه نفر با هدف تأمین نقدینگی با هم معامله می‌کنند، ثانیاً در بانک این معامله صورت می‌گیرد، و ثالثاً بین عده‌ای تنظیم می‌شود که هدف نهایی آن تأمین مالی است. (سعیدی، بی تا: ۴)

نوع دیگری از تورق که می‌توان معرفی نمود تورق عکسی است. تورق عکسی آن است که مستورق شرکت یا بانک، یا مؤسسه مالی باشد، و نه افراد. به این صورت که بانک، شرکت یا غیره را وکیل در خرید کالا به جای خودش می‌نماید، سپس بانک آن کالا را برای خودش می‌فروشد. (زحیلی، بی تا: ۱۵) یعنی برخلاف معمول که افراد خواهان تأمین مالی هستند، در این جا بانک یا مؤسسات مالی نیازمند تأمین مالی هستند.

به این صورت که بانک، شرکت یا فردی را وکیل در خرید نسیه‌ای کالایی می‌نماید و سپس برای دستیابی به نقدینگی، کالای خریداری شده را نقداً به دیگری می‌فروشد. اصطلاح تورق برای این عقد خاص فقط در کتب فقهی حنابله بیان شده است. (بهوتی، ۱۹۹۶م: ۲/۲۶) معنای اصطلاحی تورق در فقه امامیه نیز مانند سایر مذاهب اهل سنت نیامده است. اما از سخنان علماء در باب بیع العینه می‌توان استظهار نمود، تورق عقدی است که در صحت آن شکی نداشته‌اند، زیرا شرطی را که برخی علماء برای صحت بیع عینه بیان نموده‌اند، عبارت است از: عدم اشتراط فروشنده اول به فروش دوباره کالا به خود او، لذا در عقدی که حداقل سه طرف باشند و فروشنده اول غیر از خریدار آخر باشد؛ شکی نبوده که صحیح است. (خویی، ۱۳۷۷: ۵/۳۸۲)

دیدگاه مذاهب مختلف اهل سنت

از نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت، جمهور فقهای اهل سنت با تورق فردی موافق هستند و آن را جایز می‌دانند. اما در مورد تورق بانکی اختلاف بسیار زیاد است. برخی مانند حنابله به دلیل نتایج آن و قصد متورق که دستیابی به پول است؛ آن را باطل می‌دانند. (ابن تیمیه، ۱۴۲۶ق: ۲۹/۳۰) مالکی‌ها بحث تورق را ضمن انواع عینه مطرح کرده‌اند، و آن را به گونه‌ای بیان کرده‌اند که مضمون آن با آنچه حنابله گفته‌اند مشابه است. در مختصر خلیل آمده است: «جایز است به دلیلی کالایی را بخرد که در ازای دریافت مال آن را بفروشد هر چند مقداری از مال مدت‌دار باشد و این که بگوید کالای هشتاد درهمی را به صد درهم بگیر، مکروه می‌باشد.» (جندی، ۱۴۲۶ق: ۱۵۱) شافعی نظرش را در مورد عینه و تمام عقود به طور عمومی به روشنی بیان کرده است: «هیچ عقدی، به متعلقات متقدم و متأخر و توهّم و غلبه فساد باطل نمی‌شود، مگر آن که خود عقد باطل باشد. و همین‌طور هیچ عقدی را فاسد نمی‌دانیم مگر به خود عقد، و هیچ بیعی را به این دلیل که بگوییم: این راه و ذریعه به ربا و غیره است و یا این نیت سوء است فاسد نمی‌دانیم. بنابراین هنگامی که کتاب و سپس سنت و سپس عمومات

حکم اسلام بر این دلالت کرد که عقود با ظاهر عقد ثابت می‌شود، نیت متعاقدين آن را فاسد نمی‌کند. و وقتی که عقود در ظاهر صحیح باشد به طریق اولی با توهم غیر عاقد برای عاقد فاسد نخواهد شد، به خصوص هنگامی که توهم ضعیفی باشد و خدای تعالی دانایتر است.» (شافعی، ۱۳۹۳ق: ۷/ ۲۹۷ - ۲۹۸) بنابراین، شافعی می‌گوید عقود تابع ظواهر آن است و نیت افراد در حلیت و حرمت عقد نقشی ندارد، از این رو اگر اجزای تورق بانکی از لحاظ شرعی کامل باشد، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. دغدغه اصلی برخی علمای اهل سنت که تورق بانکی را جایز نمی‌دانند، صوری بودن عقد تورق است چرا که هدف اصلی متورق دستیابی به نقدینگی است. بنابراین ممکن است با یک کالای مشخص چندین عقد تورق صورت گیرد بدون آن که کالا دیده شود یا حتی از جایش تکان بخورد. بنابراین قبض و اقباض صورت نمی‌گیرد. مشکل دیگر انجام دو عقد در مجلس واحد است که برخی آن را جایز نمی‌دانند.

مذاهب	حکم		جواز		حرمت	جواز مشروط به اضطرار
	حنابله	مشهور	اباحه	کراهت		
مالکیه	حنابله	مشهور	*	*	*	*
	مالکیه	ابن تیمیه		*		
حنفی	حنفی	متقدمین		*		
	حنفی	متأخرین	*			
شافعی	شافعی		*			
	شافعی	قرضاوی	*			
برخی از معاصرین	قرضاوی	حصین		*		
	حصین	حامد حسان		*		
	البوطی	البوطی	*			
	مجمع الفقه الاسلامی	مجمع الفقه الاسلامی	*دوره ۱۵		*دوره ۱۹	
	مؤسسه حسابداری اسلامی	مؤسسه حسابداری اسلامی	*			
	المطلق	المطلق	*			
	ابن جبرین	ابن جبرین	*			

جدول نظرات مذاهب مختلف اهل سنت و برخی از معاصرین در مورد عقد تورق

دیدگاه فقهای امامیه

از دیدگاه فقه شیعه با توجه به ادله موجود این نتیجه حاصل می‌شود که از لحاظ فقهی هیچ دلیل محکمی بر عدم جواز تورق نمی‌توان اقامه نمود. (عکبری بغدادی مفید، ۱۴۱۳ ق: ۵۹۶) و دیدگاه فقهای معاصر که از طریق استفتاء به دست آمد این واقعیت را تأیید نمود، زیرا هیچ یک از فقهای عظام حکم به عدم جواز آن ندادند و فقط برخی عدم شرط باز خرید توسط فروشنده را شرط صحت این معامله بیان نمودند که در تورق هیچ گاه این شرط اتفاق نمی‌افتد. در جمع‌بندی نهایی چنانچه در آراء و پاسخ‌های مراجع عظام مشاهده می‌شود، همه عقد تورق را صحیح می‌دانند و فقط برخی قید نموده‌اند که صوری و برای رباخواری نباشد. همچنین آن را در قالب دو عقد بیع نقد و نسیه می‌دانند که تمامی خيارات و شرایط بیع را دارد.

خلاصه دیدگاه فقهای امامیه در مورد بیع عینه

صحت بیع عینه			فقهای امامیه
عدم جواز	جواز مقید به عدم شرط	جواز مطلق	
		*	شیخ مفید
		*	شیخ طوسی
	*		محقق حلی
		*	علامه حلی
	*		صاحب جواهر
	*		شیخ انصاری
	*		محقق خوئی
*			امام خمینی

دیدگاه فقهای شیعه در زمینه عقد تورق

آیات عظام	صحت تورق		ماهیت عقد تورق	
	بلی	خیر	مستقل	بیع
تبریزی	*			*
حائری	*			*
حسینی شاهرودی	*			*
حکیم	*			*
خامنه ای	*			*
روحانی	*			*
سیستانی	*			*
شیرازی	*			*
صافی	*			*
صانعی	*			*
فاضل لنکرانی	*			*
گرامی	*			*
مظاهری	*			*
مکارم شیرازی	*			*
منتظری	*			*
موسوی اردبیلی	*			*
نوری همدانی	*			*
وحید خراسانی	*			*

در جمع بندی نهایی چنانچه در جدول آراء و پاسخ های مراجع عظام مشاهده می شود، همه عقد تورق را صحیح می دانند و فقط برخی قید نموده اند که صوری و برای ربا خواری نباشد. همچنین آن را در قالب دو عقد بیع نقد و نسیه می دانند که تمامی اختیارات و شرایط بیع را دارد.

تجربه بانک‌های اسلامی در بکارگیری عقد تورق

در این بخش به مطالعه تجربیات برخی بانک‌های کشورهای اسلامی که در دهه گذشته از عقد تورق به عنوان محصولی جدید در بانکداری بدون ربا استفاده نموده‌اند، پرداخته می‌شود. البته برخی از این بانک‌ها فقط عملیات بانکی مطابق با شریعت را انجام می‌دهند، اما برخی دیگر بانک‌هایی هستند که باجه‌هایی برای انجام عملیات بانکی بدون ربا در کنار فعالیت بانکداری ربوی خود دارند. تجربه بانک‌های ریاض، وطنی عربی، فرانسوی سعودی، الشامل بحرین (رشیدی، ۱۴۲۵ق: ۱۴۰-۱۴۷) و بیت التمويل الكويتی (همان، ۱۴۸-۱۵۲)، نشان می‌دهد که می‌توان ساز و کاری در قوانین بانکی تعبیه نمود که عقد تورق به صورت حقیقی در بانکداری بدون ربا اجرا شود.

مزایا و معایب عقد تورق

از آنجا که عقد تورق جزء عقود با بازدهی ثابت بوده و در راستای تأمین نقدینگی بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی در بانکداری بدون ربا بسیار مورد نیاز است، یکی از تفاوت‌های بانکداری بدون ربا با بانکداری ربوی، وجود عقود مختلف مطابق با شریعت در این سیستم است. از این رو برای اطمینان از انجام عملیات بانکی مطابق با عقد صورت گرفته بین بانک و مشتری، بانک مجبور است افرادی را برای نظارت بر انجام قرارداد تعیین نماید. این امر باعث افزایش هزینه بانکداری بدون ربا نسبت به بانکداری ربوی می‌شود. به عنوان مثال در عقد سلف آمده است که تسهیلات دریافتی را صرف تولید همان کالای مورد معامله سلف برساند.^۱ (آیین نامه اجرایی قانون عملیات بانکی بدون ربا، ماده ۴۳)، لازمه این بند آن است که افرادی از طرف بانک مأمور شوند تا از مصرف تسهیلات در مورد معامله مطمئن گردند و همین طور در بسیاری قراردادهای

۱. گرچه از نظر فقهی این شرط لزومی ندارد.

مبادله‌ای حصول اطمینان از مصرف در مورد مبادله لازم است. چنان که در عقود مشارکتی در بانکداری نظارت لازم است.

از طرفی بانک، مؤسسه‌ای انتفاعی است و دنبال حداکثر سازی سود و حداقل نمودن هزینه است. بنابراین عقودی که هم از جهت شرعی صحیح باشد و هم هزینه بانک را افزایش ندهد و قدرت رقابت بانک بدون ربا را با بانک‌های ربوی کاهش ندهد، می‌تواند مورد توجه بانک قرار گیرد. همچنین در بانکداری بدون ربا در ایران عملاً برای کاهش هزینه نظارت اقدام به قبول فاکتورهایی می‌کنند که هیچ واقعیت خارجی ندارد و در واقع عقود صوری را بین مردم ترویج می‌کند. در عقد تورق نیازی به هزینه نظارت نیست، یعنی عقد تورق به صورت شرعی به تأمین نقدینگی بنگاه‌ها می‌پردازد، بدون آن که نیازی به نظارت بانکی داشته باشد، زیرا تورق تأمین نقدینگی برای مشتری را به صورت مستقیم انجام می‌دهد و برای بانک مهم نیست که این تسهیلات اعطایی را در چه موردی مصرف می‌نماید. عقد تورق با تمام مزایایی که برای آن برشمرده شد، جزء عقود با بازدهی ثابت است و می‌تواند تمام معایبی که برای این عقود قابل بیان است را دارا باشد.

از این رو، این عقد ممکن است باعث ایجاد گردش بیشتر از حد نیاز کالاها در اقتصاد گردد، به این بیان که یک نوع کالا برای چندین عقد تورق مورد استفاده قرار گیرد و این امر موجب افزایش قیمت کالا به جهت زیاد شدن واسطه‌ها در مبادله کالا بین تولیدکننده و مصرف کننده باشد. البته می‌توان برای رفع این نقیصه قوانینی وضع نمود از جمله این که کالای مورد معامله در عقد تورق از تولیدات همان سال باشد. همچنین برای استفاده از رونق ایجاد شده در اثر مبادله کالاها در جهت رشد تولید داخلی و افزایش اشتغال از کالاهای ایرانی برای تورق استفاده گردد.

چون هدف از عقد تورق دستیابی به نقدینگی از طریق سیستم بانکی است، ممکن است خریدار و فروشنده شرایط لازم برای عقد بیع را رعایت نکنند به عنوان مثال بدون این که بانک قدرت بر تسلیم کالا را داشته باشد اقدام به فروش نسیه کالا به متورق

نماید یا بدون در نظر گرفتن شرایط رونق و رکود بازار همواره نرخ سود معینی توسط بانک تعیین شود، از میان رو، این عوامل می‌تواند موجب صوری شدن اجرای عقد تورق در بانکداری بدون ربا گردد که می‌توان با تشکیل شوراهای فقهی در بانک‌ها مانند برخی کشورهای عربی بر شرایط صحت عقد تورق و سایر عقود بانکی نظارت نمود. البته صوری شدن عقود در بانکداری بدون ربا آفتی است که ممکن است دامن گیر همه عقود شود.

بنابراین در صورت اجرای واقعی عقد تورق در بانکداری بدون ربا بسیاری از اشکالات منتقدین روی نخواهد داد. زیرا بسیاری از معایبی که برای تورق بیان شد، ناشی از ایجاد بدهی صرف و بدون ارتباط با بازار حقیقی است؛ اما تورق بدون ارتباط با بازار کالا و خدمات نیست و نرخ نسبی آن در این بازار تعیین می‌گردد. علاوه بر این برخی از معایب بر شمرده شده از سوی منتقدان تورق می‌تواند در تمامی عقود با زدهی ثابت رخ دهد و مخصوص عقد تورق نیست و می‌توان با وضع قوانین محدود کننده مانند سایر عقود مبادله‌ای از این عقد در نظام بانکی بدون ربا بهره برد. از جهت سیستم بانکی این عقد کامل کننده عقد فروش اقساطی است، به این صورت که فروش اقساطی برای کسی که کالایی نیاز دارد و پول نقد برای تأمین مالی آن نداشته باشد، مفید است. اما در صورتی که فرد یا بنگاه نیاز به نقدینگی داشته باشد بعد از خرید کالا از بانک مجبور است آن را بفروشد تا نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین نماید.

از این رو تورق می‌تواند به واقعی شدن عقود بر اساس نیاز مشتریان کمک نماید. همچنین عقد قرض الحسنه هم از جهت ماهیت و هم از جهت محدودیت‌های قانون عملیات بانکی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز تجار و بنگاه‌های اقتصادی برای تأمین نقدینگی مورد نیاز آنان باشد.

عقد سلف نیز که برای تأمین نقدینگی است در تمامی فعالیت‌های اقتصادی قابل استفاده نیست، زیرا تولیدات برخی بنگاه‌ها به سادگی قابل سود دهی و بازدهی سریع نبوده و ریسک بانک را افزایش می‌دهد و در برخی تولیدات مانند بخش خدمات قابل

پیش فروش نیست تا بتواند از طریق سلف، تأمین مالی گردد. عقد خرید دین هر چند برای تأمین نقدینگی قابلیت کاربرد دارد، ولی اولاً این عقد از جهت فقهی مورد پذیرش همه فقهای امامیه نیست. ثانیاً، به لحاظ ریسک بالای آن به گواهی آمار مورد توجه بانک‌ها نیست. ثالثاً، همه نیازها به نقدینگی به صورت بدهی نیست تا بتوان با اوراق بهادار آن، به تأمین نقدینگی اقدام نمود.

تأمین کسری بودجه دولت

امکان تأمین نقدینگی از طریق عقد تورق برای دولت فراهم می‌شود و با فرایند مشابهی تأمین نقدینگی بخش خصوصی بانکی و غیر بانکی می‌تواند صورت گیرد. و مزیت این روش عدم افزایش حجم پول در اقتصاد است. نیاز به ابزار جایگزین اوراق قرضه برای تأمین مالی دولت و قابلیت اعمال سیاست‌های مالی در سیستم غیر ربوی ضروری است. این نیاز می‌تواند از طریق اوراق تورق تأمین گردد. دولت می‌تواند برای تأمین مالی خود اقدام به تبدیل دارایی‌های خود به اوراق بهادار نماید. سپس از طریق تنزیل وارد بازار بورس شده و سود آور باشد. چگونگی کارکرد اوراق تورق برای اعمال سیاست مالی انبساطی مطابق شکل ۱ خواهد بود.

ابزار تورق برای تأمین نقدینگی بخش خصوصی نیز کاربرد دارد. همچنین به صورت تورق عکسی می‌تواند، ابزار تأمین نقدینگی بانک‌ها باشد. برای جلوگیری از چرخش غیر ضروری کالاها در اقتصاد می‌توان شرط کرد که تنها بر کالاهای تولید همان سال تورق قابل اجرا باشد و برای تقویت تولید داخلی شرط شود از کالاهای تولید داخل در جریان عملیات تورق استفاده شود.

نتیجه‌گیری

از آن‌چه در این مقاله آمد نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. طبق تعریف، تورق عقدی است مرکب از دو عقد نسیه و نقد، که با هدف تأمین مالی متورق بین سه نفر صورت می‌گیرد. تورق شامل دو نوع تورق فردی و تورق منظم بانکی است.

۲. با بیان دیدگاه مذاهب چهار گانه اهل سنت معلوم شد، جمهور فقهای اهل سنت با تورق فردی موافق هستند و آن را جایز می‌دانند. اما در مورد تورق بانکی اختلاف بسیار زیاد است. برخی مانند حنبلی‌ها به دلیل نتایج آن و قصد متورق که دستیابی به پول است، آن را باطل می‌دانند. و برخی مانند شافعیه می‌گویند عقود تابع ظواهر آن است و نیت افراد در حلّیت و حرمت عقد نقشی ندارد؛ از این رو اگر اجزای تورق بانکی از لحاظ شرعی کامل باشد؛ دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.

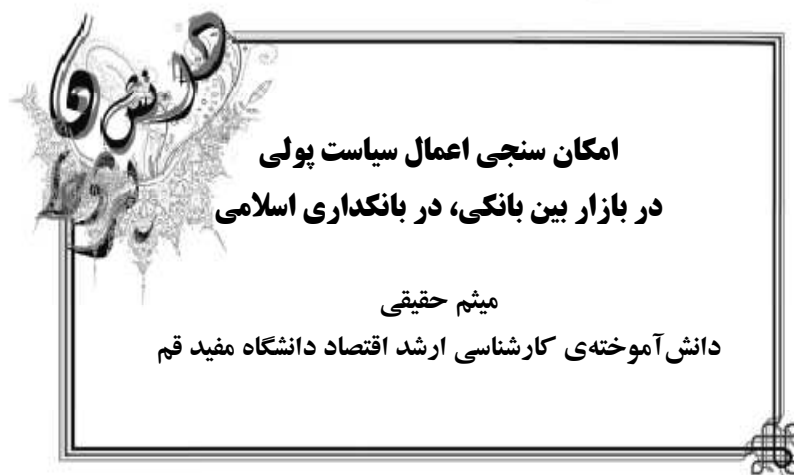
۳. از جهت فقه شیعه با توجه به ادله موجود این نتیجه حاصل شد که، از لحاظ فقهی هیچ دلیل محکمی بر عدم جواز تورق نمی‌توان اقامه نمود. و دیدگاه فقهای معاصر که از طریق استفتاء به دست آمد این واقعیت را تأیید نمود، زیرا هیچ یک از فقهای عظام حکم به عدم جواز آن ندادند و فقط برخی عدم شرط باز خرید توسط فروشنده را شرط صحت این معامله بیان نمودند، که در تورق هیچ گاه این شرط اتفاق نمی‌افتد.

۴. امکان تأمین نقدینگی از طریق عقد تورق برای دولت فراهم می‌شود و با فرایند مشابهی تأمین نقدینگی بخش خصوصی بانکی و غیر بانکی می‌تواند صورت گیرد. و مزیت این روش عدم افزایش حجم پول در اقتصاد است.

منابع:

۱. ابن تیمیة حرانی، تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم (۱۴۲۶ق)، مجموع الفتاوی، انورالباز و عامرالجزار، بی جا، دارالوفاء.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت، دارالصادر.
۳. انصاری، مرتضی (۱۴۲۰ق)، کتاب المکاسب، قم، المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویہ الثانیہ لمیلاد الشیخ الأنصاری.
۴. بهوتی، منصور بن یونس (۱۹۹۶م)، شرح منتهی الایرادات المسمی دقائق أولى النهی لشرح المنتهی، بیروت، عالم الکتب.
۵. جندی، خلیل بن اسحاق (۱۴۲۶ق)، مختصر العلامة خلیل، اجمد جاد، قاهره، دارالحديث.
۶. جواهری، محمد حسن (۱۳۶۸)، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۷. حر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیه ط - الحدیث، ابراهیم بهادری، قم، مؤسسه امام صادق.
۹. حلی، نجم الدین أبی القاسم جعفر بن الحسن (۱۴۰۹ق)، شرایع الاسلام، تهران، انتشارات استقلال.
۱۰. خلیل بن اسحاق الجندی (۱۴۲۶ق)، مختصر العلامة خلیل، اجمد جاد، قاهره، دارالحديث.
۱۱. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۳۷۷)، مصباح الفقاهه، قم، منشورات المكتبة الداوری.

۱۲. رشیدی، احمد فهد (۱۴۲۵ق)، *عملیات التورق و تطبيقاتها الاقتصادية في المصارف الاسلاميه*، اردن، دارالنفاثس.
۱۳. روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴ق)، *فقه الصادق*، قم، مؤسسه دار الکتاب.
۱۴. سعیدی، عبدالله بن حسن (بی تا)، *التورق كما تجرّیه المصارف في الوقت الحاضر*.
۱۵. شافعی ابو عبدالله، محمد ابن ادريس (۱۳۹۳ق)، *الأم*، بیروت، دارالمعرفه.
۱۶. طریحی، فخر الدین (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی.
۱۷. عکبری بغدادی مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، *المقنعه*، قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۱۸. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق)، *دراسات في المكاسب المحرمه*، قم، تفکر.
۱۹. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۱ق)، *کتاب البيع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. وزارت اوقاف و شؤون اسلامی کویت، *الموسوعة الفقهية الكويتية*، ملتقى اهل الحديث.



چکیده:

بازار بین بانکی یکی از اجزای بازار پول است که نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های پولی دارد. هدف از تشکیل این بازار، تقویت مدیریت نقدینگی بانک‌ها و تسهیل تأمین مالی منابع در کوتاه‌مدت و اجرای مؤثرتر سیاست‌های پولی است و بانک مرکزی به عنوان تنظیم‌کننده بازار، کلیه امور مربوط به بازار را بر عهده داشته و جهت اعمال سیاست‌های پولی در بازار شرکت می‌نماید.

در مقاله حاضر با بررسی توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به اثبات این فرضیه می‌پردازیم که «بانک مرکزی با استفاده از ابزارهایی مثل حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی، عملیات بازار باز و شبه بازار باز که در اختیار دارد، می‌تواند در بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی اقدام به اعمال سیاست پولی نماید». نتیجه اینکه امکان اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی در بازار بین بانکی اسلامی وجود دارد و بانک مرکزی در بازار بین بانکی بانکداری اسلامی نیز با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد، می‌تواند سیاست پولی انجام دهد.

واژگان کلیدی: بازار پول؛ بازار بین بانکی؛ بانک مرکزی؛ سیاست‌های پولی؛ بانکداری اسلامی.

مقدمه

امروزه بازارهای مالی نقش مهم و تعیین کننده‌ای را در تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌ها به عهده دارند و به عنوان پایه اصلی توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه یافته به حساب می‌آیند. معرفی ابزارها و نوآوری‌های متنوع و متعدد بیانگر این پیشرفت می‌باشند. بازار بین بانکی^۱ یکی از اجزای بازار پول است که در آن بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری نسبت به معاملات با یکدیگر جهت تأمین مالی کوتاه‌مدت مبادرت می‌ورزند. این بازار نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های پولی دارد و هدف از تشکیل آن، تقویت مدیریت نقدینگی بانک‌ها و تسهیل تأمین مالی منابع مورد نیاز بانک‌ها در کوتاه‌مدت، برقراری انضباط پولی و اجرای مؤثرتر سیاست‌های پولی است و بانک مرکزی به عنوان تنظیم کننده بازار، کلیه امور مربوط به برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، تدوین مقررات، نظارت، کنترل و تسویه معاملات را بر عهده داشته و جهت اعمال سیاست‌های پولی در بازار شرکت می‌نماید.

این بازار حداقل دو نقش حیاتی در نظام‌های مالی نوین ایفا می‌کند. اولین و مهم‌ترین نقش آن مداخله فعالانه و مؤثر بانک مرکزی در اجرای سیاست پولی از طریق راهبری نرخ‌های سود است. دوم این که بازارهای بین بانکی کارآمد، نقدینگی را به شکل

۱. Interbank Market.

مطلوبی از مؤسسات مالی دارای وجوه مازاد به مؤسسات دارای کسری وجوه انتقال می‌دهند. بنابراین، سیاست‌گذاران انگیزه بالایی برای ایجاد یک بازار بین بانکی کارآمد و قوی دارند تا بانک مرکزی بتواند به نرخ سود مطلوب و مورد نظر خود دست یابد و در مواقع نیاز در این بازار اقدام به اعمال سیاست پولی نماید و مؤسسات مالی نیز بتوانند به شکلی کارآمد به مبادله نقدینگی در میان خود پردازند. بر این اساس بازار پول بین بانکی نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های پولی دارد.

این بازار نقطه شروع مکانیزم انتقال تکانه‌های سیاست‌های پولی است و در کشورهای صنعتی نرخ سپرده‌های یک شبه^۱ در این بازار، هدف عملیاتی بانک مرکزی است. بنابراین اطلاع از عملکرد این بازار و نقشی که بانک مرکزی در این بازار می‌تواند داشته باشد و عوامل تعیین‌کننده نرخ بازار بین بانکی دارای اهمیت بالایی است.

مقاله حاضر با بررسی توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به دنبال اثبات این فرضیه است که «بانک مرکزی با استفاده از ابزارهایی مانند حساب سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی، عملیات بازار باز و شبه بازار باز که در اختیار دارد می‌تواند در بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی اقدام به اعمال سیاست پولی نماید». سؤال اصلی مقاله نیز این است که با توجه به این که بانک مرکزی ناظر بر عملیات بازار بین بانکی است، آیا در بازار بین بانکی بانکداری اسلامی نیز می‌تواند سیاست پولی انجام دهد؟

نوشته حاضر در ابتدا ضمن بررسی ادبیات و پیشینه موضوع به بررسی بازار بین بانکی و ضرورت تشکیل آن می‌پردازد، سپس ابزارهای موجود در بازار بین بانکی اسلامی را مطرح می‌کند و به دنبال آن به بررسی ابزارهای رایج سیاست پولی بانک مرکزی می‌پردازد و در پایان هم اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی در بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد و به این نتیجه می‌رسد که

۱. overnight.

امکان اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی در بازار بین بانکی اسلامی وجود دارد و بانک مرکزی در بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی نیز با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد می تواند سیاست پولی انجام دهد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

در زمینه های نقش بانک مرکزی به عنوان اجراکننده سیاست پولی در بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی، تحقیق های فراوانی صورت نگرفته است و تنها تحقیقاتی در زمینه بازار بین بانکی و ابزارهای رایج در آن انجام شده است که در ذیل به آن ها اشاره می شود:

۱. حاجیان، محمدرضا (۱۳۸۵)، در کتاب خود با عنوان *بازار بین بانکی ریالی*، در چهار فصل به معرفی بازار بین بانکی، تجربه کشورهای دیگر، بازار بین بانکی ریالی در ایران و ارائه الگویی برای بازار بین بانکی ایران پرداخته است.
۲. موسویان، سیدعباس و الهی، مهدی (۱۳۸۹)، در مقاله ای با عنوان «امکان سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی»، ضمن بررسی ابزارهای رایج بازار بین بانکی در بانکداری سنتی و مرور ابزارهای رایج بازار بین بانکی در کشورهای اسلامی و تبیین بازار بین بانکی ایرانی، با توجه به اصول و قواعد اسلامی بسته ای از ابزارهای معامله های بین بانکی در حد تأسیس بازار بین بانکی بانکداری در اسلامی را پیشنهاد کرده اند.
۳. توکلیان، حسین (۱۳۹۰)، در مقاله ای تحت عنوان «بازار بین بانکی ریالی و قابلیت معرفی یک ابزار جدید سیاست گذاری پولی»، عملکرد بازار بین بانکی ریالی را در کشور ایران مورد بررسی قرار داده و امکان سیاست گذاری پولی توسط بانک مرکزی را در این بازار از طریق نرخ سود یک شبه ممکن می داند.

چالش‌ها و محدودیت‌ها

۴. کبیر حسن، ام^۱ و مروین ک، لوئیز^۲ (۲۰۰۷)، در کتاب *راهنمای بانکداری اسلامی*، برخی از ابزارهای بازار بین بانکی را تعریف کرده و با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

۵. باچا، عبیدالله^۳ (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان «بازار بین بانکی اسلامی؛ تجربه کشور مالزی»، ابزارهای بین بانکی را تعریف و بازار بین بانکی اسلامی و متعارف را با یکدیگر مقایسه کرده است و در ادامه ریسک نرخ سود ابزارهای بازار بین بانکی مالزی را مورد بررسی قرار داده است.

با بررسی مطالعات پیشین، مشخص می‌شود که هیچ کدام از تحقیقات فوق توجهی به امکان سنجی اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی در بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی نداشته‌اند. مقاله حاضر درصدد است که ضمن بررسی بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی، روش‌های مختلفی که بانک مرکزی می‌تواند در بازار بین بانکی اعمال سیاست پولی نماید را بیان کند.

بازار بین بانکی و ضرورت شکل‌گیری آن

بازار بین بانکی یکی از اجزای بازار پول به شمار می‌آید و بازاری است که در آن مبادلات بین مؤسسات سپرده‌پذیر، امکان‌پذیر می‌باشد. مؤسسات سپرده‌پذیر و دیگر نهادهایی که مجوز ورود به این بازار را دارند، می‌توانند ذخایر مازاد خود را در این بازار وام دهند و یا ذخایر مازاد سایر مؤسسات را وام بگیرند. در این روش بانک‌های تجاری می‌توانند بدون استفاده از اضافه برداشت، نیازهای اعتباری خود را تأمین نمایند. (حاجیان، ۱۳۸۵: ۱)

۱. Kabir Hassan, M.

۲. Mervyn K. Lewis.

۳. Bacha, Obiyathulla Ismath.

به منظور برقراری ارتباط قانونمند بانک‌ها با یکدیگر در جهت تأمین نیازهای مالی کوتاه‌مدت و استفاده بهینه از منابع آزاد خود و محدود نمودن امکان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی که افزایش پایه پولی و نقدینگی را بدنبال دارد، وجود بازار بین بانکی ضروری است. انجام معاملات در این بازار در قالب مقررات موجود از طریق تودیع وجوه به صورت سپرده، خرید و فروش دین، معاملات اوراق (مشارکت، خزانه)، گواهی‌های سپرده و سایر معاملات مجاز انجام می‌شود و هدف از شکل‌گیری این بازار، ارائه استانداردها، ضوابط، اصول و فرآیندهای مرتبط با معاملات بازار است. شروع به کار بازار بین بانکی به بیش از ۱۰۰ سال پیش باز می‌گردد.

بازار بین بانکی ژاپن به عنوان اولین بازار در قرن بیستم راه‌اندازی شد و نحوه مبادله در آن به صورت ابتدایی بود، به گونه‌ای که طبق توافق طرفین و بدون استفاده از وثیقه‌ها و ضمانت‌نامه‌های رایج، مبادلات صورت می‌گرفت، ولی با بروز بحران مالی سال ۱۹۲۷، شرکت‌کنندگان در بازار بین بانکی در سراسر جهان را به سمت به کارگیری روش‌هایی جهت اطمینان از بازگشت وجوه، هدایت نمود و از آن زمان به بعد فقط یک بازار کوتاه‌مدت مبتنی بر وثیقه فعال بود. (همان، ۶۳)

در بازار بین بانکی، نهادهایی که مجاز به انجام معامله هستند به خرید و فروش ابزارهای بازار پول از قبیل اوراق قابل پذیرش بانک‌ها، اوراق تجاری، گواهی سپرده و که سررسید کمتر از یکسال دارند، می‌پردازند. (همان، ۲)

برای مثال بازار بین بانکی ایالات متحده آمریکا، بازار ارز خارجی، بازار سپرده اروپایی، بازار بین بانکی مالزی و بازار بین بانکی اندونزی. بازار اروپا، بازار مالی بین‌المللی است که می‌توان در آن مانده بدهکار و بستانکار را در خارج از مرز کشورها به پول خارجی معامله نمود. طیف عملیاتی این بازار بیشتر مورد استفاده مؤسسات اعتباری بزرگی است که از آن جهت توازن و تعادل نقدینگی خود با ارزهای مختلف و نیز تأمین وضع مطلوب ارزهای گوناگون استفاده می‌نمایند. (محمدی و سیدان، ۱۳۷۸: ۱۵-۱۶)

چالش‌ها و محدودیت‌ها

بازار بین بانکی بین‌المللی نیز موجب جریان یافتن حجم عظیمی از پول‌های خارجی به نظام بانکی یک کشور و بالعکس به صورت یک شبکه انتقال الکترونیکی وجوه بین بانک‌ها صورت می‌گیرد و در کشورهای مختلف به شیوه‌های گوناگون انجام می‌شود که یک شیوه جهانی این انتقالات، استفاده از شبکه سوئیفت است. بانک‌های عضو در این شبکه بین بانکی به راحتی می‌توانند به انتقال الکترونیکی وجوه بین خود بدون محدودیت مرز و در سطح بین‌المللی اقدام نمایند. سوئیفت معمولاً برای نقل و انتقالات بین‌المللی پول بین بانک‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۸)

در حال حاضر بانک‌های کشور دارای انواع مختلف حساب‌های ریالی و ارزی نزد یکدیگر می‌باشند و چون افتتاح این حساب‌ها بر مبنای قراردادها و عقود ذکر شده در قانون عملیات بانکداری بدون ربا صورت می‌گیرد، وجود بانک مرکزی به عنوان ناظر این بازار امری ضروری است و در مواقعی که بازار و شرایط حاکم بر اقتصاد جامعه اقتضا کند، این بانک با استفاده از ابزارهایی که در اختیار دارد می‌تواند به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم اقدام به اعمال سیاست پولی نماید.

ابزارهای بازار بین بانکی اسلامی

مبادلات در ابتدا در بازارهای بین بانکی به صورت ساده بوده است و وجوه مورد نیاز به صورت پول نقد مبادله می‌شدند. اما به دنبال پیشرفت این بازار در کشورهای توسعه یافته، کشورهای اسلامی نیز به فکر استفاده از این بازار به صورت اسلامی و بدون بهره افتادند و ابزارهای خاص خود را طراحی و معرفی کردند که در زیر به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

الف) سپرده‌گذاری:

یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای معامله وجوه در بازار بین بانکی ایران، استفاده از شیوه سپرده‌گذاری می‌باشد. (حاجیان، ۱۳۸۵: ۱۰۴) در این روش بانک‌های تجاری

می‌توانند نزد سایر بانک‌های تجاری موجود در بازار بین بانکی حساب باز کرده و سپرده‌گذاری نمایند و از این طریق سودی نیز دریافت می‌کنند که این سود باید به ترتیبی باشد که سود سپرده‌های مشتریان را پوشش دهد و مقداری سود اضافی نیز برای بانک‌ها در پی داشته باشد. این روش در ماده ۲۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا کشور آمده است.

ب) گواهی سپرده:

بانک‌های اسلامی می‌توانند گواهی‌های سپرده عام، خاص و ویژه قابل خرید و فروش در بازارهای ثانویه طراحی کنند، این اوراق که به صورت بی‌نام یا بانام منتشر می‌شوند، براساس قرارداد پایه‌ای وکالت طراحی می‌شوند که به سبب آن سپرده‌گذاران منابع خود را در اختیار بانک می‌گذارند تا از طرف آنان در سرمایه‌گذاری خاص یا مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها به کار گیرند و در پایان سال مالی بعد از کسر حق‌الوکاله، مابقی سود را بین سپرده‌گذاران تقسیم کنند. این اوراق قابلیت آن را دارند که در معامله‌های بین بانکی نیز مورد معامله قرار گیرند، به این صورت که بانک‌ها توافق می‌کنند بخشی از گواهی‌های منتشرشده به وسیله خود یا موجودی گواهی اعضای دیگر را در بازار بین بانکی خرید و فروش کنند. (موسویان و الهی، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

ج) تشکیل صندوق صکوک (اوراق):

اوراق مشارکت، اوراق مرابحه رهنی و اجاره به شرط تملیک که از انواع اوراق بهادار اسلامی هستند، می‌توانند به عنوان ابزار کارآمدی در بازار بین بانکی به کار گرفته شوند. برای تسهیل در خرید و فروش این اوراق در بازار بین بانکی باید صندوق صکوک تأسیس شود، به این صورت که بانک در مواقعی که مازاد نقدینگی دارد، این اوراق را از صندوق بخرد و در مواقعی که با کمبود نقدینگی روبه‌رو است، اوراق را به صندوق بفروشد. (موسویان و الهی، ۱۳۸۹: ۱۱۵)

حاشیه‌ها

این صندوق‌ها می‌توانند ابزار مناسبی برای تأمین نقدینگی بانک‌ها باشند به این صورت که هر یک از بانک‌ها بخشی از اوراق خود را برای خرید و فروش در بازار بین بانکی به صندوق‌ها عرضه می‌کند، یعنی در مواقعی که احتیاج به نقدینگی دارد اوراق خود را به صندوق می‌فروشد و هر زمان که با مازاد منابع روبه‌رو شد، اوراق سایر بانک‌ها که در صندوق موجود می‌باشد را خریداری می‌کند.

د) خرید و فروش اسناد خزانه اسلامی:

اسناد خزانه، اوراق بهادار کوتاه‌مدتی هستند که توسط دولت منتشر می‌شوند و سررسید آن‌ها بین سه ماه تا یک سال است. این اسناد عموماً فاقد کوپن بهره‌اند و هنگام فروش به صورت تنزیل شده به فروش می‌رسند و در سررسید، دارنده آن مبلغ اسمی سند را دریافت می‌کند. اوراق خزانه دولتی توسط دولت و برای تأمین نیازهای مالی منتشر می‌شود و دارنده آن می‌تواند تا زمان سررسید صبر کند و یا اوراق را به صورت تنزیل در بازار بفروشد. بانک‌ها می‌توانند بخشی از منابع خود را در صورت داشتن مازاد نقدینگی، به خرید این اوراق تخصیص دهند و در مواقعی که به نقدینگی نیاز دارند، در بازار بین بانکی، به سایر بانک‌ها و یا نزد بانک مرکزی با تنزیل بفروش برسانند.

ه) خرید و فروش دین:

بانک‌ها به هنگام نیاز به نقدینگی می‌توانند اسناد و اوراق تجاری خود که مبتنی بر دین واقعی است را در بازار بین بانکی عرضه کنند و بالعکس، هنگامی که نقدینگی بالایی دارند می‌توانند مقداری از آن را صرف خرید اسناد و اوراق تجاری سایر بانک‌های موجود در بازار بین بانکی نمایند. افزون بر این، بانک‌ها می‌توانند بخشی از تسهیلات اعطایی خود در قالب قراردادهای فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک و جعاله را که نتیجه آن‌ها بدهی مشتری به بانک است را به صورت بلوک‌های خاص در آورده در بازار بین بانکی داد و ستد کنند. (موسویان و الهی، ۱۳۸۹: ۱۱۰)

و) حواله بانکی ودیعه:

بانک‌ها می‌توانند وجوه مازاد خود را نزد بانک مرکزی به ودیعه بگذارند. در این صورت، بانک مرکزی به عنوان گیرنده وجوه، امین بانک به حساب می‌آید و به پرداخت بازده خاصی مکلف نیست و در صورت هرگونه پرداخت مازاد به وسیله آن، این مبالغ هدیه (هبه) شمرده می‌شود. این ابزار به بانک‌ها قدرت مدیریت نقدینگی اعطا کرده و بانک مرکزی را نیز با تعهدهای پرداخت‌های مازاد، دچار مشکل نمی‌کند. (Kabir Hassan & Lewis, ۲۰۰۷, p ۱۶۶)

بانک مرکزی و ابزارهای رایج اعمال سیاست پولی

بانک مرکزی برای دستیابی به اهداف سیاست‌گذاری خود، کنترل و نظارت لازم را در مورد حجم پول «پر قدرت»^۱، نسبت اندوخته‌ها برای انواع مختلف سپرده‌ها و حداکثر مبلغ دارایی‌هایی که بانک‌ها می‌توانند به فعالیت‌های مشارکت اختصاص دهند، اعمال می‌کند. بانک مرکزی از طریق انجام وظایف نظارت، کنترل، سرپرستی و همچنین ایفای نقش «وام‌دهنده نهایی»^۲، می‌تواند تأثیر عمده‌ای در نظام مالی داشته باشد. علاوه بر این که موقعیت‌هایی برای بانک مرکزی در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم در بخش واقعی اقتصاد بر مبنای مشارکت و همچنین سهم شدن در فعالیت‌های مشترک همراه با سایر بانک‌ها، وجود خواهد داشت.

سیاست‌گذاران بانک مرکزی با مطالعه دقیق وضعیت اقتصادی کشور برای رسیدن به اهداف رشد مناسب اقتصادی، اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و تعادل تراز پرداخت‌های خارجی، با استفاده از ابزارهای سیاست پولی وارد عمل شده و از طریق ابزارهای کمی و کیفی اهداف مذکور را تعقیب می‌کنند. ابزارهای کمی اعمال سیاست پولی بانک مرکزی عبارتند از:

۱. High- Power Money.

۲. Lender of Last.

حاشیه‌ها

۱. **عملیات بازار باز^۱ (OMO):** یکی از ابزارهای معروف و کارآمد بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی، استفاده از عملیات بازار باز یا خرید و فروش اوراق بهادار اسلامی (صکوک) است که از طریق آن، بانک مرکزی می‌تواند نسبت به تنظیم و کنترل حجم نقدینگی به نحوی که متناسب با نیازهای اقتصادی کشور باشد، اقدام نماید. بانک مرکزی می‌تواند در مواقع نیاز از طریق ورود به بازار ثانویه برخی از اوراق بهادار اسلامی را خرید و فروش نموده و اعمال سیاست پولی کند.
۲. **عملیات شبه بازار باز^۲ (OMTO):** انتشار اوراق توسط بانک مرکزی در صورتی که حاوی ربا نبوده و مطابق موازین شرع صورت پذیرد و در صورت ورود به بازار که در ابتدا نیز ماهیت سیاست انقباضی پولی دارد، می‌تواند در کنترل حجم پول پر قدرت نقشی اساسی ایفاء کند. ویژگی این نوع اوراق که در عملیات شبه بازار باز مورد استفاده قرار می‌گیرد این است که زمانی که اقتصاد با تورم مواجه است و خرید صکوک و اوراق بهادار توسط بانک مرکزی سبب افزایش چند برابر تورم می‌شود، انتشار این اوراق توسط بانک مرکزی از همان آغاز به کاهش حجم پول پر قدرت در اقتصاد و در نتیجه به کاهش عرضه پول منجر شده و سیاست انقباضی تحقق می‌یابد.
۳. **نسبت ذخایر قانونی:** نسبت سپرده قانونی یکی از ابزارهای مهم برای اجرای سیاست پولی به شمار می‌آید و تغییرات آن موجب می‌شود که ضریب فزاینده پولی تحت تأثیر قرار بگیرد و در نتیجه عرضه پول تغییر کند. (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۷) این بیانگر آن است که بانک‌های تجاری و دیگر مؤسسات سپرده‌پذیر مانند مؤسسات جذب پس اندازها و اعطای وام، باید نسبت مشخصی (مثلاً ده درصد) از کل تعهدات خود نسبت به سپرده‌های دیداری (یعنی نسبتی از مانده‌های حساب جاری مشتریان خود) را به عنوان ذخیره نزد بانک مرکزی نگه دارند. این ذخایر به شکل سپرده در بانک مرکزی نگهداری می‌شود. (برانسون، ۱۳۸۸: ۴۴۴)

۱. Open Market Operation

۲. Open Market -Type Operation

۴. **نرخ تنزیل مجدد^۱:** در این روش، بانک‌ها می‌توانند با نرخ‌های تنزیل که معمولاً کمتر از نرخ‌های کوتاه‌مدت بازار است، اقدام به گرفتن وام و استقراض از بانک مرکزی نمایند و ذخایر مازاد مورد نیاز خود را از این طریق کسب نمایند. (برانسون، ۱۳۸۸: ۴۴۵)

اگر بانکی با این روش از بانک مرکزی قرض بگیرد، سپرده‌ای به اندازه ذخایر قرض گرفته شده در بانک مرکزی و به نام بانک قرض گیرنده ایجاد می‌شود. در زمان تورم، هیأت مدیره بانک مرکزی تصمیم می‌گیرد که نرخ تنزیل را افزایش دهد، با افزایش نرخ تنزیل بانک‌های تجاری، حجم اعتبارات خود را از بانک مرکزی کاهش می‌دهند و در این شرایط از قدرت بانک‌های تجاری برای دادن اعتبار به مردم کاسته می‌شود. (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۸)

ابزارهای کیفی اعمال سیاست پولی بانک مرکزی عبارتند از:

۱. **تغییر نرخ‌های سود بانکی:** یکی از ابزارهای مستقیم سیاست پولی، کنترل نرخ‌های سود بانکی توسط بانک مرکزی است. برای این کار مقامات پولی بانک مرکزی می‌توانند با تعیین حداقل و حداکثر نرخ سود برای اعطای تسهیلات بانکی در بازار پول و سرمایه دخالت کرده و با توجه به کاربردهای اقتصادی این اعتبارات در طرح‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت، نرخ سود آن‌ها را متناسب با نرخ بازدهی سرمایه در بخش‌های مختلف اقتصاد مشخص کنند. (آریا، ۱۳۸۵: ۱۳۶)

۲. **محدودیت‌های اعتباری (سقف اعتباری):** با توجه به قانون پولی و بانکی کشور، بانک مرکزی می‌تواند با توجه به اولویت‌های اقتصادی مستقیم، تسهیلات بانکی اعطا کند و یا اقدام به جهت‌دهی اعتبارات بانکی از نظر نحوه مصرف و میزان وام به خصوص برای طرح‌های مولد اقتصادی، تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مشابه نزد بانک‌ها نماید. (ماده ۱۴ قانون پولی و بانکی کشور،

۱. Discount Rate

چالش‌ها و محدودیت‌ها

۱۳۵۱/۴/۱۸؛ آریا، ۱۳۸۵: ۱۳۶) مثلاً اگر در بخش مسکن شرایط تورمی حاکم باشد و در سایر بخش‌های اقتصادی نیاز به اعتبارات بیشتر وجود داشته باشد، از طریق تعیین اولویت برای سرمایه‌گذاری در سایر بخش‌ها و ایجاد محدودیت در بخش مسکن، اقدام به اعمال سیاست پولی نماید.

۳. تذکاريه‌های اخلاقی: بانک مرکزی طی بخشنامه‌ها و اطلاعیه‌هایی شرایط اقتصادی کشور را به اطلاع بانک‌ها می‌رساند که طی آن به بانک‌ها برای رعایت احتیاط‌های لازم در مورد پرداخت اعتبارات هشدار می‌دهد، هرچند رعایت آن الزام‌آور نیست، ولی بانک مرکزی با صدور این بخشنامه‌ها و اطلاعیه‌ها، قصد خود را از اعمال سیاست پولی بیان می‌کند. (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۹۱ - ۲۹۲)

امکان سنجی اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی در بازار بین بانکی

جایگاه بانک مرکزی در بازار بین بانکی دارای ابعاد گوناگونی است و می‌تواند نقش اساسی در ایجاد و تقویت بازارهای مالی اولیه و ثانویه و نیز بازار پول ایفا نماید. هر قدر امکان دخالت بانک مرکزی در عملیات بازار بین بانکی بیشتر باشد، نقش آن موثرتر خواهد شد و باعث افزایش کارایی این بازار می‌شود، به گونه‌ای که بر حوزه اختیارات این بانک افزوده خواهد شد. در این میان راه‌اندازی بازار بین بانکی از جمله وظایف اولیه بانک مرکزی تعریف شده است. علاوه بر آن، اعمال سیاست‌های پولی از طریق بازار بین بانکی با تغییر در نرخ بهره و کنترل عرضه و تقاضای پول، حجم پول، امکانات تنزیل مجدد و اضافه برداشت مهم‌ترین نقش بانک مرکزی در بازار بین بانکی است. (حاجیان، ۱۳۸۵: ۳۳ - ۳۴)

بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی در بازار بین بانکی می‌تواند ابزارهایی را به کار گیرد که برخی از این ابزارها به صورت مستقیم و با دخالت مستقیم بانک مرکزی در بازار بین بانکی اعمال می‌شوند و برخی دیگر به صورت غیرمستقیم و با واسطه در بازار به اجرا درمی‌آیند. این ابزارها به صورت زیر می‌باشند:

۱. **سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی:** بانک‌های تجاری از این امکان برخوردار هستند که با افتتاح حساب سپرده ویژه نزد بانک مرکزی، مازاد نقدینگی خود را به این حساب واریز کرده و بابت آن سود دریافت کنند. به کمک این سپرده، بانک مرکزی می‌تواند با پرداخت سود بیشتر به این سپرده‌ها و بالا نگه داشتن این نرخ سود، از نرخ سود موجود در بازار بین بانکی، انگیزه بانک‌ها به انباشت منابع مازاد خود در این حساب را افزایش دهد، منابع مالی مازاد بانک‌ها را جذب و رشد نقدینگی را در بازار مهار کند و از ایجاد اعتبارات و اعطای وام توسط بانک‌ها در بازار بین بانکی جلوگیری کند.

از این طریق، اقدام به انجام سیاست انقباضی پولی کند و در مواقع نیاز بازار به نقدینگی، میزان سود این سپرده‌ها را کاهش دهد و آن را کمتر از نرخ بازار قرار دهد تا بانک‌ها اقدام به برداشت منابع مازاد خود از این حساب نمایند و این منابع را صرف اعطای وام و اعتبارات در بازار بین بانکی نمایند و بدین طریق اقدام به اعمال سیاست انبساطی پولی نماید.

با ایجاد چنین کف و سقفی برای نرخ سود یک شبه بازار بین بانکی، بانک مرکزی می‌تواند نوسان‌های نرخ سود یک شبه را محدود کند، به این گونه که زمانی که اقتصاد در رونق به سر می‌برد و به دلیل تقاضای زیاد تسهیلات، شرایط تورمی بر اقتصاد حاکم است، بانک مرکزی می‌تواند از طریق افزایش سود پرداختی به ذخایر اضافی و بنابراین کاهش انگیزه بانک‌ها در اعطای تسهیلات از محل ذخایر اضافی خود، نرخ سود کوتاه‌مدت بازار را افزایش داده و از فشار تورمی بکاهد و بدین ترتیب به سمت استفاده از قاعده تیلور به عنوان ابزار سیاست پولی حرکت کند. (توکلیان، ۱۳۹۰: ۱۰۷)

۲. **عملیات بازار باز:** بانک مرکزی در مواردی که بازار بین بانکی به نقدینگی نیاز دارد و بانک‌های موجود در این بازار، اوراق تجاری در اختیار دارند، می‌تواند این اوراق را به صورت تنزیل خریداری نماید و نقدینگی لازم را برای بازار فراهم نماید و

در مواردی که بازار در شرایط تورمی باشد، می‌تواند این اوراق را در بازار بین بانکی به صورت تنزیل به فروش برساند و از این طریق اقدام به اعمال سیاست پولی نماید.

۳. عملیات شبه بازار باز: با توجه به این که اوراق تجاری در بازار بین بانکی مبادله می‌شوند و کشور از بازار ثانویه عمیقی برخوردار نیست، بانک مرکزی می‌تواند در حالت اول اقدام به انتشار اوراق مشارکت نماید. اگر مقدار نقدینگی در بازار بین بانکی و سرعت خلق پول در این بازار فزاینده باشد، بانک مرکزی می‌تواند اوراق مشارکتی منتشر کند که دارای نرخ سودی بیشتر از نرخ سود موجود در بازار بین بانکی باشد و آن‌ها را در بازار به فروش برساند و انگیزه بانک‌ها را از اعطای اعتبار به سایر بانک‌ها کاهش دهد. حالت دوم این که بانک مرکزی اقدام به فروش دارایی‌های خود (مثل ساختمان) نماید و سپس آن را اجاره نماید و اوراق اجاره مبتنی بر آن منتشر کند و در بازار بین بانکی به فروش برساند.

در حالت سوم نیز بانک مرکزی اقدام به ساختن ساختمان جدیدی نماید و طی قراردادی، سفارش ساخت آن را به پیمان‌کاری بدهد و بر مبنای آن اقدام به انتشار اوراق استصناع نماید و اوراق مربوطه را در بازار بین بانکی منتشر کند. این سه حالت در مواردی است که بانک مرکزی شرایط بازار بین بانکی را به صورتی ببیند که باید سیاست انقباضی پولی اعمال کند.

۴. تنزیل و عدم تنزیل اسناد و اوراق تجاری موجود در اختیار بانک‌ها: اگر بازار بین بانکی به نقدینگی نیاز نداشته باشد، ولی بانک‌ها با توجه به شرایط بازار، درصدد جذب نقدینگی‌های زیادی باشند تا از این طریق اعتبارات و وام‌های زیادی را در بازار اعطا نمایند و برای این منظور اقدام به تنزیل اسناد و اوراق تجاری خود نزد بانک مرکزی نمایند، بانک مرکزی می‌تواند نرخ تنزیل این اسناد را بالا برده و یا عمل تنزیل را انجام ندهد.

۵. تغییر در نسبت‌های مالی بانک‌ها: یکی دیگر از ابزارهایی که بانک مرکزی برای محدود نگه‌داشتن بانک‌های تجاری در بازار بین بانکی در اختیار دارد و می‌تواند

از طریق آن وام‌ها و اعتبارات اعطایی از طرف بانک‌های تجاری را محدود کند، نسبت‌های نقدینگی است. بانک مرکزی برای اعمال سیاست انقباضی پولی می‌تواند، این نسبت را کاهش دهد و از قدرت وام و اعتباردهی سیستم بانکی در بازار بین بانکی بکاهد و در شرایط رکودی اقدام به اعمال سیاست انبساطی پولی نماید و این نسبت را افزایش دهد و بر قدرت سیستم بانکی در جهت اعطای وام و اعتبار بیفزاید. از دیگر نسبت‌های مالی، نسبت سرمایه به بدهی می‌باشد که بانک مرکزی از طریق کاهش یا افزایش آن می‌تواند بر قدرت خلق پول شبکه بانکی تأثیر بگذارد و آن را محدود کند یا گسترش دهد. (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۸۹)

۶. اعمال جریمه بر اضافه برداشت بانک‌ها از حساب‌های جاری خود نزد بانک مرکزی: بانک مرکزی می‌تواند در شرایط تورمی، متناسب با میزان برداشت بانک‌ها با تعیین نرخ‌های جریمه سنگین، به نوعی اقدام به اعمال سیاست انقباضی پولی نماید و با این اقدام از اضافه برداشت بانک‌ها از حساب‌های جاری خود جلوگیری نماید و در شرایطی که بازار بین بانکی نیاز به نقدینگی دارد، اقدام به اعمال سیاست انبساطی پولی از طریق کاهش نرخ‌های جریمه و یا برداشتن این جریمه‌ها نماید و با این کار، امکان استفاده از اضافه برداشت را برای بانک‌ها میسر سازد. با استفاده از ابزارهای فوق‌الذکر، این امکان برای بانک مرکزی وجود دارد که در بازار بین بانکی دخالت کرده و به اعمال سیاست پولی در این بازار بپردازد.

نتیجه‌گیری

بازار بین بانکی یکی از اجزای بازار پول است که در آن بانک‌ها و سایر مؤسسات اعتباری نسبت به معاملات با یکدیگر جهت تأمین مالی کوتاه‌مدت مبادرت می‌ورزند. این بازار نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های پولی دارد و هدف از تشکیل آن تقویت مدیریت نقدینگی بانک‌ها و تسهیل تأمین مالی منابع مورد نیاز بانک‌ها در کوتاه‌مدت، برقراری انضباط پولی و اجرای مؤثرتر سیاست‌های پولی است و بانک مرکزی به عنوان

تنظیم‌کننده بازار، کلیه امور مربوط به برنامه‌ریزی، سازماندهی، هماهنگی، تدوین مقررات، نظارت، کنترل و تسویه معاملات را بر عهده داشته و جهت اعمال سیاست‌های پولی در بازار شرکت می‌نماید.

به منظور برقراری ارتباط قانونمند بانک‌ها با یکدیگر در جهت تأمین نیازهای مالی کوتاه‌مدت و استفاده بهینه از منابع آزاد خود و محدود نمودن امکان اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی که افزایش پایه پولی و نقدینگی را به دنبال دارد، وجود بازار بین بانکی ضروری است.

انجام معاملات در این بازار در قالب مقررات موجود از طریق تودیع وجوه به صورت سپرده، خرید و فروش دین، معاملات اوراق (مشارکت، خزانه، استصناع، اجاره)، گواهی‌های سپرده و سایر معاملات مجاز انجام می‌شود. از آنجا که بانک مرکزی نقش نظارت بر بازار بین بانکی را بر عهده دارد در مواقعی که در بازار بین بانکی نیاز به دخالت این بانک احساس شود، این بانک با استفاده از ابزارهایی که برای اعمال سیاست پولی در بازار بین بانکی در اختیار دارد می‌تواند در بازار بین بانکی دخالت کند و اقدام به اعمال سیاست پولی نماید.

ابزارهایی چون سپرده ویژه بانک‌های تجاری نزد بانک مرکزی، عملیات بازار باز و شبه بازار باز، تنزیل و عدم تنزیل اسناد و اوراق تجاری موجود در اختیار بانک‌ها، تغییر در نسبت‌های مالی بانک‌ها و اعمال جریمه بر اضافه برداشت بانک‌ها از حساب‌های جاری خود نزد بانک مرکزی. برخی از این ابزارها به صورت مستقیم و با دخالت مستقیم بانک مرکزی در بازار بین بانکی اعمال می‌شوند و برخی دیگر به صورت غیرمستقیم و با واسطه در این بازار به اجرا در می‌آیند. نتیجه نهایی این که امکان اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی در بازار بین بانکی اسلامی وجود دارد.

منابع

۱. محمدی، حبیب ا... و سیدان، سید کامبیز (۱۳۷۸)، *عملیات متداول در بازارهای پولی و ارزی*، اتحادیه بانک سوئیس، تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
۲. آریا، کیومرث (۱۳۸۵)، *سیاست‌های پولی و ارزی؛ اولویت‌ها و گرایش‌ها*، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
۳. برانسون، ویلیام.اچ (۱۳۸۸)، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، عباس شاکری، تهران: نشر نی، چاپ چهاردهم.
۴. توکلیان، حسین (۱۳۹۰)، «بازار بین بانکی ریالی و قابلیت معرفی یک ابزار جدید سیاست‌گذاری پولی»، *مجله تازه‌های اقتصادی*، سال نهم، ش ۱۳۳.
۵. حاجیان، محمدرضا (۱۳۸۵)، *بازار بین بانکی ریالی*، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی - بانک مرکزی، چاپ اول.
۶. قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸.
۷. قانون عملیات بانکی بدون ربا.
۸. مجتهد، احمد و حسن‌زاده، علی (۱۳۸۴)، *پول و بانکداری و نهادهای مالی*، تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی - بانک مرکزی، چاپ اول.
۹. موسویان، سیدعباس و الهی، مهدی (۱۳۸۹)، «امکان‌سنجی فقهی تشکیل بازار بین بانکی در بانکداری اسلامی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه، سال دهم، ش ۳۸.
۱۰. Kabir Hassan, M. & Mervyn K. Lewis; (۲۰۰۷), *Handbook of Islamic banking* edited.
۱۱. Bacha, Obiyathulla Ismath; (۲۰۰۸), *the Islamic Interbank Money Market and a Dual Banking System: The Malaysian Experience*.



چکیده

سیاست پولی که برای کنترل حجم نقدینگی و مهار تورم است، فقط توسط بانک مرکزی اعمال می‌شود. جوامع اسلامی که نظام اقتصادی اسلام را دنبال می‌کنند، هم از جهت ماهیت و هم از جهت اهداف با نظام سرمایه داری متفاوتند، بنابراین باید در ابزارهای سیاست پولی تغییراتی صورت گیرد تا مطابق با شرع باشند. از اوراق قرضه به جهت داشتن ماهیت ربوی نمی‌توان استفاده کرد و گرفتن ذخیره قانونی نیز به عنوان یک الزام باید از نظر شرعی بررسی شود و سپس درباره نرخ آن تصمیم گیری شود. فرضیه‌ای که در این مقاله مطرح شده این است که می‌توان با تغییراتی مناسب و مطابق با شریعت در ابزارهای سیاست پولی مبتنی بر بهره، محصولی را به دست آورد که کارا بوده و در عین حال با شرایط اقتصادی کشورهای در حال توسعه نیز سازگار باشد.

واژگان کلیدی: بانک مرکزی؛ سیاست پولی؛ نظام اسلامی؛ نظام اقتصادی؛ رشد و توسعه اقتصادی.

مقدمه

سیاست پولی را می‌توان تلاشی در جهت کنترل حجم پول در راستای تحقق هدف‌های اقتصادی و یا به حداقل رساندن خسارت‌های ناشی از عملکرد نظام پولی تعریف کرد. این سیاست‌ها معمولاً در راستای تحقق اهدافی نظیر مهار تورم، رشد اقتصادی، ثبات در بازارهای مالی و بازار ارز می‌باشد. بانک‌های مرکزی با مطالعه وضعیت اقتصادی کشور خود، متناسب با شرایط موجود اقدام به اجرای سیاست‌های پولی مناسب می‌کنند. انتخاب سیاست‌های سنجیده و استفاده از ابزارهای مؤثر از مسایل مهم و پیچیده اقتصادی به شمار می‌آید. در جوامع اسلامی که نظام اقتصادی اسلام را دنبال می‌کنند، اهداف از آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) استخراج شده و تحت عنوان اهداف این نظام قلمداد می‌شوند. در نظام اقتصادی اسلام هم اهداف و هم ابزار برای سیاست‌های پولی با نظام سرمایه داری تفاوت دارد. بنابراین از میان سه ابزار متعارف سیاست پولی، عملیات بازار باز مبتنی بر اوراق قرضه دولتی به جهت

داشتن ماهیت ربوی کنار گذاشته شده و گرفتن ذخیره قانونی نیز به عنوان یک الزام باید از نظر شرعی بررسی شود و سپس در مورد میزان نرخ آن تصمیم‌گیری شود. در سیاست‌های پولی عملیات بازار باز بسیار کارا بوده و تأثیر فراوانی در رسیدن به اهداف دارند و عملیات درجه‌تزیل نیز در شرایط بحرانی اقتصادها کمک شایانی به بانک‌ها می‌کند. بنابراین می‌توانیم با تغییراتی در پیکره آن‌ها ابزارهایی کارا و مطابق با شریعت به دست آوریم که با شرایط کشورهای در حال توسعه نیز سازگار باشند. در عین حال این نگرانی وجود دارد که آیا با تحول نظام بانکی از سیستم سنتی به بانکداری بدون ربا، وسیله و ابزاری برای انجام سیاست‌های پولی منطبق با موازین و دیدگاه‌های اسلامی باقی می‌ماند؟. فرضیه‌ای که در این نوشته به دنبال اثبات آن هستیم این است که می‌توان با تغییراتی مناسب و مطابق با شریعت در ابزارهای سیاست پولی مبتنی بر بهره، محصولی را به دست آورد که کارا باشد و در عین حال با شرایط اقتصادی کشورهای در حال توسعه نیز سازگار باشد. در این مقاله سعی شده پس از معرفی اهداف سیاست‌های پولی در نظام اسلامی به بررسی اهداف بانک مرکزی در این نظام پرداخته شود، سپس به ارائه پیشنهادها مطرح شده از جانب اقتصاددانان مسلمان درباره مهم‌ترین ابزارهای سیاست پولی پرداخته و در هر ابزاری پیشنهاد خود را نیز ارائه نماییم. البته در قانون عملیات بانکی بدون ربا در فصل چهارم ابزارهای دیگری نظیر کنترل کمی و کیفی^۱ اعتبارات نیز مطرح شده که ما در این نوشته وارد این جزئیات نمی‌شویم.

اهداف بانک مرکزی اسلامی

به طور معمول اهدافی که برای اجرای یک سیاست پولی در نظر گرفته می‌شود عبارتند از:

۱. کنترل کیفی حجم پول را در جامعه دستخوش تغییر نمی‌سازد و در واقع سیاست پولی نیست اما سیاست‌های پولی اعمال شده به طرق دیگر را در مسیر درست و مناسبی هدایت می‌کند و به نوعی عدالت در تخصیص تسهیلات را محقق می‌سازد.

ثبات قیمت ها، اشتغال بالا، رشد اقتصادی، ثبات در بازارهای مالی و بازار ارز. در نظام اقتصادی اسلام نیز این اهداف وجود دارند، اما مهم تر از آن ها اهداف دیگری نیز هستند که مورد تأکید اسلام می باشند و به عنوان اهداف غایی اقتصاد اسلامی شناخته شده هستند، با این حال در مورد انتخاب همزمان اهداف نهایی ذکر شده در اقتصاد پولی ممکن است ناسازگاری های احتمالی وجود داشته باشد که تحقق یکی در کنار دیگری ممکن نیست، مانند هدف اشتغال بالا و سطح مشخصی از تورم، زیرا براساس مطالعات مورد پذیرش اکثری اقتصاددانان بین تورم و بیکاری رابطه عکس وجود دارد و نرخ پایین بیکاری در کنار نرخ پایینی از تورم نمی تواند شکل گیرد. اما اهداف غایی اقتصاد اسلامی می توانند در کنار هم تأمین گردند و این اهداف غایی عبارتند از:

۱. استقلال اقتصادی:

مفهوم استقلال اقتصادی، عدم دخالت و پذیرش سلطه بیگانگان بر تصمیم سازی اقتصادی و تأمین نیازهای اقتصادی یک کشور اسلامی است و در این بین اقتدار امت اسلامی در هر حال باید حفظ شود، زیرا استقلال اقتصادی به معنای خود کفایی محض نیست و عنصر واردات را نباید کاملاً از چرخه کلان کشور حذف نمود.

بنابراین اعمال سیاست اقتصادی مناسب در جهت ایجاد خود کفایی در کالاهای اساسی و همیاری عمومی مردم در قطع وابستگی و بستن راه های نفوذ کفار از مهم ترین اهداف و مسئولیت های امت اسلامی است. لازم به ذکر است که امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و رشد و توسعه اقتصادی از مهم ترین اهداف نظام اقتصادی اسلام هستند و تنها در سایه استقلال دولت اسلامی می توانند شکل گیرند.

۲. عدالت اقتصادی:

عدالت اقتصادی وضعیتی را در جامعه توصیف می کند که در آن همه مردم به حق خود از ثروت ها و درآمدهای جامعه دست یافته باشند. روشن است که تولید و توزیع

کالاها و خدمات باید به گونه‌ای باشد که نیازهای تمام اقشار جامعه برآورده گردد و باعث توزیع منصفانه درآمد و تعدیل ثروت شود و در عین حال باید بر انگیزه کار و پس‌انداز اثر منفی نداشته باشد. بنابراین عاقلانه‌ترین روش، گزینش نظامی است که در جهت تحقق عدالت و کارآیی عمل کند.

۳. رشد و توسعه اقتصادی:

طبق اعتقادات اسلامی، انسان جانشین خداوند بر روی زمین است و این مسأله باعث می‌شود که انسان زندگی در شأن این مقام را داشته باشد و دولت اسلامی باید زمینه‌ساز تحقق این امر باشد. به اتفاق آرا فقیهان مسلمان، رفاه مردم و نجات آن‌ها از رنج‌های زندگی جزئی از اهداف پایه‌ای در شریعت اسلام می‌باشد. بنابراین یکی از اهداف بسیار مهم سیاست پولی در یک چارچوب اسلامی را رفاه اقتصادی ناشی از اشتغال کامل و رشد بالای اقتصادی می‌دانند. در کنار اهداف کلی نظام اقتصادی و سیاست‌های پولی در بانک مرکزی اسلامی، اهداف دیگری به نام اهداف جاری که تأمین‌کننده اهداف کلی می‌باشند، وجود دارند که عبارتند از:

الف) ایجاد اشتغال و فرصت‌های شغلی: بدون شک یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها برای تحقق رشد در جامعه، بالا بردن سطح اشتغال، ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای عموم مردم و همچنین آموزش در جهت فن‌آموزی نیروهای کار می‌باشد. البته بالا بردن سطح اشتغال منحصر در نیروی انسانی نیست، بلکه مقصود به کار بستن تمامی امکانات بالقوه موجود در جامعه است که از آن به اشتغال کامل تعبیر می‌شود.

ب) تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها: مبارزه با ریشه‌های تورم همواره مورد نظر پیشوایان دینی بوده است. چرا که افزایش بی‌رویه قیمت‌ها اقتصاد را دچار اختلال می‌کند، به گونه‌ای که موجب ظلم به برخی اقشار خصوصاً حقوق‌بگیران شده و توزیع درآمد به نفع طبقه‌ای خاص می‌شود. پس به منظور رسیدن به عدالت و رشد اقتصادی باید سیاست‌های اقتصادی مناسب، در جهت تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها حرکت کرد.

ج) ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌های خارجی: ایجاد کسری در تراز پرداخت‌های یک کشور علاوه بر بروز اختلالاتی در متغیرهای درونی، سبب کاهش و از بین رفتن اعتبار کشور و در نتیجه موجب وابستگی اقتصادی می‌گردد و چون از اهداف نظام اقتصادی اسلام، حفظ استقلال اقتصادی می‌باشد، از این‌رو سیاست‌ها باید تأمین‌کننده تعادل این حساب باشند. (فراهانی فرد، ۱۳۷۸: ۱۰۷)

بنابراین، برای تحقق بانکداری اسلامی و اجرای سیاست پولی مناسب در آن، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمود تا تمامی اهداف در کنار هم تأمین گردند. مشخص است که این سه هدف ذکر شده، هیچ‌گونه اصطکاک‌کی با هم ندارند و می‌توانند در کنار یکدیگر تأمین شوند، برای مثال عدالت در کنار استقلال می‌تواند وجود داشته باشد و رابطه‌ای مثبت بین آن‌ها حاکم بوده و با گسترش استقلال جامعه، عدالت نیز پررنگ‌تر می‌شود و این مسأله با مقایسه تاریخ ایران در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی مشخص می‌شود.

ابزارهای سیاست پولی در نظام اسلامی

استفاده از ابزارهای متعارف سیاست پولی چنانچه مخالف شرع نباشد، بلامانع است؛ ولی یکی از ابزارهای غیرمستقیم سیاست پولی، عملیات بازار باز بر مبنای نرخ بهره است و به دلیل حرمت ربا، استفاده از این ابزار غیرمستقیم را دچار اشکال می‌کند. به همین دلیل برخی اقتصاددانان مسلمان نظیر محمد عارف، تنها بر ابزارهای کنترل مستقیم برای سیاست‌های پولی تمرکز کرده‌اند. اما باید گفت که استفاده از نرخ تنزیل مجدد براساس خرید دین بر اساس نظر اکثر فقهای شیعه مجاز شمرده شده است و بنابراین ما در این نوشته استفاده از آن را ربوی تلقی نمی‌کنیم.

استفاده از ابزارهای کنترل مستقیم حجم پول مثل ذخایر قانونی و سقف اعتباری بدون اشکال می‌باشد، زیرا بانک مرکزی به عنوان یک نهاد بزرگ دولتی که تمام بانک‌ها موظف هستند زیر نظر آن کار کنند، می‌تواند بنا به هر صلاح دیدی سقف‌های اعتباری را ایجاد کند.

در مورد ذخایر قانونی مطابق نظر کسانی که سپرده‌های بانکی را دارای ماهیت ودیعه شرعی و قانونی می‌دانند، آن وجوه به مالکیت بانک دولتی در نیامده، بلکه در ملکیت صاحبان سپرده باقی می‌ماند. در این صورت انتقال بخشی از آن‌ها تحت عنوان ذخایر قانونی، به اجازه صاحبان آن‌ها نیاز دارد، البته این در صورتی است که بانک اجازه تصرف در بقیه آن را داشته باشد. در غیر این صورت تمام آن در قالب ذخیره در بانک باقی می‌ماند و به ذخیره قانونی نیاز ندارد، ولی به هر حال با رضایت صاحبان سپرده، انتقال بخشی یا تمام آن‌ها به بانک مرکزی در این فرض اشکال ندارد و توجه دادن سپرده‌گذار به آیین نامه بانک در این باره در تحصیل رضایت او کافی است.

در صورتی که بانک‌های سپرده‌پذیر خصوصی باشند، یعنی سرمایه اولیه بانک‌ها را بخش خصوصی تأمین کند، درباره سپرده‌های دیداری و پس انداز همان دو فرض پیشین مطرح است. در فرض نخست، یعنی قرض بودن سپرده‌ها، بانک خصوصی مالک آن‌ها شده و به طور طبیعی انتقال بخشی از آن‌ها به بانک مرکزی باید با رضایت بانک صورت گیرد. این رضایت ممکن است به صورت کلی از طریق درج در آیین نامه تأسیس بانک‌های خصوصی از جانب بانک مرکزی در برابر حمایتی که از آن‌ها انجام می‌دهد، صورت گیرد. در فرض دوم، یعنی امانت بودن این سپرده‌ها نزد بانک خصوصی، نمی‌توان آن‌ها را به بانک مرکزی قرض داد، مگر آن که از ابتدا به صورت آیین‌نامه کلی شرط شود. (فراهانی فرد و فرزین، ۱۳۸۱: ۸۲) در این قسمت به بیان ابزارهای سیاست پولی در یک نظام اقتصاد اسلامی پرداخته و نشان می‌دهیم که لازم نیست ابزارهای مبتنی بر بهره را به طور کلی کنار گذاشت و راه حل‌های جایگزینی برای آن‌ها وجود دارد.

الف) ابزارهای سنتی سیاست پولی

۱. عملیات بازار باز از طریق فروش اوراق بهادار بدون ربا:

یکی از ابزارهای معروف و کارآمد بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی،

استفاده از عملیات بازار باز یا خرید و فروش اوراق قرضه است که از طریق آن بانک مرکزی می‌تواند نسبت به تنظیم و کنترل حجم نقدینگی به نحوی که متناسب با نیازهای اقتصادی کشور باشد، اقدام نماید. انتشار اوراق قرضه، ابزاری برای جمع‌آوری وجوه و تأمین منابع پولی برای دولت است و معمولاً به هنگام کسری بودجه به جای استقراض از بانک مرکزی که پایه پولی را افزایش می‌دهد و موجب افزایش حجم پول و در نهایت تورم می‌شود، اقدام به فروش اوراق بهادار می‌نمایند و ضمن تأمین کسری بودجه از افزایش حجم نقدینگی جلوگیری می‌کنند. عملیات بازار باز به عنوان یک ابزار کنترل حجم پول، دارای انعطاف کافی، قابلیت استفاده روزمره، قابلیت تغییر و اصلاح و نیز دارای اثر بخشی سریع است. انعطاف این ابزار ناشی از این ویژگی است که بانک مرکزی از طریق تصمیم در مورد میزان خرید و فروش اوراق قرضه، می‌تواند با دقت کافی نسبت به میزان کاهش و یا افزایش حجم پول تصمیم بگیرد. ویژگی دیگر این ابزار، قابلیت استفاده روزمره آن است. یعنی اینکه بانک مرکزی می‌تواند همه روزه نسبت به خرید و یا فروش اوراق قرضه تصمیم بگیرد و تطبیق کوتاه مدت حجم پول را تحت کنترل داشته باشد. ویژگی دیگر قابلیت تغییر و اصلاح است که اگر بانک مرکزی متوجه شود که سیاست را اشتباه اعمال کرده است، می‌تواند سیاست عکس را به راحتی اعمال نماید. اثر بخشی سریع این ابزار نیز مربوط به این واقعیت است که بانک مرکزی از طرق خرید و فروش اوراق قرضه می‌تواند بی‌درنگ حجم پول را تغییر دهد. (بهمنی، ۱۳۷۲: ۳۳۲)

اوراق قرضه مبتنی بر ربا و بهره است، بنابراین بهتر است به جای کنار گذاشتن عملیات بازار باز در اقتصاد اسلامی، اوراق قرضه را کنار گذاشته و از اوراقی استفاده کنیم که با نظام اقتصادی اسلام سازگار هستند و اهداف پولی را تأمین می‌کنند و در عین حال خصوصیات نقد شوندگی، انعطاف‌پذیری و اثر بخشی را نیز دارا باشند. از جمله اوراقی که شرایط مذکور را داشته و با مبانی اسلام نیز تطابق کامل دارند، اوراق بهادار اسلامی (صکوک) است. بانک مرکزی می‌تواند در

حاشیه‌های بحث

مواقع نیاز از طریق ورود به بازار ثانوی برخی از اوراق بهادار اسلامی از قبیل صکوک مشارکت، صکوک اجاره، صکوک مرابحه و صکوک استصناع اقدام به خرید و فروش این اوراق نموده و سیاست پولی اعمال کند.

نکته قابل توجه در مورد اوراق بهادار اسلامی این است که این اوراق پشتوانه تولید دارند و با بخش حقیقی اقتصاد در ارتباط هستند. بنابراین بخش پولی و حقیقی همواره هماهنگ عمل می‌نمایند و دیگر حباب‌های مالی ناشی از فعالیت‌های غیر واقعی سبب تفاوت بین این دو بخش نخواهد شد. نکته دیگر اینکه این اوراق متنوع اسلامی با روحیات افراد مختلف جامعه می‌تواند سازگار باشد، مثلاً برای افرادی که ریسک‌پذیر باشند اوراق مشارکت جذابیت دارد و برای افراد ریسک‌گریز اوراق استصناع. بنابراین با انواع و اقسام این اوراق می‌توان توجه اقشار مختلف جامعه را با شرایط روحی متفاوت جلب نمود.

۲. عملیات شبه بازار باز از طریق فروش اوراق بهادار بدون ربا:

اجرای موفق عملیات بازار باز نیازمند تأمین برخی شرایط است که حجم بالای اوراق بهادار و وجود بازار ثانویه فعال از مهم‌ترین شرط‌های موفقیت این عملیات است و فقدان این شرایط در کشورهای در حال توسعه مانع مهمی برای استفاده از عملیات بازار باز در این کشورهاست. «عملیات بازار باز»^۱ شامل عملیاتی است که در طی آن دولت برای تأمین مالی خود از بازار اولیه استفاده می‌کند و اوراق خود را در آنجا عرضه می‌کند، بانک مرکزی هم از همان اوراق در بازار ثانویه برای مقاصد خود استفاده می‌برد، اما در «عملیات شبه بازار باز»^۲ اوراق را خود بانک مرکزی منتشر می‌کند و آن‌ها را در بازار اولیه خرید و فروش می‌کند، چرا که در یک کشور در حال توسعه بازار ثانویه فعالی وجود ندارد. بنابراین در عملیات بازار باز که دولت اوراق خود

۱. Open market operation.

۲. Open market _ type operation.

را ارائه می‌دهد و بانک مرکزی آن را می‌خرد سیاست انبساطی رخ می‌دهد، اما در عملیات شبه بازار باز که بانک مرکزی اوراق را منتشر می‌کند و می‌فروشد سیاست انقباضی رخ می‌دهد. حال با توجه به شرایط کشورهای در حال توسعه (نظیر ایران) که از نقدینگی بالا رنج می‌برند، انتشار اوراق بهادار توسط بانک مرکزی می‌تواند راه‌گشا باشد و سیاست پولی انقباضی مناسبی در جهت جمع‌آوری نقدینگی اضافی شکل گیرد. استفاده از عملیات شبه بازار باز می‌تواند به مرور توسعه بازارهای ثانویه را شکل دهد و واسطه‌ای برای رسیدن به عملیات بازار باز شود. مهم‌ترین نکته در عملیات شبه بازار باز این است که وجوه حاصل از فروش اوراق باید بلوکه شود و یا در یک حساب مخصوص جهانی (مخصوص سیاست پولی) نگهداری شود تا در مواقع نیاز به اقتصاد جوامع تزریق شود. (Axilord, ۱۹۹۶, ۱۶)

در سال ۱۳۷۹ در ایران فروش اوراق مشارکت آغاز شد و از پدیده تقسیم بازارهای نوظهور مالی جلوگیری شد، اما در آن استقلال بانک مرکزی و تأثیرگذاری بر توسعه بازارهای ثانویه ایجاد نشد. همچنین وجوه حاصل از فروش این اوراق لازم بود از چرخه اقتصاد بیرون رود و درون اقتصاد با آن هیچ‌گونه فعالیتی صورت نگیرد. بنابراین در جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی باید از هر دو روش عملیات بازار باز (OMO) و عملیات شبه بازار باز (OMTO) استفاده نمود. OMTO فقط به منظور تغییر نقدینگی جامعه به کار رود و OMO هم برای تغییر نقدینگی و هم تأمین مالی انواع طرح‌های صنعتی، تولیدی می‌باشد. به تدریج با تقویت بازارهای ثانویه می‌توان OMTO را کنار گذاشت.

در کشور ما خرید و فروش اوراق مشارکت دولتی و اوراق بانک مرکزی از طریق معامله‌گران سرمایه‌گذاری و بانک‌ها صورت نمی‌گیرد و بانک‌ها بیشتر به صورت یک کارگزار برای بانک مرکزی ایفای نقش کرده‌اند.

در پایان باید یادآور شد که تجربه ۲۰ سال اخیر جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که ابزارهای متعارفی مانند نرخ ذخیره قانونی، تغییر نرخ تنزیل مجدد و کنترل

کمی و کیفی اعتبارات، کارآیی مطلوبی برای مهار نقدینگی و حجم پول نداشته و نتوانسته‌اند خلأ انجام عملیات بازار باز را پر کنند. (نظرپور، ۱۳۸۵: ۴۸) علاوه بر این، گسترش ابداعات متنوع در بازارهای مالی و ابزارهای جدیدی که در دو دهه آخر قرن بیستم به وجود آمده‌اند هیچ‌گاه در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار نگرفته‌اند و صرفاً تکیه بر استفاده از ابزارهای سنتی سیاست پولی بوده است. ابزارهای جدید شامل بازارهای شبانه (مبتنی بر نرخ بهره شبانه)، اسناد خزانه، موافقتنامه‌های مخصوص خرید و فروش مجدد (مربوط به بازارهای شبانه) و نظام انتقال مبالغ کلان می‌باشند. البته همه این ابزارها مبتنی بر نرخ‌های بهره هستند، ولی می‌توان با تغییراتی در ماهیت برخی از آن‌ها شکل شرعی و کاربردی برای نظام اقتصاد اسلامی ایران به وجود آورد.

۳. تغییر نرخ ذخیره قانونی:

از نقطه نظر اقتصادی در مورد تغییر نرخ ذخیره قانونی اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد و عمده این اختلاف‌ها در مورد نرخ آن می‌باشد. عده‌ای نرخ ذخیره قانونی ۱۰۰٪، عده‌ای سیستم ذخیره قانونی جزئی و برخی هم نرخ صفر درصد را پیشنهاد کرده‌اند.

الف) ذخیره قانونی ۱۰۰٪:

سیستم نرخ ذخیره قانونی ۱۰۰٪ برای سپرده‌های جاری را افرادی نظیر محسن خان (۱۹۸۹)، منذر قحف (۱۹۸۳) ارائه دادند و هر کدام استدلال‌های خاص خود را داشتند. حال اگر چنین نرخ ۱۰۰ درصدی شکل گیرد، دیگر بانک‌های تجاری کارکردهای تجاری خود را از دست می‌دهند و فقط خدمات مربوط به سپرده‌های دیداری را به مشتریان خود ارائه می‌دهند و بسیاری از فرصت‌های سرمایه‌گذاری برای بانک‌های تجاری و در نتیجه برای جامعه از دست می‌رود.

علاوه بر این، بانک مرکزی هم از محل ذخایر قانونی هیچ استفاده‌ای نمی‌برد و فقط آن را به منظور کنترل حجم پولی از بانک‌ها اخذ می‌کند. بنابراین، این پیشنهاد به مسأله

سرمایه گذاری در اقتصاد خدشه وارد می کند و حجم سرمایه گذاری را از حجم مطلوب خود پایین تر می آورد و به هدف رشد اقتصادی نیز آسیب می رساند.

ب) کنار گذاشتن اصل ذخیره قانونی:

عده ای از اقتصاددانان مسلمان معتقدند که نگهداری ذخایر قانونی لازم نیست. برای نمونه، توتونچیان (۱۳۷۶) افزون بر این که معتقد است در نظام پولی اسلام، سیاست پولی معنا ندارد، در مقام انتقاد از به کارگیری اندوخته قانونی می گوید:

اگر بانک های مبتنی بر بهره به دلیل قدرتی که به آن ها در مورد خلق پول داده شده است، برای کنترل حجم پول (از طرف بانک های مرکزی شان) موظف به نگاهداری سپرده های قانونی هستند، به این علت است که واسطه جوه هستند و تولید بانک ها «پول» است و برای این که در تولید این «کالا» افراط نشود، سپرده قانونی وسیله ای برای کنترل حجم پول است. در حالی که اگر بانک اسلامی واقعی به وجود آید، بانک از یک طرف هم به صورت وکیل و هم به صورت شریک سپرده گذار، و از طرف دیگر به صورت شریک سرمایه گذار در می آید. دلیلی برای حفظ سپرده های قانونی وجود ندارد، زیرا سپرده ها از طریق عقود اسلامی می توانند به سرمایه تبدیل شوند و افزایش سرمایه نه تنها عامل منفی نیست، بلکه سازنده و مفید است.

بر این اساس، چنین ذخیره ای نه تنها ضرورت ندارد، بلکه مخالف با رشد و توسعه است. پس نیازی به گرفتن ذخایر قانونی از هیچ یک از سپرده های جاری و مدت دار نیست.

به نظر می رسد، این پیشنهاد توتونچیان در مورد تسهیلات مضاربه و سپرده های قرض الحسنه درست است، زیرا الزام روی تسهیلات مضاربه، فرصت های سرمایه گذاری را محدود می کند و الزام روی سپرده های قرض الحسنه فرصت های وام قرض الحسنه و رفع نیازهای ضروری مسلمین را محدود می سازد. اما در مورد سپرده های دیداری باید گفت که امروزه حجم فراوانی از سپرده ها در حساب جاری بانک ها قرار دارد و این سپرده معمولاً در سیستم بانکی جابجا شده و از آن خارج نمی شود. همچنین صاحبان

سپرده در صورت نیاز می‌توانند پول خود را از بانک مطالبه کرده از سودی که به پولشان تعلق می‌گیرد چشم‌پوشند و گاهی بانک‌ها از محل آن‌ها می‌توانند برای خود درآمد ایجاد کنند و با آن سپرده‌ها، معامله سپرده کوتاه مدت انجام دهند.

بنابراین امکان این که تعدادی از سپرده‌گذاران برای دریافت وجوه خود به بانک مراجعه کنند وجود دارد و به همین دلیل نگهداری برای این سپرده‌ها نیز ضرورت می‌یابد.

یکی از دلایل اخذ ذخیره قانونی تأمین امنیت سپرده‌ها و حمایت از بانک‌ها به وسیله بانک مرکزی هنگام مواجهه با خطر ورشکستگی و مراجعه همزمان سپرده‌گذاران است. بنابراین در کنار شکل‌گیری یک سیستم بانکی اسلامی نباید به طور کلی نظارت و کنترل بانک مرکزی را روی بانک‌ها محدود و از میان برداشت.

ج) سیستم نسبت ذخیره قانونی جزئی:

با الهام از نظریه عمر چاپرا و با توجه به استدلال قسمت قبلی، بحث ذخیره قانونی را متوجه سپرده‌های دیداری کرده و بخشی از آن سپرده‌ها تحت عنوان نصیب عامه مردم در اختیار دولت قرار می‌گیرد تا در پروژه‌های عمومی که بخش خصوصی، انگیزه فعالیت در آن‌ها را ندارد به کار گرفته شود. اموالی که از این طریق در اختیار بانک‌ها قرار دارد، متعلق به عموم مردم است و بانک‌ها برای آن هیچ‌گونه سودی نمی‌پردازند. صاحبان سپرده نیز ریسکی را متحمل نمی‌شوند و سپرده‌های آن‌ها در امنیت کامل قرار دارد. بنابراین، جزئی از منافع آن باید نصیب همگان شود. بخشی دیگر نیز تحت عنوان ذخیره احتیاطی نزد بانک مرکزی نگه داشته می‌شود. این نسبت به وسیله بانک مرکزی به منظور اجرای سیاست پولی تغییر می‌کند.

بخشی از این اندوخته‌ها نیز در اختیار بانک مرکزی می‌ماند تا به صورت قرض‌دهنده نهایی از آن استفاده کند و برای این منظور می‌تواند صندوق مشترکی ایجاد کند که این وجوه در آن باشد و هنگام لزوم در اختیار بانک‌های تجاری قرار گیرد. بانک مرکزی همچنین می‌تواند این وجوه را در فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری کند.

بخشی از منافع حاصل برای بانک مرکزی از این سپرده ها، به منظور تأمین هزینه های بانک های تجاری در اختیار آنها قرار می گیرد. دولت نیز در برابر گردآوری سپرده ها به وسیله بانک های تجاری، مبلغی را به صورت هزینه به آنها می پردازد.

چپرا همچنین درباره عدم نگهداری اندوخته برای سپرده های سرمایه گذاری می گوید: این وجوه، دارای ماهیت سرمایه ای است و تمام انواع سرمایه، از نگهداری این ذخیره معاف هستند. از طرفی، این کار در اعمال سیاست پولی تأثیر منفی نداشته است، زیرا این کار از طریق کنترل پول پایه در بانک مرکزی انجام می گیرد.

نظریه چپرا نظریه متعادلی است و عملکرد نظام بانکی را در جهت اهداف پیش گفته قرار می دهد، زیرا از سویی وجوه سپرده گذاری شده را کد گذاشته نشده و برای تأمین مالی سرمایه گذاری ها در بخش خصوصی یا دولتی جریان می یابد و از سوی دیگر، این سازوکار سبب بی ثباتی و تورم در اقتصاد نمی شود، زیرا بانک مرکزی ذخایر مازاد بانک ها را کنترل می کند و در نتیجه نمی توانند براساس منافع خود در عرضه پول اثر گذارند. در این صورت تصمیم های بانک مرکزی و دولت که براساس مصالح عمومی اتخاذ می شود، عرضه پول را تعیین می کند، همچنین عدالت رعایت شده و تمرکز ثروت نزد بانکداران رخ نمی دهد.

پیشنهاد

امروزه در کنار گسترش ابداعات مالی، دخالت دولت ها به شکل سنتی آن برای اعمال سیاست های پولی تقریباً منتفی شده است و بازارهای مالی به تدریج شاهد حذف تدریجی ذخیره قانونی بوده است. می دانیم که ذخیره قانونی به سه منظور اخذ می گردد:

۱. تأمین امنیت سپرده ها و حمایت از بانک ها به وسیله بانک مرکزی هنگام مواجهه با خطر ورشکستگی و مراجعه همزمان سپرده گذاران.
۲. نظارت بر سیستم بانکی که به صورت بی رویه برای درآمد بالاتر وام ندهند.
۳. اعمال سیاست پولی و کنترل حجم پول از این طریق.

اما امروزه دیگر به عنوان ابزار اعمال سیاست پولی نمی‌توان از آن استفاده کرد و با افزایش نرخ آن به منظور کاهش نقدینگی برای مقابله با شرایط تورمی کشور، عملاً باعث گسترش نرخ بهره وام‌های بانکی و کاهش میزان تسهیلات وامی برای مردم جامعه می‌شود و با توجه به شرایط تورمی کشور، عملاً فشار زندگی روی اقشار آسیب‌پذیرتر جامعه بیشتر شده و به شیوع فقر دامن می‌زند، اگر هم برای نرخ بهره وام بانکی سقف تعیین کند، عملاً باعث کمبود عرضه تسهیلات می‌گردد. پس بانک مرکزی باید نرخ پایینی را برای آن در نظر بگیرد و آن را مدام تغییر ندهد. ذخیره قانونی را نه به منظور تأثیر بر نقدینگی، بلکه به منظور استفاده از آن برای پروژه‌های عمومی و حمایت از بانک‌ها در شرایط بحرانی اخذ کند. بنابراین بانک مرکزی تنها باید از سپرده‌های دیداری ذخیره قانونی بگیرد و بخشی را نزد خود به امانت برای حمایت از بانک‌ها و بخشی را برای پروژه‌های عمومی در اختیار دولت قرار دهد.

۴. تغییر در نرخ تنزیل مجدد:

بنابر تعریف، نرخ تنزیل به نرخ می‌گفته می‌شود که بر مبنای آن وجه مربوط به یک بدهی، پیش از سررسید به مبلغ کمتر از ارزش اسمی آن پرداخت می‌شود. بانک‌ها می‌توانند در شرایط کمبود نقدینگی اسناد تجاری دریافتی از مشتریان خود را نزد بانک مرکزی به عنوان «وام دهنده نهایی»^۱ دوباره تنزیل کرده و وجه نقد دریافت کنند و نیاز خود را مرتفع سازند. به این عمل تنزیل دوباره گفته می‌شود. معمولاً نرخ تنزیل مجدد که توسط بانک مرکزی اعمال می‌شود، کمتر از نرخ تنزیل بانک‌هاست و ابزاری برای سیاست‌گذاری پولی به شمار می‌آید. تغییر این نرخ می‌تواند تمایل بانک‌ها را از منابع بانک مرکزی تغییر دهد و حجم پول در گردش را متأثر سازد.

بانک مرکزی برای اعمال سیاست انقباضی، این نرخ را افزایش می‌دهد و بدین ترتیب شرایط تسهیلات دهی بانک‌ها سخت‌تر می‌گردد، زیرا در این شرایط بانک‌های

^۱ . Lender of Last Resort.

تجاری باید به میزان کمتر و با هزینه بیشتری از منابع بانک مرکزی استفاده کنند. بر عکس برای اعمال سیاست انبساطی این را نرخ را کاهش می‌دهد.

در این راستا و با توجه به این که مشهور فقهای شیعه و فقهای شورای نگهبان خرید دین را مجاز می‌شمارند و مجوز استفاده از آن را در نظام بانکی داده‌اند، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی می‌توانند اسناد تنزیلی خود را نزد بانک مرکزی تنزیل مجدد کنند و بانک مرکزی نیز می‌تواند با تغییر نرخ تنزیل مجدد، در مواقع نیاز اعمال سیاست پولی کند. (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۲)

ولی اگر این عملیات تنزیل مجدد به صورت وام ربوی درآید و یا از حالت خرید دین بیرون آید، دیگر نمی‌توان در نظام اقتصاد اسلامی به عنوان یک ابزار سیاست پولی به آن نگاه کرد، زیرا اکثر علمای شیعه معاصر تنزیل سفته را با شرط خرید دین مجاز شمرده‌اند و تأکید کرده‌اند که سفته ساختگی نباشد و صادرکننده آن واقعاً بدهکار باشد. یعنی سند تجاری در برابر بدهی واقعی صادر شده باشد و نیز بحث ربا در کار نبوده و این بدهی مبتنی بر ربا نباشد. (ثابت، ۱۳۸۰: ۱۰۷)

پیشنهاد

بانک‌ها در کنار ذخیره قانونی، وجوه دیگری را به صورت فصلی یا سالانه نزد بانک مرکزی به صورت یک حساب قرض‌الحسنه قرار دهند و در هنگام نیاز به نقدینگی، هر بانک می‌تواند از این حساب میزانی را وام قرض‌الحسنه بگیرد، همچنین می‌تواند اسناد دریافتی خود از مشتریان را نزد بانک مرکزی بر مبنای خرید دین تنزیل مجدد کند.

بانک مرکزی بهتر است حساب ذخایر قانونی را فقط برای وام به دولت و برای روزهای بحرانی سپرده آن بانک صاحب آن سپرده قانونی را حفظ کند و آن را به بانک‌های دیگر وام ندهد.

ب) ابزارهای جدید سیاست پولی

ما فقط به بخشی از ابزارهای جدید که قابلیت استفاده در نظام اسلامی دارند، اشاره می‌کنیم و از ذکر همه آنها اجتناب می‌کنیم.

۱. بازار شبانه:

در بازار پول شبانه که امروزه در کشورهای پیشرفته‌ای مثل ایالات متحده وجود دارد، منابع مالی از نوع کوتاه‌ترین سررسید (فقط حداکثر به طول یک روز کاری) توسط مؤسسات مالی بزرگ تحت نظر بانک‌های مرکزی و بر اساس نرخ بهره شبانه عرضه و تقاضا می‌شوند. مسلماً اساس این نوع بازار بر اساس نرخ بهره است و امکان به کارگیری آن در بانکداری اسلامی وجود ندارد. مثلاً اگر فرض شود دو مؤسسه پولی در دو کشور اسلامی بخواهند بر مبنای بازار شبانه پول بین هم جابجا کنند یا باید بر اساس نرخ بهره عمل کنند که چنین چیزی امکان ندارد و یا باید بر اساس قرض‌الحسنه عمل کنند که به دلیل سررسید بسیار کوتاه مدت آن عملاً نیازی از مؤسسه پولی قرض‌گیرنده مرتفع نمی‌گردد و روز بعد باید همان مبلغ را باز پرداخت کند، اما اگر به جای بازار شبانه، بازار ماهانه یا هفتگی تصور شود، آنگاه مؤسسه قرض‌گیرنده می‌تواند در طی آن هفته یا ماه نیاز به نقدینگی خود را برطرف و به موقع بازپرداخت کند. از طرفی بانک‌های اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی می‌توانند در کنار قرض‌الحسنه (برای مواقع اضطراری) براساس خرید دین، اسناد بدهی و اوراق تجاری خود را به یکدیگر فروخته و برای خود تأمین نقدینگی کنند و در طی هفته و یا ماه آینده آنها را باز خرید کنند و با این کار بانک‌های ارائه‌دهنده نقدینگی برای خود ایجاد درآمد می‌کنند. بانک مرکزی می‌تواند با تعیین سقف و کف برای این نرخ‌های تنزیل بر نقدینگی جامعه خود اثر بگذارد، اما همان‌طور که قبلاً گفتیم اسناد بدهی باید واقعی باشند. در کنار تمام موارد ذکر شده باید توجه داشت که تمام این جابه‌جایی‌های پول باید تحت نظارت دقیق بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی باشند.

۲. جابه جایی وجوه دولت:

بانک مرکزی می تواند سپرده های دولت را از بانک مرکزی به بانک ها و بالعکس جا به جا کرده و باعث تغییر نقدینگی بانک ها و قدرت وام دهی آنها شود. در اقتصاد ایران معمولاً این روش اتخاذ شده تا بر امکان افزایش مانده اعتبارات اعطایی بانک ها تأثیر بگذارد. به نظر می رسد چون بانک مرکزی، بانکدار و کارگزار مالی دولت است و از طرف دولت اجازه دارد تا با سپرده های دولتی به گونه ای که لازم است رفتار کند، بنابراین، این سیاست پولی در نظام اسلامی مانعی برای عدم انجام ندارد و شرعی است.

نتیجه گیری

۱. اهداف اصلی و غایی اقتصاد اسلامی استقلال، عدالت و رشد و توسعه اقتصادی است و هدف اصلی از اجرای سیاست های پولی نیل به این اهداف است.
۲. اهداف جاری بانک مرکزی از اجرای سیاست های پولی، ایجاد اشتغال، تثبیت سطح عمومی قیمت ها و ایجاد تعادل در تراز پرداخت های خارجی است.
۳. در نظام اسلامی می توان عملیات بازار باز را با استفاده از اوراق بهادار اسلامی نظیر مشارکت، اجاره، استصناع که بر اساس عقود اسلامی هستند، اجرا نمود.
۴. در کشورهای در حال توسعه، حجم پایین اوراق بهادار و عدم وجود بازار ثانویه فعال، دو مانع مهم برای تحقق عملیات بازار باز است.
۵. با استفاده از عملیات شبه بازار باز و انتشار اوراق توسط خود بانک مرکزی می توان به اهداف سیاست پولی دست یافت و باید وجوه جمع شده توسط بانک مرکزی بلوکه گردد.
۶. با رضایت صاحبان سپرده، انتقال بخشی یا تمام آن سپرده به بانک مرکزی به عنوان ذخیره قانونی اشکال ندارد و توجه دادن سپرده گذار به آیین نامه بانک در این باره در تحصیل رضایت او کافی است.
۷. امروزه در بسیاری از کشورهای پیشرفته دیگر ذخیره قانونی به نیت سیاست پولی

گرفته نمی‌شود و هدف آن نظارت بر سیستم بانکی و تأمین امنیت سپرده هاست. بنابراین بهتر است نرخ آن در پایین‌ترین مقدار باشد و افزایش نیابد. سیستم ذخیره قانونی جزئی روش مناسبی بوده و از محل سپرده‌های دیداری باید اخذ شود، قسمتی تحت عنوان نصیب عامه مردم در اختیار دولت قرار می‌گیرد تا در پروژه‌های عمومی به مصرف برسد و قسمتی هم به عنوان ذخیره احتیاطی در نزد بانک مرکزی برای رفع نیازهای بحرانی بانک سپرده گذار صرف شود.

۸. اگر عملیات تنزیل مجدد به صورت وام ربوی در آید و یا از حالت خرید دین بیرون آید و سند تجاری در برابر بدهی واقعی صادر نشده باشد، دیگر نمی‌توان در نظام اقتصاد اسلامی به آن به عنوان یک ابزار سیاست پولی نگاه کرد. علاوه بر تنزیل مجدد بر اساس خرید دین، بانک‌ها می‌توانند در کنار ذخیره قانونی، وجوه دیگری را به صورت فصلی یا سالانه نزد بانک مرکزی به صورت یک حساب قرض‌الحسنه قرار دهند و در هنگام نیاز به نقدینگی، هر بانک می‌تواند از این حساب میزانی را وام قرض‌الحسنه بگیرد.

۹. همانند بازار شبانه در کشورهای پیشرفته می‌توانیم بازاری ماهانه یا هفتگی را تصور کنیم، آنگاه مؤسسه قرض‌گیرنده می‌تواند قرض‌الحسنه (برای مواقع اضطراری) را از بانک‌های دیگر اخذ و در طی آن هفته یا ماه، نیاز به نقدینگی خود را برطرف و به موقع بازپرداخت کند. از طرفی بانک‌های اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی می‌توانند براساس خرید دین، اسناد بدهی و اوراق تجاری خود را به یکدیگر فروخته و برای خود تأمین نقدینگی کنند و در طی هفته و یا ماه آینده آن‌ها را باز خرید کنند. بانک مرکزی می‌تواند سپرده‌های دولت را از بانک مرکزی به بانک‌ها و بالعکس جا به جا کرده و باعث تغییر نقدینگی بانک‌ها و قدرت وام دهی آن‌ها گردد، در اقتصاد ایران معمولاً این روش اتخاذ شده و در نظام اسلامی مانعی شرعی ندارد.

بنابراین در نظام اسلامی با ایجاد تغییراتی در پیکره سه ابزار متعارف سیاست پولی و دیگر ابزارهای جدید و جهت دهی در مسیر آنها می‌توان به اهداف غایی جامعه اسلامی دست یافت.

منابع

۱. بهمنی، محمود (۱۳۷۶)، «عملکرد ابزارهای سیاست پولی در نظام بانکداری بدون ربا طی دهه گذشته»، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات هشتمین سمینار بانکداری اسلامی - منابع و مصارف در بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۲. ثابت، سید عبدالحمید (۱۳۸۰)، «نگاهی به مباحث فقهی و اقتصادی تنزیل»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۴.
۳. خان، محسن و میرآخور، عباس (۱۳۷۰)، مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی، محمد ضیایی بیگدلی، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
۴. ختایی، محمود و سیفی پور، رؤیا (۱۳۸۵)، «ابزارها و قواعد شناخته شده سیاست پولی در اقتصاد ایران مطالعه موردی: برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۳.
۵. شابرا، محمد عمر (۱۴۰۴ق)، «النظام النقدي و المصرفي في الاقتصاد الاسلامي»، مجله ابحاث الاقتصاد الاسلامي، العدد الثاني، المجلد الاول.
۶. شابرا، محمد عمر، (۱۴۰۱ق)، نحو نظام نقدي عادل، قاهره: المعهد العالمي الفكر الاسلامي.
۷. صدیق، نجات الله، (۱۳۶۱)، بانکداری بدون بهره، اکبر مهدوی پور، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
۸. غریب، ناصر (۱۴۱۷ق)، الرقا شابرا، محمد عمر (۱۴۰۴ق)، «النظام النقدي و

المصرفی فی الاقتصاد الاسلامی»، مجله ابحاث الاقتصاد الاسلامی، العدد الثاني، المجلد الاول. بیه المصرفیه علی المصارف الاسلامیه، منهج فکری و دراسه میدانیه دولیه مقارنه، القايره، المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

۹. فراهانی فرد، سعید (۱۳۷۸)، سیاست‌های پولی در بانکداری بدون ربا (بررسی فقهی-اقتصادی)، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۰. فراهانی فرد، سعید و فرزین وش، اسدالله (۱۳۸۱)، «ذخیره قانونی بر سپرده‌های بانکی»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۷.

۱۱. قانون عملیات بانکدار بدون ربا، مصوب ۱۳۶۲ و اصلاحات پس از آن.

۱۲. کمیجانی، اکبر (۱۳۷۳)، سیاست‌های پولی مناسب، تهران: معاونت اقتصادی وزارت امور اقصادی و دارایی.

۱۳. گاتاکی، سابراتا (۱۳۷۷)، اقتصاد پولی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه: علی حسینی صمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.

۱۴. لینگرن، کارل ژهان (۱۳۸۳)، «انتقال از ابزارهای مستقیم به ابزارهای غیر مستقیم سیاست پولی»، مهنار بهرامی، مجله روند، ش ۲۶ و ۲۷.

۱۵. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶)، «نقد و بررسی قانون عملیات بانکداری بدون ربا و پیشنهاد قانون جایگزین»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۲۵.

۱۶. موسویان، سید عباس و فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۶)، «اوراق بهادار اجاره (صکوک اجاره)»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۲۴.

۱۷. میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴)، «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۷.

۱۸. نظربور، محمد نقی (۱۳۸۵)، «عملیات بازار باز از طریق اوراق استصناع

مشکلات و راه حل‌ها»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۲۲.

۱۹. ندری، کامران و کیائی، حسن (۱۳۸۷)، «سیاست گذاری پولی در بانک مرکزی بر اساس نرخ بهره و حرمت ربا در اسلام»، مجموعه مقالات نوزدهمین همایش بانکداری اسلامی.

۲۰. نودهی، محسن (۱۳۸۷)، «بررسی امکان طراحی اوراق مناسب عملیات شبه بازار باز با استفاده از تجربه‌های بانک‌های مرکزی ج.ا.ایران و سودان»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش. ۳۰.

۲۱. Ariff, Mohamed, (۱۹۸۲), *Monetary and Fiscal Economics of Islam Selected Papers*, Jeddah: King Abdulaziz University.

۲۲. Anderson, Richard G, (۲۰۰۶), "Monetary Base", *Research Division Federal Reserve Bank Of ST. Louis*, P.O.BOX ۴۴۲.

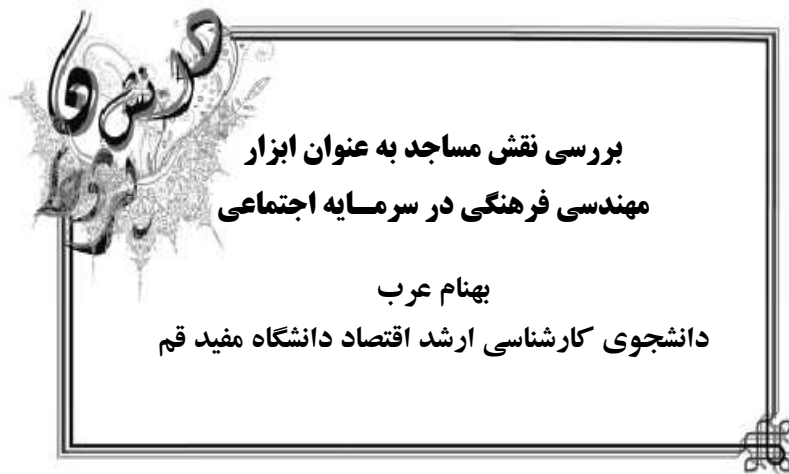
۲۳. Axilord H. Stephen, (۱۹۹۶), "Transformations to Open Market Operation", *Washington*, International Monetary Fund.

۲۴. Chapra, M. Umar, (۱۹۹۶), *Monetary Management in an Islamic Economy*. *Islamic Economic Studies*, Vol. ۴ No.

۲۵. Chapra, M. Umar, (۱۹۸۳), *Monetary Policy in an Islamic Economy*, International Centre for Research in Islamic Economics; Jeddah.

۲۶. Elhiraika, Adamb, (۲۰۰۴), "ON the Design and Effects of Monetary Policy in an Islamic Framework", *Islamic Research and Training Institute*, Islamic Development Bak, NO. ۶۴.

۲۷. Mishikin, Frederic S, (۲۰۰۷), *The Economics Of Money, Banking, and Financial Markets*; Columbia University, ۸th Edition.



چکیده:

با توجه به ماهیت فرهنگی انقلاب اسلامی، فرهنگ به عنوان مهم‌ترین عرصه پس از انقلاب مورد توجه قرار گرفته است. عوامل فرهنگی - اجتماعی از جمله زیر ساخت‌های کلیدی برای رشد اقتصادی انقلاب اسلامی به شمار می‌روند. در این زمینه سرمایه‌های اجتماعی که در واقع مفاهیمی هستند که کمیت و کیفیت روابط میان انسان‌ها را در جامعه بیان می‌کنند، بسیار مهم هستند. در این مقاله در پی بیان ارتباط مسأله فرهنگ و به صورت خاص مهندسی فرهنگی با مبحث سرمایه اجتماعی هستیم و در این زمینه نقش مسجد را به عنوان یکی از ابزارهای مهم مهندسی فرهنگی بررسی خواهیم کرد. ابتدا به تعریف فرهنگ، مهندسی فرهنگی، مسجد و در نهایت سرمایه اجتماعی می‌پردازیم. سپس با بیان یک رابطه منطقی خواهیم گفت که مساجد به عنوان ابزار مهندسی فرهنگی، چگونه در جهت ارتقای سرمایه اجتماعی نقش ایفا می‌کنند.

واژگان کلیدی: فرهنگ؛ مهندسی فرهنگی؛ مسجد؛ سرمایه اجتماعی؛ اقتصاد.

مقدمه:

اگرچه احیای جدی مفهوم سرمایه اجتماعی به اواخر قرن ۲۰ بر می گردد، اما با توجه به ماهیت فرهنگی - اجتماعی این مفهوم می توان آن را کاملاً ریشه دار دانست که در اندیشه ها، سنت ها، عقاید، و شبکه های اجتماعی تجلی یافته است. در واقع مفاهیم فرهنگ، مهندسی فرهنگی که در واقع نوعی تغییر آگاهانه فرهنگی مطابق با خواست مدیران فرهنگی کشور است. سرمایه اجتماعی مفاهیم سه گانه ای هستند جدای از هم معنا ندارند. همچنین با توجه به اطلاعات نامتقارنی که بازیگران صحنه اقتصاد از آن برخوردارند با نوعی انحراف قیمت ها مواجه هستیم که این مسأله هم باعث بروز مشکلاتی چون انتخاب بد و مخاطره اخلاقی و در نهایت موجب تخصیص ناکارآمد منابع می شود. مفهوم سرمایه اجتماعی یک راه حل برای این مشکلات ارائه می کند، به طوری که با بالا رفتن سرمایه اجتماعی، رفتار افراد از قابلیت پیش بینی بیشتری برخوردار می شود. در این مقاله با بررسی مفاهیم فرهنگ، مهندسی فرهنگی و سرمایه اجتماعی به چگونگی پیوستگی های موجود میان آن ها خواهیم پرداخت و در نهایت نشان خواهیم داد که آیا افزایش سرمایه اجتماعی از طریق مهندسی فرهنگی قابل حصول خواهد بود یا خیر.

فرهنگ و مهندسی

۱. فرهنگ:

برای فرهنگ تعریف‌های زیادی ارائه شده است که به چند نمونه اشاره می‌شود:

(الف) فرهنگ را می‌توان به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی اعضای یک جامعه‌ی خاص تعریف کرد. (کوئن، ۱۳۸۷: ۳۹)

(ب) تایلور می‌گوید: «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده‌ی دانستی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عنصری از جامعه به دست می‌آورد.» (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۵: ۱۱۶)

(ج) تعریف بوس از فرهنگ چنین است: «فرهنگ را می‌توان شامل رفتارهایی دانست که در میان گروهی از انسان‌ها مشترک است و از نسلی به نسلی و از جامعه‌ای به جامعه‌ای انتقال می‌پذیرد.» (همان، ۱۱۸)

(د) انگ در تعریف خود که گویا بیش‌تر معطوف به بعد روانشناختی فرهنگ است می‌گوید: «فرهنگ، صورت‌های رفتار عاداتی مشترک در یک گروه اجتماعی یا جامعه است و از عوامل مادی و غیر مادی ساخته شده است.» (همان)

(و) در تعریفی دیگر از فرهنگ آمده است، «مجموعه توافقی‌هایی که اعضای یک جامعه با هم کرده‌اند و دیدگاه‌های مشترکی که معین می‌کند چه چیزی درست است، چه چیزی خوب است و چه انواعی از رفتار را مردم می‌توانند از یکدیگر توقع داشته باشند، فرهنگ نامیده می‌شود. فرهنگ شیوه‌هایی مفروض است که مردم بر اساس آن تفکر می‌کنند، احساس می‌کنند و در نهایت بر اساس آن عمل می‌کنند.» (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۳۴)

۲. مهندسی فرهنگی:

مهندسی فرهنگی هم تعاریف زیادی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

(الف) «مهندسی فرهنگ در حقیقت، کوششی برای ایجاد تغییر آگاهانه فرهنگ در راستای تحول موضوع مطابق خواست و الگوی ذهنی و آرمان‌های برتر مورد نظر

مدیران فرهنگی کشور است. به عبارت دیگر می‌توان گفت، مهندسی فرهنگ تلاشی است برای تغییر آگاهانه در زمینه بینش‌ها، احساسات، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، عقاید و سلوک نسبتاً پایدار و با دوام جامعه مطابق خواست و الگوی ذهنی طراحان مهندسی فرهنگی. مهندسی فرهنگ فرآیندی است در جهت رسیدن به وضعیت مطلوب در آینده که بدون آن، امکان تحقق آن وضعیت وجود ندارد. (فوزی و بصیرنیا، ۲۱۵:۱۳۸۷)

ب) مهندسی فرهنگی با تفکیک رویکردهای مختلف به مهندسی فرهنگی، به دو رویکرد سلبی و ایجابی تقسیم می‌شود. در رویکرد سلبی این گونه به فرهنگ نگاه می‌شود که: «فرهنگ، مظروفی نیست که بتوان آن را در هر ظرفی ریخت و به هر شکلی درآورد.

از این رو چند دولتمرد با امکانات محدود دولتی نمی‌توانند به راحتی آن را تغییر شکل داده، مسیر آن را دگرگون سازند.» (همان، ۲۱۷)

اما «از نظر رویکرد ایجابی، فرهنگ به صورت ذاتی طالب تبادل، انتقال، ترکیب و آموختن است. فرهنگ امری اکتسابی و آموختنی و امری پویا و در حال تحول و دگرگونی و تغییر است که این تغییرات نیز قابلیت آن را دارد که در جهت خاصی هدایت شود.» (همان، ۲۲۴)

نگاه ایجابی به فرهنگ به وضوح در تفکرات حضرت امام خمینی (ره) دیده می‌شود. به بیان ایشان «فرهنگ ما، یک فرهنگ استعماری است، فرهنگ ما در دست صلحا نیست، صالح اداره‌اش نمی‌کند.» (خمینی، ۳۰۶/۳:۱۳۶۱)

محتوای این بیان، نشانگر نوعی هدایت‌پذیری فرهنگ است و این همان رویکرد ایجابی را به تصویر می‌کشد. هم‌چنین ایشان اصلاح فرهنگ را اولین قدم جهت اصلاح مملکت معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «راه اصلاح یک مملکتی، فرهنگ آن مملکت است؛ اصلاح باید از فرهنگ شروع بشود.» (همان)

مسجد و جایگاه آن در مهندسی فرهنگی

۱. واژه شناسی مسجد:

واژه «مسجد» در لغت اسم مکان و از ریشه‌ی «سجد» به معنای سرفروود آوردن و اظهار تذلل و خاکساری است. ابن فارس می‌نویسد: «السين والجيم والدال، اصل واحد مُطَرِدٌ يَدُلُّ عَلَى تَطَائُنٍ وَذَلٍّ، يُقَالُ: سَجَدَ، إِذَا تَطَامَنَ وَ كُلُّ مَا ذَلَّ فَقَدْ سَجَدَ.» «سين و جیم و دال، دارای یک معنای اصلی و فراگیر است که شخص، فروتنی کرده باشد و هر آنچه خاکساری کند، سجده کرده است.» (محمدری شهری، ۱۳۸۷: ۹) دیگر واژه‌شناسان عرب نیز با عباراتی مشابه، همین مضمون را تأیید کرده‌اند. بنابراین چنان که گفته شد، در زبان عربی «سجود» به معنای خاکساری و سرفروود آوردن در برابر دیگری است و «مسجد» به معنای مکان چنین اقدامی است.

۲. نقش مسجد در حاکمیت ارزش‌های دینی:

محمدری شهری در پیش‌گفتار کتاب خود تحت عنوان فرهنگ نامه مسجد می‌نویسد: «مسجد مهم‌ترین پایگاه شعائر دینی و اصلی‌ترین پایگاه تداوم ارزش‌های اسلامی در جامعه است و از این رو نقش فوق‌العاده مؤثری در تحکیم اساس نظام اسلامی دارد. با این نگاه، مسجد جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ عمومی جامعه اسلامی دارد.» (همان، ۷)

مسجد، قلب جامعه‌ی اسلامی و مهم‌ترین پایگاه فرهنگی و سیاسی حکومت دینی است. در روایات هم با تعبیرهای بلندی مانند: خانه خدا، نشستگاه پیامبران، سرای هر پروا پیشه، بهترین مکان‌ها و باغ بهشتی، مسلمانان را بر برقراری ارتباط با آن دعوت می‌کنند و به گسترش بهره‌گیری از برکات مادی و معنوی مسجد تشویق می‌نمایند. به دلیل نقش تعیین‌کننده مسجد در حاکمیت ارزش‌های دینی، روایات اسلامی تأکید فراوانی در گسترش فرهنگ ساختن مسجد در جامعه‌ی اسلامی دارند و توصیه می‌کنند که مسلمانان به هر اندازه که می‌توانند با ساختن مسجد در هر جایی که مورد نیاز باشد،

در شهر و روستا و جاده‌های ارتباطی به گسترش این فرهنگ کمک کنند تا آن‌جا که از باب مبالغه، در حدیثی از پیامبر خدا روایت شده است که می‌فرمایند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا وَلَوْ مَفْحَصَ قِطَاءٍ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ.»

هر کس مسجدی بسازد، اگر چه به قدر آشیانه‌ی مرغ سنگ‌خواره باشد، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت خواهد ساخت. (همان، ۱۱)

۳. جایگاه مسجد به عنوان اهرم مهندسی فرهنگی:

آنچه در این مقاله بیشتر مورد توجه است کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مسجد به عنوان ابزاری در جهت تسهیل فرهنگ سازی اسلامی و رسوخ آن در میان آحاد مختلف جامعه اسلامی است. در صدر اسلام هم مسجد علاوه بر کارکردهای صرفاً معنوی، در زمینه‌های دیگر هم مورد توجه بوده است. به عنوان مثال، در زمان حضرت امام صادق (ع) مسجد گاهی به یک پایگاه علمی جهت پیشبرد اهداف حکومت اسلامی تبدیل شده است.

پیامبر(ص) و پیروان وی در پاسخ به پرسش‌های مردم یا در هنگام خواندن خطبه نماز و یا هنگام سرکشی به امور کسب و کار و بازار، کارمولد مانند تولید کشاورزی را تشویق می‌کردند و فعالیت‌های دلالی صرف را مذموم و حفظ اموال به صورت راکد را بدترین نوع تصمیم‌گیری در زندگی می‌دانستند. (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۲۴) این‌گونه موارد نشانگر اهمیت مساجد به عنوان یک نهاد دینی در جهت فرهنگ سازی دینی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی می‌باشد.

می‌توان این‌گونه گفت که مهندسی فرهنگی که کوششی است جهت نوعی تغییر آگاهانه در زمینه بینش‌ها، احساسات، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، عقاید و...؛ قطعاً نیازمند جایگاهی است که از آن طریق بتوان این تغییرات را که گاهی بلند مدت‌اند در وهله‌ی اول اعمال و سپس نهادینه کرد و مسجد در این مسیر با توجه به جایگاهی که در میان مسلمانان از حیث مذهبی دارد، بسیار مورد استفاده است. مسجد با برخورداری از

ابزارهای کارآمد خود نظیر منبر و عظ از یک سو و جایگاه‌های درونی خود نظیر کانون‌های فرهنگی هنری از سوی دیگر، زمینه‌ساز این تغییرات آگاهانه در مسیر مهندسی فرهنگی است. جایگاهی نظیر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، امروزه، نه تنها در جذب و سازماندهی نوجوانان و جوانان نقش بسزایی دارد، بلکه با انواع فعالیت‌های فرهنگی، هنری، ورزشی، آموزشی، پژوهشی، قرآنی و حتی علمی تأثیر غیر قابل انکاری در جهت شکل‌دهی شخصیت نوجوانان و جوانان و فرهنگ‌پذیری آنان دارد و این همان چیزی است که مهندسی فرهنگی نامیده می‌شود.

سرمایه اجتماعی و روند تأثیر آن بر اقتصاد از طریق مهندسی فرهنگی

۱. سرمایه اجتماعی:

سرمایه اجتماعی به گونه‌های مختلف توسط پژوهشگران تعریف شده است. «پوتنام، سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از ارتباط‌های افقی بین افراد می‌بیند که همکاری در جهت کسب منافع متقابل را در اجتماع تعریف می‌کند. کلمن نظریه عمومی‌تری از سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند که در آن همکاری‌های عمودی پوشش داده می‌شود. از نظر کلمن سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می‌تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل کند. وی اعتماد، اطلاعات، اختیار و عهد در یک گروه را لازمه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند.» (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۱۲) در تمام تعاریفی که درباره سرمایه اجتماعی وجود دارد، تأکید بر این است که وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف و منافع فردی و گروهی و جامعه محسوب می‌شود. سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزشهای غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند. (سوری، ۱۳۸۴: ۸۹)

اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار در اثر کلاسیک «جین جاکوب» با عنوان «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی» به کار رفته است که در آن اثر، او

توضیح داده است که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلف شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی مسئولیت بیش‌تری از خود نشان می‌دهند. (سعادت، ۱۳۸۷: ۴۴)

۲. سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد:

وجود سرمایه اجتماعی، شرط لازم - و نه کافی - برای نتیجه بخشی سرمایه‌ها و سیاست‌های اقتصادی است. بررسی دقیق‌تر سرمایه اجتماعی، ما را به این مطلب می‌رساند که بدون این سرمایه، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد. به طور معمول آنچه توسعه و رشد اقتصادی بر پایه آن بنا شده شامل سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی یا تولیدی و سرمایه انسانی است که به عنوان ثروت یک ملت شناخته می‌شود. این مسأله به تازگی معلوم شده است که این سه نوع سرمایه فقط بخشی از فرآیند رشد اقتصادی را تعیین کنند، چرا که این‌ها از راهی که بازیگران اقتصادی با یکدیگر تعامل می‌کنند و به یکدیگر نظم می‌بخشند تا رشد و توسعه را فراهم آورند چشم می‌پوشند. پس برای بررسی اختلاف رشد میان کشورهای که از نظر آن سه دسته سرمایه، دارای وضعیت یکسانی هستند باید در پی حلقه‌ای دیگر بود. آن حلقه مفقوده، سرمایه اجتماعی است. (علمی و شارع پور و حسینی، ۱۳۸۴: ۲۴۵)

«نقش مهم سرمایه اجتماعی در هدایت تصمیم‌سازی‌ها و مطالعه دقیق‌تر بازخورد تصمیم‌گیری‌ها باعث شده که دولت مردان فعال و حتی مراکزی چون صندوق بین‌الملل پول و بانک جهانی نیز توجه جدی‌تری به سرمایه اجتماعی کرده و در سیاست‌گذاری‌های خود از آن استفاده کنند.» (دادگر و نجفی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

بانک جهانی سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی است. تجارب

این سازمان نشان می‌دهد که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد، فناوری و توسعه کشورها دارد. سرمایه اجتماعی به صورت فیزیکی وجود ندارد و افزایش آن موجب پایین آوردن هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیات سازمان‌ها می‌شود. (فرقانی و حق بین، ۱۳۸۸: ۳۰)

براساس مطالعات و کارهای صورت گرفته، سرمایه اجتماعی با کاهش هزینه‌های مبادلاتی و کمک به تثبیت حقوق مالکیت و جنبه‌های مختلف دیگر، می‌تواند بر کارآیی بخش‌ها و نهادهای مختلف جامعه تأثیر بسزایی داشته باشد. سرمایه اجتماعی می‌تواند باعث افزایش انباشت سرمایه انسانی، توسعه مالی و سرمایه‌گذاری، افزایش نوآوری و خلاقیت، افزایش کارآیی عملکرد دولت و سیاست‌های اعمال شده از طرف دولت و بسیاری نتایج دیگر گردد. (رحمانی و عباسی نژاد و امیری، ۱۳۸۶: ۲)

۳. مهندسی فرهنگی و سرمایه اجتماعی:

بحث سرمایه اجتماعی یک مبحث میان رشته‌ای است که کاملاً با مفاهیم جامعه‌شناسی، اقتصادی و به ویژه فرهنگی آمیخته است. این پیوستگی‌های غیر قابل تفکیک، به هیچ وجه قابل اغماض نبوده و حتی شاید بتوان گفت بدون توجه به این پیوستگی‌ها و درهم تنیدگی‌ها، مفهوم سرمایه اجتماعی قابل درک نخواهد بود. همچنین با توجه به این که سرمایه اجتماعی یکی از حلقه‌های جدایی‌ناپذیر رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد و در واقع قطار رشد اقتصادی بدون واگن سرمایه اجتماعی هرگز به مقصد نخواهد رسید. باید با یافتن راه‌هایی جهت ارتقای این سرمایه، زمینه‌های حرکت همه جانبه و رو به جلو اقتصاد را فراهم آورد. با توجه به کیفی بودن سرمایه اجتماعی، ناگزیر خواهیم بود جهت فراهم آوردن زمینه‌های آن، ابتدا به نوعی فرهنگ‌سازی و تغییر آگاهانه فرهنگی در زمینه احساسات، بینش‌ها، اندیشه‌ها، ارزش و باورها پردازیم و این همان مفهوم مهندسی فرهنگی است.

آنچه از رفتار و اندیشه‌های معصومین (ع) برمی‌آید آن است که ایشان به نوعی سعی داشتند به طور غیر مستقیم و شاید با نوعی تغییر زمینه‌های فرهنگی و ایجاد باورهای ارزشی در مسلمانان به ارتقای سرمایه اجتماعی بپردازند. به عنوان مثال، «یکی از اصحاب امام صادق (ع) با ثروتمند و بی‌نیاز شدن، کار و شغل خود را رها کرد و به امام (ع) گفت: آن قدر به دست آورده‌ام که می‌توانم در باقی مانده عمر از آن استفاده کنم. آن حضرت او را از این کار بازداشت.» (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱: ۹۵)

به عقیده امام خمینی (ره) لازمه‌ی تحقق همه جانبه اقتصاد اسلامی، این است که جامعه به رفتارهای مطلوب اسلامی در زمینه اقتصاد ملتزم باشد و به آن عمل نماید. لازمه این مسأله، اعتقاد به اصول و مقیدات اسلام برای جهت دهی به رفتارهای اقتصادی است. بدون این که لزوم انجام رفتارهای مذکور در عقیده و باورهای آحاد جامعه رسوخ کند، امکان تبدیل رفتارهای مورد نظر به مجموعه‌ای از رفتارهای پایدار و مستمر وجود ندارد و این کار با فرهنگ‌سازی ممکن می‌گردد. از منظر امام (ره) عنصر اقتصاد، فرهنگ و سیاست تعیین‌کننده‌های وضعیت اجتماعی مطلوب هستند. (موسایی، ۱۳۸۶: ۱۰۲) بنابراین می‌توان گفت که مهندسی فرهنگی و رشد اقتصادی به گونه‌ای انکار ناپذیر، دو گانه‌های به هم پیوسته‌ای هستند که یکی لازم و دیگری ملزوم است. پر واضح است که افزایش سرمایه اجتماعی که پیش‌تر آن را به عنوان یکی از سرمایه‌های لازم مثل سایر اقلام سرمایه معرفی کردیم، از طریق مهندسی فرهنگی قابل حصول خواهد بود.

۴. نقش مساجد به عنوان ابزار مهندسی فرهنگی در سرمایه اجتماعی:

تا اینجا نشان دادیم که افزایش سرمایه اجتماعی از طریق مهندسی فرهنگی قابل حصول خواهد بود، حال باید دید که ابزارهایی که در زمینه‌ی مهندسی فرهنگی راهگشاست، چیست. در اغلب موارد ما برای مهندسی فرهنگی نیازمند ایجاد نوعی قالب برای این نوع مهندسی هستیم. بی‌تردید اگر در جامعه‌ای ارزش‌های دینی حاکم

باشد، نهادهای ارزشی مربوطه، یکی از بسترهای مناسب جهت فرهنگ‌سازی و مهندسی فرهنگی است. همچنین بر همگان آشکار است که در جوامع اسلامی، مسجد در شمار مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهاست. حال باید ببینیم که مساجد چگونه در ارتقای سرمایه اجتماعی نقش ایفا می‌کنند. در اینجا با توجه به این که سرمایه اجتماعی جنبه کیفی دارد، نیاز به تعیین شاخص‌هایی در این مورد وجود دارد.

از آنجا که سرمایه اجتماعی دارای جنبه کیفی است، اندازه‌گیری آن بسیار مشکل است. اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی با موضوعاتی مانند اعتماد، شرکت داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات خیریه، عضویت در تشکلات و باشگاه‌ها مرتبط است. در واقع سرمایه اجتماعی فضای روابط بین افراد در محله و شهر، محیط کار، روابط بین دولت و مردم را توصیف می‌کند و اندازه‌گیری آن بسیار مشکل خواهد بود. (سوری، ۹۰:۱۳۸۴)

بیوگلس دیک و ون چیک (۲۰۰۵) به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در منطقه اروپا می‌پردازند. آن‌ها مطالعات خود را بر روی ۵۴ منطقه اروپا انجام داده‌اند که با استفاده از توسعه مدل بارو (۱۹۹۱) متغیر سرمایه اجتماعی را در این مدل وارد می‌کنند. آن‌ها برای سرمایه اجتماعی دو پروکسی «اعتماد تعمیم یافته» و «فعالیت‌های مشارکتی و عضویت گروهی» را در نظر می‌گیرند و به این نتیجه می‌رسند که در سطح منطقه‌ای، رشد اقتصادی با اعتماد مرتبط است و فعالیت‌های مشترک گروهی به طور مثبت با رشد اقتصادی در ارتباط می‌باشند. (رحمانی و عباسی نژاد و امیری، ۸:۱۳۸۶)

بنابراین می‌توان چند مورد را به عنوان شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی در نظر گرفت که عبارتند از: اعتماد، مشارکت‌های داوطلبانه و فعالیت‌های گروهی. حال باید ببینیم که با در نظر گرفتن این شاخص‌ها، مسجد از چه راه‌هایی قادر به افزایش سرمایه اجتماعی است. مسجد علاوه بر کارکردهای دینی دارای ظرفیت‌های متنوعی در زمینه‌های گوناگون از جمله اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و حتی علمی است. به عنوان مثال،

منبر مساجد به عنوان جایگاهی است که می‌توان در جهت فرهنگ‌سازی به بهترین شکل از آن استفاده کرد. همچنین خود حضور مردم در نماز جماعت و برنامه‌های گروهی مانند مناجات‌خوانی، عزاداری و جشن‌ها به نوعی در جهت ایجاد مشارکت-های مردمی داوطلبانه مؤثر خواهد بود.

نهادهای فرهنگی در مساجد مثل کانون‌های فرهنگی هنری با اجرای برنامه‌های فرهنگی مختلف قادر خواهد بود که میزان فعالیت‌های گروهی را افزایش داده و منجر به افزایش سرمایه اجتماعی شود. همچنین این گونه برنامه‌های فرهنگی مساجد میزان اعتماد نوجوانان و حتی والدین آن‌ها به متولیان فرهنگی مساجد را افزایش می‌دهد که این افزایش اعتماد، خود به معنی افزایش سرمایه اجتماعی است.

نتیجه‌گیری:

با توجه به کیفی بودن مفهوم سرمایه اجتماعی، ناگزیر هستیم جهت فراهم آوردن موجبات ارتقای آن، ابتدا به نوعی فرهنگ‌سازی و ایجاد تغییرات آگاهانه در زمینه احساسات، بینش‌ها، اندیشه‌ها، ارزش‌ها و باورها بپردازیم و این همان مفهوم مهندسی فرهنگی است. بنابراین افزایش سرمایه اجتماعی از طریق مهندسی فرهنگی قابل حصول است. با توجه به این که مساجد در زمره مهم‌ترین نهادهای دینی جامعه اسلامی قرار دارند، می‌توانند به عنوان بستر مهندسی فرهنگی نقش بسزایی ایفا کنند.

اعتماد، مشارکت داوطلبانه و فعالیت‌های گروهی به عنوان اساسی‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی مطرح هستند. مسجد با توجه به ظرفیت‌های موجود در خود از جمله منبر وعظ، صفوف نماز جماعت، مراسمات مناجات‌خوانی، عزاداری، جشن‌ها و همچنین با برخورداری از نهادهای درون خود مثل کانون‌های فرهنگی و هنری قادر است سهم بسزایی در افزایش سرمایه اجتماعی اعضای جامعه اسلامی داشته باشد.

منابع

۱. خلیلیان اشکذری، محمد جمال (۱۳۸۱)، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۲. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم.
۳. دادگر، یدالله و نجفی، محمد باقر (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و باز تولید آن در عصر پیامبر اسلام (ص)»، فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد اسلامی، ش ۲۴.
۴. رحمانی، تیمور و عباسی نژاد، حسن و امیری، میثم (۱۳۸۶)، «بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران (مطالعه موردی: استان‌های کشور با روش اقتصاد سنجی فضایی)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، ش ۲.
۵. سوری، علی (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۹.
۶. شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۲۰، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ نامه مسجد، قم: دارالحديث، چاپ اول.
۷. علمی، زهرا (میلاد و شارع پور، محمود و حسینی، امیر حسین (۱۳۸۴)، «سرمایه اجتماعی و چگونگی تاثیر آن بر اقتصاد»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۷۱.
۸. فرقانی، علی و حق‌بین، اشکان (۱۳۸۸)، «ارزیابی نقش فرهنگ و سرمایه اجتماعی در نظام توسعه علم و فناوری کشور»، فصلنامه رشد فناوری، ش ۲۰.
۹. فوزی، یحیی و بصیر نیا، غلامرضا (۱۳۸۷)، «مبانی نظری دو رویکرد سلبی و ایجابی به مهندسی فرهنگی در ایران پس از انقلاب»، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۱۵.

۱۰. کوئن، بروس (۱۳۸۷)، *درآمدی بر جامعه شناسی*، محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، چاپ شانزدهم.
۱۱. محمدی ری شهری سعادت، رحمان (۱۳۸۷)، «برآورد روند سرمایه اجتماعی در ایران (با استفاده از روش فازی)»، *مجله تحقیقات اقتصادی*، ش ۸۳.
۱۲. موسایی، میثم (۱۳۸۶)، *امام خمینی (ره)، دولت و اقتصاد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
۱۳. وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۵)، *مبانی جامعه شناسی*، تهران: انتشارات خردمند، چاپ دهم.



چکیده

دین مقوله‌ای ریشه دار در جامعه است و تأثیر آن بسیار عمیق است. در طول تاریخ برداشت‌های متفاوتی از دین به وجود آمده است که گاهی در دو کران متضاد قرار می‌گیرند. سال‌هاست که دین وارد مباحث اقتصادی نیز شده است و به بررسی نقش دین در آن نیز پرداخته شده است. واکاوی محتوای دین و تأثیر آن بر رفتارهای انسانی دارای ارزش عملی و علمی است. مقاله پیش رو با شیوه تحلیل محتوی به دنبال کاوش تأثیر گزاره‌های دینی بر ریسک پذیری است و با بیان دیدگاه‌های حدی در مورد هر یک از گزاره‌ها به این نتیجه می‌رسد که دین، افراد معتقد به آن را ریسک پذیرتر می‌کند.

واژگان کلیدی: دین؛ ریسک؛ قرائت‌های دینی؛ توکل؛ ناپایداری دنیا.

مقدمه

سال‌هاست که دین و مسائل مربوط به آن وارد مباحث علمی اقتصاد شده است و مجامع علمی به بررسی نقش دین در اقتصاد پرداخته‌اند و حتی شاخه‌های مختلفی از اقتصاد دینی شکل گرفته است. اقتصاد دینی با اعتقاد به این که موضوعات اجتماعی، از ارزش‌ها و باورها الهام گرفته است، می‌کوشد تا در بررسی پدیده‌های اجتماعی از جمله، رفتارهای اقتصادی بر این عوامل غیر مادی تأکید کند.

محتوای دین نقش برجسته‌ای در تأثیر بر رفتارهای افراد هر جامعه‌ای دارد. ادعای معتقدان به اسلام، کامل و جامع بودن آن است و تعالیم آن محدود به مسائل معنوی و روحانی نیست، بلکه به مسائل اجتماعی نیز می‌پردازد. بنابراین کاوش در گزاره‌ها و محتوای چنین دینی برای یافتن آموزه‌هایی که بر ریسک‌پذیری تأثیرگذار هستند ارزش علمی و عملی بسیاری دارد. از سویی، برداشت‌ها و تفسیرهای متفاوت و گاه متناقض از دستورات و آموزه‌های دینی در طول قرن‌های گذشته تا کنون وجود داشته است. حتی تفسیر دین بنا به مصالح اشخاص یا گروه‌های خاص و استفاده ابزاری از آن در طول

حاشیه ها

تاریخ وجود داشته و همچنان نیز وجود دارد. بنابراین قرائت های مختلفی از دین در طول تاریخ شکل گرفته است.

در گذشته سعی بر کنار گذاشتن دین از مباحث اقتصادی و پیراستن آن از هرگونه بحث ارزشی و اخلاقی بود. این بی توجهی به پیوند مذهب و اقتصاد می تواند نتیجه کوتاهی اهل دین و اهل اقتصاد، هر دو باشد. به این صورت که این موضوع از یک سو معلول عدم درک جایگاه و کارکرد واقعی مذهب و آزمون عملی غلط آن از سوی دیگر می باشد. از جهت دیگر نگاه افراطی عمل گرایانه و اثبات گرایانه به اقتصاد و جدا کردن آن از هر نوع امر هنجاری نیز می تواند در این علم مزید بر علت باشد. (دادگر، ۱۳۸۴: ۱۰۷)

در حالی که دین یک مقوله ریشه دار، فطری و مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی است و حتی بروز نهضت های ضد دینی، نتوانسته است انسان ها و جوامع را از دین جدا کند. ما عقیده داریم که دین و پیام های دینی، اگر درست تبیین و درست عمل شود، حتی در امور مادی و فنی نیز تأثیر قابل توجهی دارند. (دادگر، ۱۳۷۸: ۳)

بنابراین بررسی و کاوش اثر دین بر ریسک پذیری، خالی از فایده نخواهد بود. از این رو می توان این پرسش را مطرح کرد که نهاد دیر پای دین، تا چه اندازه بر خطرپذیری اثر می گذارد؟ همچنین دیدگاهی در غرب وجود دارد که مسلمانان ریسک پذیر نیستند. آیا چنین نتیجه ای درست است و آیا اسلام در مقابل خطرپذیری جبهه گیری کرده است؟ متأسفانه در این زمینه تحقیقات جامعی انجام نگرفته است و این دلیل دیگری بر اهمیت و ضرورت چنین مطالعه ای است.

در نوشتار حاضر از میان آموزه های اسلامی، گزاره هایی را که احتمال دارد بر ریسک پذیری یا ریسک گریزی تأثیر داشته باشند، جمع آوری کرده و با شیوه تحلیل محتوی به بررسی هر یک می پردازیم. در این راستا دیدگاه حدی حرکت پذیری که موجب ایجاد انگیزه در فرد می شود و دیدگاه حدی سکون پذیری که موجب سستی و بی حرکتی در فرد می شود را بررسی می کنیم. همچنین بازتاب هر یک از این آموزه ها را در فرهنگ عمومی جامعه بیان خواهیم کرد. برای این منظور از اشعار و مثل های رایج در

زبان مردم بهره می‌بریم که از بهترین شاخص‌های فرهنگ می‌باشد. قطعا برخی از این موارد قابل مناقشه می‌باشند، ولی بیان آن در واقع بازگویی فرهنگ جاری در میان مردم است. لازم به ذکر است که مصداق برخی از آیات و احادیثی که در متن به آن‌ها استناد خواهد شد و ریسک و خطر مطرح در آن‌ها، ریسک‌های غیر اقتصادی می‌باشد اما می‌توان از مفهوم آن‌ها استفاده کرد و با به کارگیری ابزارهایی مانند قیاس اولویت به ریسک اقتصادی نیز سرایت داد، مثلا اگر آموزه‌ای مانند توکل، در جهاد و نبرد ایجاد انگیزه و شور نماید و پذیرش ریسک در آن را آسان سازد، به طریق اولی می‌تواند موجب پذیرش ریسک در فعالیت اقتصادی شود.

۱. توکل

۱.۱. معنی توکل

معنی توکل بر خدا این است که انسان در برابر مشکلات و حوادث زندگی و دشمنی‌ها و سرسختی‌های مخالفان و پیچیدگی‌ها و احیاناً بن‌بست‌هایی که در مسیر خود به سوی هدف دارد، در جایی که توانایی بر گشودن آن‌ها ندارد، خدا را وکیل خود سازد و به او تکیه کند و از تلاش و کوشش باز نایستد، بلکه در آنجا هم که توانایی بر انجام کاری دارد باز مؤثر اصلی را خدا بداند. در واقع توکل، ثمره مستقیم توحید افعالی است، زیرا از نظر یک موحد هر حرکت، کوشش، تلاش و جنبش و هر پدیده‌ای که در جهان صورت می‌گیرد، بالأخره به علت نخستین این جهان یعنی ذات خداوند باز می‌گردد. یک موحد همه قدرت‌ها و پیروزی‌ها را از او می‌داند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/ ۲۹۶)

۲.۱. دیدگاه حدی حرکت‌پذیری

خداوند گفتار هود در مقابل دشمنانش را چنین بازگو می‌کند: «همانا من بر خداوند، پروردگار خود و پروردگار شما توکل کردم. هیچ جنبنده‌ای نیست، مگر این که او بر آن

حاشیه ها

تسلط دارد. حقا که پروردگارم بر راهی راست است.» (هود/ ۵۶) این سخن در برابر فشار و تهدید مخالفین است. ایشان با شهادت و جرأت در مقابل همه آنها می ایستد و می گوید چون من بر خدا توکل کرده ام، شما هیچ کاری نمی توانید علیه من انجام دهید، نه این که می توانید ولی من نمی ترسم، این یعنی شهادتی بسیار بالاتر از نداشتن هراس و ترس. این اطمینان نتیجه توکل بر خداوند است و در سخت ترین شرایط چنان اطمینانی به متوکل می دهد که هیچ زیانی به او نخواهد رسید. چنین باوری حس «عزت و بزرگی» به فرد می دهد و می تواند موجب جسارت و پذیرش خطر در او شود. کسی که چنین حسی دارد در برخورد با خطر نمی هراسد و از حرکت باز نمی ایستد. «آنگاه که منافقان و کسانی که در دل هایشان بیماری (کفر و شک) بود می گفتند: اینان را (سپاه اسلام عازم بدر) دیشان فریفته است! هر کس بر خدا توکل کند به یقین (پیروز است، زیرا) خداوند غالب مقتدر و صاحب حکمت است.» (انفال/ ۴۹)

طبیعت انسان به گونه ای است که به سمت صاحب قدرت و شوکت تمایل بیش تری دارد و تلاش می کند مورد توجه او قرار بگیرد و در لحظات دشوار به او پناه ببرد، بنابراین توجه به این نکته که خداوند مالک تمام هستی است، زمینه ساز اعتماد و گرایش بیش تر به سمت اوست و در حرکت فرد به سمت خطر موجب احساس آرامش و اطمینان می شود.

۳.۱ دیدگاه حدی سکون پذیری

خداوند در قرآن می فرماید: «اگر مسلمانید توکل بر خدا داشته باشید.» (یونس/ ۸۴) منظور آیه تسلیم محضی است که در فرد پدیدار می شود و مؤمن اهل تسلیم محض می تواند اهل توکل باشد و از آثار توکل بهره مند گردد. اگر تغییر وضع موجود و یا بهبود آن نیازمند تحرک، تفکر و استقبال از خطر باشد، برداشت سطحی از این تسلیم مانع از آن خواهد بود و موجب سلب انگیزه می شود. برداشت سطحی از آیاتی مانند این

آیه موجب جمود و بی‌حرکی است و فرد هرگز به دامن خطر نخواهد رفت و حتی ممکن است از تلاش روزمره و عادی نیز خودداری کند.

۴.۱. بازتاب در ادبیات و فرهنگ مردم

توکل و بهره‌بردن از آن در کارها و حتی در سخنان مردم متداول است و یکدیگر را به آن توصیه می‌کنند. دقت در موارد کاربرد آن نشان می‌دهد که توکل در این فرهنگ ملازم با تلاش و حرکت است. زمانی که افراد در مورد تصمیم‌گیری‌های مهم برنامه‌ریزی می‌کنند و مقدمات لازم را فراهم می‌نمایند، ولی به جهت ریسک موجود در آن تردید دارند اطرافیانی که مورد مشورت قرار گرفته‌اند او را به توکل توصیه می‌کنند.

۵.۱. برداشت برگزیده و تأثیر آن بر ریسک‌پذیری

توکل همزاد تلاش، کوشش و پویایی است. در بسیاری از روایات شخص توکل‌کننده به کشاورز تشبیه شده است. امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه «مؤمنین بر خدا توکل می‌کنند» فرمود: «آنها کشاورزان هستند.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۰۰/۶۶) تا زمانی که کشاورز، زمین را شخم نزند و بذر نپاشد و سایر امور لازم را انجام ندهد، هیچ بهره‌ای نخواهد داشت و به صرف امید و توکل به خدا چیزی نمی‌تواند درو کند. اگر مفهوم توکل به گوشه‌ای خزیدن و دست روی دست گذاشتن بود، معنا نداشت که درباره مجاهدان و مانند آنها پیاده شود.

هراس از شکست، گنجی و ابهام، محدودیت در پیش‌بینی آینده، فقدان اطلاعات و عوامل خارج از کنترل از جمله موانع تصمیم‌گیری شمرده می‌شوند، (هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۵) توکل می‌تواند بسیاری از این موانع را از پیش روی تصمیم‌گیرنده بردارد. کسی که پس از تهیه تمامی مقدمات لازم به تنها کارساز هستی که به همه چیز دانش و بر هر چیزی توان و قدرت دارد و تمامی اسباب، تأثیر خود را از او دریافت کرده‌اند، تکیه و اعتماد کرده است هیچ واهمه‌ای از شکست نخواهد داشت، حتی اگر نتیجه برخلاف

حاشیه ها

خواست و انتظارش باشد آن را شکست می داند و به نتیجه ای که خدا برایش پسندیده است، راضی و تسلیم است. بنابراین چنین فردی در تصمیم هایی که ریسک دارند اضطراب نخواهد داشت.

براساس این نگرش، توکل در قرآن یک مفهوم زنده کننده و حماسی است. یعنی هر جا که قرآن می خواهد بشر را به عمل ترغیب کند و ترس ها و بیم ها را از انسان بگیرد، می فرماید نترسید و به خدا توکل کنید. توکل به خدا، ترکیبی از ریسک کردن و واگذاری کار به خداست. وقتی ما در حد توان، همه مقدمات را انجام دادیم و دیگر چیزی وجود ندارد که انجام نشده باشد، در این صورت بهتر است نتیجه را به خدا واگذار کنیم. (هادوی نیا، ۱۳۸۷: ۱۴۶)

۲. اعتقاد به رزاق بودن خداوند

۱.۲. دیدگاه حدی حرکت پذیری

امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: همانا من صبحدم برای بدست آوردن حاجتی که خدا آن را ضمانت کرده است بر مرکب سوار می شوم و به این جهت، چنین می کنم که خدای تعالی مرا در طلب مال حلال ببیند. آیا کلام خدا را نشنیده ای که می فرماید: «و چون نماز تمام شد (مُجازید که) در روی زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید (در پی کار و روزی روید)». (منتظری، ۱۴۱۵ق: ۱۲) همچنین می فرمایند: روزی دو گونه است، یک گونه به صاحب آن خواهد رسید حتی اگر به دنبال آن نرود و نوع دیگر مشروط به طلب صاحب روزی است، برای آن بخشی که با تلاش به وی می رسد، باید از راهی که خدا حلال کرده به دنبال آن برود. (بغدادی، ۱۴۱۰ق: ۵۸۷ - ۵۸۶) و نیز می فرمایند: در تحصیل روزی تنبلی نکنید، زیرا پدران ما در این راه می دویدند و آن را طلب می کردند. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۴۸/۱۲)

این کلام و عملکرد بزرگان دین نشان می‌دهد که باور به این گزاره دلیل ترک تلاش و حرکت نیست و برای به دست آوردن روزی تضمین شده باید پویا بود و خطرات را نیز پذیرفت.

۲.۲. دیدگاه حدی سکون‌پذیری

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: امیرالمؤمنین همواره می‌فرمودند: «یقین بدانید که خداوند بلند مرتبه اجازه نمی‌دهد کسی، هر اندازه که تلاش کند و راه کارهای فراوان داشته باشد و بسیار بیندیشد، به بیش از آنچه در لوح محفوظ نوشته شده است، دست یابد و هیچ کس به جهت ضعف و کم بودن راهکارهایش، از آنچه برای او در لوح محفوظ نوشته شده است، محروم نمی‌شود. ای مردم! بدانید که هیچ کس ذره‌ای به خاطر زیرکی‌اش نمی‌تواند بیفزاید و از هیچ کس به جهت نادانی‌اش ذره‌ای کم نمی‌شود. کسی که این را بداند و به آن عمل کند، راحت‌ترین و آسوده‌ترین مردم در کسب و منفعت خود می‌باشد و کسی که آن را بداند و به آن عمل نکند، گرفتارترین مردم در زیان می‌باشد، بنابراین ای تلاش‌گر! تلاشت را ادامه بده و شتاب نکن و از خواب غفلت بیدار شو و در آنچه بر پیامبر نازل شده بیندیش. (همان)

برداشت سطحی از این گونه دلایل، انسان را به سمت سستی در کار و تلاش سوق می‌دهد و شخص گامی در جهت پیشرفت خود و جامعه بر نمی‌دارد. درویش مسلکی بارزترین نمونه این گونه از برداشت‌ها و منش‌ها است که در برخی از دوره‌های تاریخی جلوه و رواج بسیاری داشته است.

۳.۲. بازتاب در فرهنگ و ادبیات

همان‌گونه که گذشت این باور همه روزه در گفتار مردم شنیده می‌شود، اما با مفهومی سازنده و امیدبخش. یکی از بارزترین نمونه‌ها، ضرب‌المثل «از تو حرکت از

خدا برکت» است. سعدی با اشاره به داستان روباه و شیر، روزی رسان بودن خدا و برداشت نادرست درویش از آن را گوشزد می کند.

۴.۲. دیدگاه برگزیده و تأثیر بر ریسک پذیری

روزی هر کس مقدر و ثابت است، ولی در عین حال مشروط به تلاش و کوشش است و هرگاه این شرط حاصل نشود، مشروط نیز از میان خواهد رفت و افرادی که معتقدند نیازی به تلاش و پذیرش ریسک برای به دست آوردن روزی نیست، زیرا «هیچ دهان بازی بدون روزی نمی ماند»، شناخت درستی از دین ندارند و بهانه به دست دشمنان می دهند تا مذهب را عامل تخدیر و رکود اقتصادی و خاموش کردن فعالیت های مثبت زندگی و تن دادن به انواع محرومیت ها معرفی کنند. به این بهانه که اگر فلان موهبت نصیب من نشده است حتما روزی من نبوده است، در حالی که اندک آشنایی با قرآن و احادیث اسلامی برای پی بردن به این حقیقت کافی است که اسلام پایه هرگونه بهره گیری مادی و معنوی انسان را کوشش و تلاش وی می شمرد.

پیشوایان معصوم نیز برای این که سرمشقی به دیگران بدهند در بسیاری از مواقع کارهای سخت و توان فرسا انجام می دادند. اگر مفهوم تضمین روزی از طرف خدا، نشستن در خانه و انتظار رسیدن روزی باشد، نباید پیامبران و امامان که با مفاهیم دینی از همگان آشنا تر هستند، این همه برای روزی تلاش کنند. نکته مهم این است که آیات و روایات مربوط به معین بودن روزی در واقع ترمزی است روی افکار مردم حریص و دنیاپرست که برای تامین زندگی به هر دری می زنند و هر ظلم و جنایتی را مرتکب می شوند، به گمان این که اگر چنین نکنند زندگیشان تأمین نمی شود.

۳. قضا و قدر

بحث قضا و قدر و در پی آن، مختار یا مجبور بودن انسان از مباحث چالش برانگیز در طول تاریخ بوده است. مسلمانان در این بحث به سه دسته تقسیم شده اند. برخی به

استناد ظاهر برخی از آیات، منکر اختیار و اراده بشری شده اند و معتقدند که انسان هیچ تاثیری در اعمال خود ندارد. عده دیگری برای فرار از پیامدهای این بحث در سوی دیگر قرار گرفته و معتقدند که خداوند هیچ تاثیری در اعمال ارادی انسان ندارد و تمامی این امور به انسان واگذار شده است. شیعه دیدگاهی بینابین را مطرح کرده است و رابطه طولی اراده خداوند و انسان را مطرح می کند. مهم ترین نکته ای که در تبیین قضا و قدر باید مورد توجه قرار گیرد، ارتباط آن با اختیار انسان است، زیرا وجود اختیار برای انسان، از مبانی حرکت در مسیر توسعه و انگیزه تلاش است.

۱.۳. دیدگاه حدی حرکت پذیری

داشتن فرصت انتخاب و اراده برای انتخاب راه، اولین گام و شرط برای حرکت است. اگر فردی بداند که هیچ تاثیری در رفتار و کردار خود ندارد و تلاش و برنامه ریزی هایش کاملاً بی نتیجه است، هرگز انگیزه ای برای حرکت نخواهد داشت. جبر و اعتقاد به آن باعث ایجاد رخوت و سستی در فرد و جامعه می شود و پویایی را از آن سلب می کند. تاریخ نیز نشان می دهد حکومت های جائز و خودکامه برای جلوگیری از هرگونه اعتراض و جوششی در میان مردم، تفکر جبرگرایی را گسترش می دادند و در توجیه جنایات خود می گفتند که این وضعیت خواست خداوند است و نمی توان آن را تغییر داد و باید آن را پذیرفت. اختیار و اراده در تصمیم گیری، شور و حرکت در فرد پدید می آورد و باعث پویایی فرد و جامعه می شود. براساس این ایده، هر کس با توجه به توانایی ها و اهدافش مسیر مناسب خود را انتخاب می کند و چون به مسیر و خطرات موجود در آن آگاه است و با اختیار آن را پذیرفته است، خطرات را نیز می پذیرد و گام در مسیر می گذارد. زیرا معتقد است تا زمانی که حرکتی را آغاز نکند پیشرفتی نخواهد داشت، چون خداوند هم می فرماید ما مسیر را به انسان نشان دادیم و ابزار و مقدمات لازم را نیز در اختیار انسان قرار دادیم تا حرکت کند و پویا باشد.

۲.۳. دیدگاه حدی سکون پذیری

کسی که معتقد به جبر است و هیچ تأثیری برای رفتارهای خود نمی بیند، انگیزه ای برای تلاش نخواهد داشت و هیچ اقدامی انجام نمی دهد. وقتی انسان هیچ نقشی در سرنوشت خود نداشته باشد، برای چه دست به خطر بزند و برای بهبود شرایط زندگی به دامان خطر برود؟ این ایده باعث تخدیر فرد و جامعه می شود و انسان و جامعه ای که این ایده در آن جریان داشته باشد، بدون پویایی و حرکت خواهد بود و پیشرفت نخواهد کرد.

۳.۳. بازتاب قضا و قدر در فرهنگ مردم

مسئله قضا و قدر از مباحث عمیق کلامی و فلسفی است و در میان مردم چندان بحث نمی شود، یکی از استدلال های قائلین به اختیار، «وجدان» است و مردم با درک وجدان خود در می یابند که در کارهای خود دارای قدرت اختیار و اراده هستند.

۴.۳. دیدگاه برگزیده و تأثیر بر ریسک پذیری

در نظر شیعه هر یک از نظرات افراطی و تفریطی جبر و تفویض نادرست بوده و با اصول اعتقادات اسلامی ناسازگار است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «هرگز نگویند که خدای تعالی انسان ها را به حال خودشان واگذار کرده است که نتیجه آن خوار کردن اوست و نیز هرگز نگویند حق تعالی بشر را به معصیت مجبور می کند، زیرا به خداوند نسبت ظلم می دهید، بلکه بگویند که انجام کار نیک با توفیق الهی است و انجام گناه به واسطه گمراهی از او و همه این امور در علم خداوند موجود است.» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۵/ ۹۷)

امامیه معتقد اند که اختیار انسان آخرین حلقه از قضا و قدر الهی است و انسان در انتخاب مسیر خود آزاد است. «بداء» که در اصطلاح به معنای تجدید نظر در برنامه قضا و قدر الهی است، به درک این مطلب کمک بیشتری می کند.

بر این اساس، انسان می‌تواند در تعیین سرنوشت خود مؤثر باشد. اعتقاد درست به قضا و قدر الهی، شخص با ایمان را در عمل و فعالیت صحیح، مطمئن‌تر و به نتیجه کار امیدوارتر می‌کند. از نظر فرد الهی، جهان نسبت به حق و باطل، درست و نادرست و عدالت و ستم بی‌طرف نیست و طرفدار حق، درستی و عدالت است و فرد در افعال خود دارای اختیار است.

۴. ناپایداری دنیا

در نظر متدینان، دنیا محل گذر است و همگان باید این دنیا و هر آنچه در آن ساخته‌اند را ترک کنند. این باور تأثیر زیادی بر رفتار فرد خواهد داشت و نوع نگاه به آن مسیر زندگی و انگیزه‌های فرد را متحول می‌کند.

۱.۴. دیدگاه حدی سکون‌پذیری

قرآن برای بیان حقیقت زندگی دنیا و به تصویر کشیدن آن، تشبیه‌های زیبایی به کار می‌برد که برای همگان ملموس باشد و به این شکل ناپایداری و فریبنده بودن آن را یادآور می‌شود. «مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم که در پی آن، گیاهان (گوناگون) زمین، که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند، می‌روید تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب هنگام یا در روز (برای نابودی آن) فرا می‌رسد و آن چنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشت‌زاری) نبوده است. این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند شرح می‌دهیم!» (یونس/ ۲۴) علاوه بر ناپایداری خود دنیا و ناچیز بودن آن، قرآن تأکید می‌کند که انسان این سرای گذار را به ناچار ترک خواهد کرد و هر چه در آن اندوخته است را رها خواهد نمود. «هر کسی مرگ را می‌چشد و شما پاداش خود را به طور کامل در روز قیامت خواهید گرفت. آن‌ها که از آتش (دوزخ) دور شده و به بهشت وارد شوند نجات یافته و

حاشیه ها

رستگار شده‌اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایه فریب نیست.» (آل عمران / ۱۸۵) با در نظر داشتن این تصویر از دنیا، کسی که می‌داند به زودی همه چیز را از دست خواهد داد و باید هر آنچه ساخته است را رها کند و حتی نمی‌داند که پایان کارش را می‌بیند یا نه، انگیزه‌ای برای ریسک کردن نخواهد داشت.

۲.۴. دیدگاه حدی حرکت پذیری

سبک زندگی و کردار بزرگان دین به عنوان آشناترین افراد با آموزه‌های دینی و برترین الگوهای عملی، تفسیر متفاوتی از دنیا در اختیار ما می‌گذارد. در این شیوه زندگی برای رسیدن به مواهب مادی این دنیای زودگذر باید تلاش کرد و به سوی آبادانی آن حرکت نمود ولی نباید به آن دل بست. سستی و تنبلی به شدت نکوهش شده است و فرجام آن زیان در دنیا و آخرت معرفی شده است. امام موسی کاظم (علیه السلام) فرمود: «چنان برای زندگی دنیا تلاش کن که گویا تا ابد زنده هستی و برای آخرت خویش، آن چنان کار کن که گویی فردا از دنیا خواهی رفت.» (صفاخواه، ۱۳۷۶: ۲ / ۱۸۹) حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هم می‌فرمایند: «مؤمن از همه مردم گرفتارتر است، زیرا باید به کار دنیا و آخرت هر دو برسد.» (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۲۲)

۳.۴. دیدگاه برگزیده و تأثیر آن بر ریسک‌پذیری

با توجه به مطالب پیش گفته روشن می‌شود که نوع نگاه به دنیا خوبی و بدی آن را تعیین می‌کند. هدف از نکوهش دنیا مبارزه با وابستگی و دلبستگی به مظاهر جهان مادی و فراموش کردن مقصد نهایی است. پیامبر اسلام در توصیه‌های خود به امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «از دو خصلت پرهیز کن. از سستی و تنبلی، هر که سستی و بی‌تابی بر او چیره شود، آسایش و راحتی از او رخت می‌بندد.» (صحت، ۱۳۶۴: ۲۹۸) بنابراین راحتی این دنیا نیز اهمیت دارد و باید برای رسیدن به آن تلاش نمود.

باور به ناپایداری دنیا به گونه‌ای است که می‌تواند به دو شکل تأثیر گذار باشد. از یک طرف فرد می‌داند که هر آنچه می‌سازد و دست به هر کاری که می‌زند به زودی از بین خواهد رفت و خود نیز باید آن را ترک کند. بنابراین، انگیزه فعالیت و خطر کردن را از دست می‌دهد و نیز می‌توان از زاویه دیگری به موضوع نگاه کرد. وقتی دنیا ناپایدار است، شکست‌ها و ناکامی‌های آن نیز ناپایدار است و شکست نیز به زودی از بین خواهد رفت. با این دیدگاه فرد راحت‌تر ریسک خواهد کرد و دل در گرو این دنیا نخواهد داشت.

۵. حرمت ربا

اندک آشنایی با اسلام و نیز سایر ادیان الهی روشن می‌سازد که ادیان ابراهیمی مخالف ربا هستند و به شدت از آن نهی می‌کنند. بارتکه و شوارتز^۱ در کاری با عنوان «آیا ملیت موجب ریسک‌گریزی است یا دین؟» معتقدند که دستوراتی مانند حرمت ربا موجب ریسک‌گریزی مسلمانان می‌شود. در این بخش سعی می‌کنیم به این مطلب بپردازیم.

۱.۵. دیدگاه حدی حرکت‌پذیری

ربا (ربای در قرض) سود از پیش تعیین شده و بی خطری است که صاحب سرمایه از بدهکار مطالبه می‌نماید و توجهی ندارد که مدیون زیان کرده است یا خیر. در این وضعیت تمامی خطرات متوجه فعال اقتصادی است و صاحب سرمایه هیچ بخشی از خطر فعالیت را نمی‌پذیرد، این چنین سودی در اسلام تحریم شده است. مخالفت با ربا نه تنها به معنای مخالفت با ریسک‌پذیری نیست، بلکه به نوعی تشویق به پذیرش ریسک است. چون سود و بهره ضمانت شده که در ربا وجود دارد مورد نهی قرار گرفته است و در

۱. Bartke, Stephen and Schwartz, Reimund (۲۰۰۸).

حاشیه ها

نقطه مقابل قراردادهایی که مشتمل بر خطر است و احتمال از بین رفتن اصل سرمایه نیز بالاست، مورد تشویق و توصیه قرار گرفته است. به عنوان نمونه شرط صحت عقد مضاربه و شرکت در سود که نوعی سرمایه گذاری محسوب می شود، مشارکت در سود و زیان است و اگر سود سرمایه گذار ضمانت شود، قرارداد باطل است و سرمایه گذار هیچ سودی کسب نخواهد کرد و فقط اصل سرمایه خود را دریافت می کند.

بنابراین تحریم ربا گامی مؤثر برای مشارکت صاحب سرمایه در ریسک فعالیت مفید اقتصادی است. پس انتظار می رود که حرمت ربا موجب افزایش ریسک پذیری و تحرک سرمایه گذار شود، زیرا اگر فرد دنبال افزایش سرمایه خود باشد یا باید خود وارد فعالیت اقتصادی شود و پیامدهای آن را نیز بپذیرد و یا این که سرمایه خود را در اختیار دیگران قرار دهد تا با آن فعالیت کند که باز هم باید خطرات مختلف سرمایه گذاری خود را بپذیرد.

ممکن است فرد به جهت پرهیز از خطرات شرکت در فعالیت های سرمایه گذاری دست به نگهداری سرمایه های خود بزند (کنز) اما دستورات دیگری نظیر زکات و حرمت کنز مانعی برای این اقدام می باشد. بنابر این می توان گفت اسلام به دنبال فعالیت های مفید و مولد اقتصادی است.

۲.۵. دیدگاه حدی سکون پذیری

با توجه به این که سود تضمین شده و بدون ریسک در سرمایه گذاری ربوی ممنوع شده است، کسی که ریسک گریز است و اقدام به خطر نمی کند، وارد سرمایه گذاری های توأم با خطر نمی شود و اقدام به راکد نگه داشتن سرمایه خود می نماید، بدین ترتیب نه تنها خود عملی انجام نمی دهد و تحرک و نشاطی نخواهد داشت، بلکه سرمایه خود را در اختیار دیگران نیز قرار نمی دهد و افرادی که ریسک پذیر هستند نیز از سرمایه ها محروم می شوند.

۳.۵. بازتاب در فرهنگ مردم

ربا خواری و به اصطلاح عامیانه «نزول» در فرهنگ اسلامی به شدت ناپسند است و افرادی که چنین می کنند، هیچ جایگاهی در میان مردم ندارند. این مطلب به حدی روشن است که نیازی به توضیح و بیان بیش تر ندارد.

۴.۵. دیدگاه برگزیده

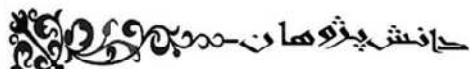
با توجه به آثار زیان بار ربا در جامعه که موجب شدت برخورد اسلام با آن شده است و مطالب گفته شده در دیدگاه حرکت پذیری روشن است که تحریم ربا در واقع تحریم سود بدون خطر و ضمانت شده است. فردی که به اسلام معتقد است و به آثار و نتایج شوم ربا نیز آگاه است، اگر خواستار سود سرمایه و افزایش آن باشد، باید سرمایه را وارد فعالیت های اقتصادی نماید و خطرات موجود در آن را نیز بپذیرد.

۶. مهاجرت

انسان ها به شرایط محیطی که در آن زندگی می کنند عادت می کنند و ارتباطات و ریشه های فرد در وطن خود شکل می گیرد که به نوعی پشتیبان محسوب می شود و به طور عادی دست کشیدن از آن برای بیش تر مردم دشوار است و کمتر افرادی از منطقه خود اقدام به مهاجرت می کنند.

مهاجرت از دیار به معنای دست کشیدن از این تکیه گاه ها و تنها شدن در برابر مشکلات و حوادث می باشد.

بنابراین می توان اصل مهاجرت و کوچ به مناطق جدید را به نوعی در دامان خطر رفتن تلقی کرد و افراد ریسک پذیر چنین می کنند. لذا به کاوش در مورد تأثیر آموزه های اسلامی در میل به مهاجرت افراد می پردازیم تا روشن شود که آیا اسلام موافق با مهاجرت است و آن را تشویق می کند یا به عکس، ماندن در وطن و علاقه مندی و پابندی به آن را ترویج می کند؟



۱.۶. دیدگاه حدی حرکت پذیری

خداوند به مهاجرین وعده می دهد که اگر از دیار خود مهاجرت کنند، سرزمین های امن تر و وسیع تری به دست خواهند آورد و زندگی مادی آنها نیز در دنیا بهتر خواهد شد. «کسی که در راه خدا هجرت کند (برای جهاد یا تحصیل علم دین یا دنیای لازم) جاهای امن فراوان و گسترده ای در زمین می یابد و هر کس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرارسد، پاداش او برخداست و خداوند، آمرزنده و مهربان است.» (نساء / ۱۰۰)

۲.۶. دیدگاه حدی سکون پذیری

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «دوست داشتن میهن از نشانه های ایمان است.» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۹) چنین روایاتی می تواند دست مایه ای برای برخی از افراد قرار گیرد که باید به هر شکل ممکن در وطن باقی ماند و زندگی کرد و شاید باعث رخوت و سستی فرد شود و اگر امکان زندگی بهتر در جای دیگر فراهم شود، ترک دیار نکند و در همان شرایط باقی بماند.

۳.۶. دیدگاه برگزیده و تأثیر آن بر ریسک پذیری

با دقت در مطالب موجود در زمینه مهاجرت، روشن می شود که آنچه از نظر اسلام اهمیت دارد، حفظ شخصیت و کرامت نفس انسان است و هر جا این کرامت و شرف حفظ شود، همان جا وطن انسان است و هر جایی که این ارزش ها به خطر افتد آنجا دیار غربت است، حتی اگر زاد بوم انسان باشد. بنابراین توصیه و هدف اصلی، ایجاد شرایط مناسب برای رشد فرد است.

اگر این شرایط در وطن ایجاد شود همای سعادت در آنجا بر شانه انسان نشسته است و اگر این شرایط در دیاری دیگر برای انسان فراهم شود، بایسته است که فرد

بدان سو هجرت کند و با علاقه کورکورانه به وطن، شرف خود و کسانی که در سرپرستی او هستند را به خطر نیندازد، بلکه با هجرت به سرزمینی دیگر زمینه پیشرفت خود را فراهم آورد. تشویق و وعده پاداش و یاری که اشاره شد، می تواند فردی را که توان تحمل ریسک مهاجرت را دارد، دلگرم کند و قدرت تحمل وی را افزایش دهد. پس این توصیه ها می تواند فرد را ریسک پذیرتر نماید.

نتیجه گیری

دین مقوله ای ریشه دار در جامعه است و نمی توان وجود آن و تاثیرش بر رفتار انسان را نادیده گرفت. همچنین اسلام که به کوچک ترین رفتارهای انسانی پرداخته است بالقوه دارای گزاره ها و ارزش های بسیاری است که در اقتصاد مؤثر است، بنابراین لازم است با نگاهی علمی به تحلیل محتوای دین پرداخته و از گنجینه های آن بهره برداری شود. نکته مهم در گزاره های دینی این است که براساس دلایل عقلی، شارع بر همه امور احاطه کامل علمی دارد و تمامی احکام بر پایه مصالح و مفاسد موجود در آن ها بیان شده است، پس امکان ندارد میان دستورات مختلف دینی تضاد وجود داشته باشد و اگر در موردی چنین به نظر برسد ناشی از عدم احاطه ما به دین است و دقت در آن ها نشان می دهد که هر یک بخشی از مسأله را مطرح می کنند.

به اعتقاد ما برداشت صحیح و منسجم و توجه به هماهنگی میان گزاره های مختلف دینی موجب تقویت روحیه ریسک پذیری شده و بالقوه در افزایش روحیه پذیرش خطر مؤثر می باشد. فرد متوکل تمامی اسباب و مقدمات را فراهم می کند، اندیشه و تجربیات خود را نیز به کار می گیرد و دیگر عواملی که ممکن است بر نتیجه تأثیرگذار بوده و خارج از کنترل وی یا بیرون از محدوده دانش و آگاهی او باشند را به خداوند دانا و توانا واگذار نموده است. چنین شخصیتی می داند که باید برای رسیدن به روزی، کوشش کند و در صورت لزوم، پذیرای خطر باشد هر چند می داند خدا روزی رسان است. تحریم سود

بی خطر و تضمین شده در قالب ربا، انگیزه‌های وی را افزایش می‌دهد چون برای افزایش سرمایه باید خطر کند و وارد فعالیت سالم اقتصادی شود. اعتقاد به مختار بودن انسان موجب تحرک و پویایی می‌شود، چون خود با آگاهی و اراده مسیرش را بر می‌گزیند. بنابراین خطرات موجود در مسیر را نیز می‌پذیرد. البته برخی از گزاره‌های دینی همانند تیغ دو لبه می‌باشد، مانند باور به ناپایداری دنیا. ممکن است کسی که به ناپایداری این دنیا معتقد است و می‌داند که هرچه تلاش و کوشش کند و هر چه بسازد، به زودی از بین خواهد رفت و نیز خود وی به ناچار باید دست از همه آن‌ها بشوید و به سرای دیگر برود، انگیزه خود برای تلاش و ریسک کردن را از دست بدهد و نیز ممکن است کل دنیا و نتایج آن را ناچیز بشمارد و در حالتی که انجام یک عمل، خطر و ریسک داشته باشد، این شکست را ناچیز بشمارد و راحت‌تر وارد عمل شود. توصیه‌های دین به مهاجرت در شرایط خاص و نوید پاداش برای مهاجرین نیز می‌تواند در ریسک‌پذیری مؤثر باشد.

منابع:

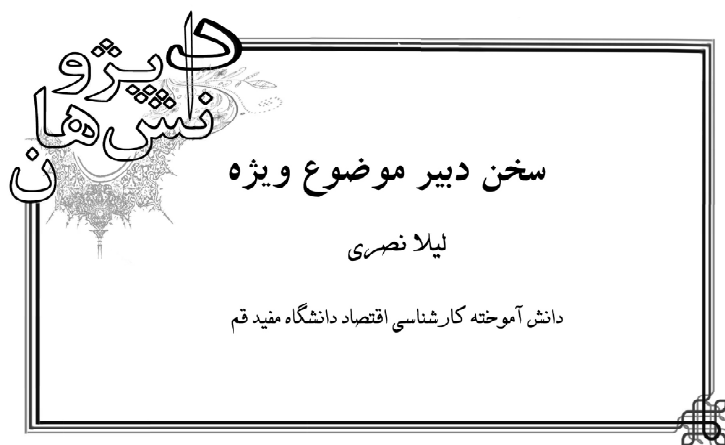
۱. قرآن کریم.
۲. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه*، تهران: دنیای دانش، چاپ چهارم.
۳. دادگر، یدالله (۱۳۷۸)، *اقتصاد اسلامی*، معرفت‌ها، ارزش‌ها و روش‌ها، مرتضی عزتی، تهران: پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول.
۴. _____ (۱۳۸۴)، «قلمرو، پیوند و مسائل دین و اقتصاد»، *نامه مفید*، س ۱۱، ش ۴۸.
۵. حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۶. صفاخواه، محمد حسین (۱۳۷۶)، *گلچین صدوق*، تهران: نشر فیض کاشانی.
۷. صحت، علی (۱۳۶۴)، *جهاد النفس وسایل الشیعه*، تهران، ناس.

۸. عکبری بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۰ق)، *المقنعه*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، چاپ اول.
۱۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار لدرر اخبار ائمه الاطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۱۲. منتظری، حسین علی (۱۴۱۵ق)، *دراسات فی المكاسب المحرمه*، قم: نشر تفکر، چاپ اول.
۱۳. هادوی نیا، علی اصغر (۱۳۸۷)، *فلسفه اقتصاد (در پرتو جهان بینی قرآن کریم)*، قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.



موضوع ویژه





مقدمه

اقتصاد توسعه یکی از شاخه‌های مهم علم اقتصاد است که در دوره بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان یک رشته علمی مستقل و دانشگاهی به رسمیت شناخته شد. تعاریف متعددی از توسعه ارائه شده است، برای مثال مایکل تودارو معتقد است که «توسعه را باید جریانی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است، سوق می‌یابد.» آمارتیا سن معتقد است، توسعه عبارت است از: افزایش توانمندی‌ها و بهبود استحقاق‌ها، نگاه آمارتیا سن یک نگاه انسانی است که براساس آن عوامل تعمیق و توانمندی‌های آدمی عوامل پیش‌برنده هستند و عوامل تقلیل و تضعیف توانمندی‌های او از عوامل بازدارنده هستند.

مهم‌ترین ویژگی‌های توسعه عبارتند از: افزایش امکان دسترسی بیشتر و سریع‌تر به کالاها و خدمات تداوم بخش آدمی (غذا، پوشاک، مسکن)، افزایش سطح استانداردهای زندگی و بهره‌مندی از مواهب مادی (درآمدهای بالاتر، آموزش، کیفیت، امنیت بیشتر) گسترش دامنه انتخاب‌های افراد و ملت‌ها و زندگی ارتقاء حقوق مدنی افراد، آزادی اندیشه، برابری در پیشگاه قانون و رفع تبعیض می‌باشد. توسعه از گذشته تاکنون مورد بحث اقتصاددانان کشورهای مختلف بوده است، بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از این که کشورهای استعمارزده از کشورهای استعمارگر آزاد و جدا شدند، به این نتیجه رسیدند که باید همانند کشورهای توسعه یافته، به پیشرفت برسند. کشورهای توسعه یافته نظریات خود را برای کشورهای جهان سوم مطرح کردند، اما برای آنها نتیجه‌ای را در بر نداشت، در نتیجه اقتصاددانان به این نتیجه رسیدند که نظریات توسعه با توجه به شرایط و ویژگی‌های مختلف کشورها متفاوت است.

از جمله کشورهای جهان سوم می‌توان به ایران اشاره کرد، با توجه به این که در این کشور نظام شاهنشاهی وجود داشته و آزادی‌ها محدودتر بوده است، نظریات توسعه غربی نتوانست پاسخگوی مراحل پیشرفت ایران باشد، از طرفی بعد از انقلاب اسلامی با توجه به دین اسلام و شرایط فرهنگی مختلف نظریات توسعه مختص ایران توسط اقتصاددانان ایرانی مطرح شد که از آن جمله می‌توان به نظریه دکتر حسین عظیمی اشاره کرد. ایشان بعد از دسته‌بندی جامعه به پویا، درحال گذار و سنتی نظریه و الگوی مناسب ایران را ارائه می‌دهند.

در پرونده علمی که شما خواننده عزیز پیش‌رو دارید به نظریات توسعه از دهه ۵۰ تا ۲۰۰۵ پرداخته شده است. نظریات توسعه با توجه به شرایط کشورها شکل گرفته و با گذشت زمان یا تکامل یافته‌اند و یا نقض شده‌اند.

در پایان از اساتید محترم، جناب آقای مجید رضایی، آقای هادوی‌نیا و آقای سید محمدباقر جعفری که در تکمیل پرونده‌ی علمی یاری کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم و از خدای متعال توفیقات روز افزون را برایشان آرزو مندم.

روند شکل‌گیری نظریه‌ی توسعه

در هر نظریه‌ای ابتدا یک سؤال مهم برای ارائه دهنده‌ی نظریه شکل می‌گیرد، بهتر است بگوییم فرد، پدیده‌ها را در نظر می‌گیرد، از شکل‌گیری پدیده‌ها، سؤال‌هایی ایجاد می‌شود، از سؤال‌های ایجاد شده، مهم‌ترین سؤال را برمی‌گزیند و در مورد آن به بحث و تحقیق می‌پردازد و نظریات خود را در مورد آن مطرح می‌کند.

تفاوت شکل‌گیری نظریات توسعه ایرانی با دیگر نظریات توسعه

در بحث توسعه‌ی ایرانی و نظریات مطرح شده‌ی ایرانی، که به شکل نظریه‌پردازی موجود باشند به صورت پراکنده کار شده است؛ برای مثال آقای درخشان در بحث اقتصاد نفت به بحث و تحقیق پرداخته و به تأثیر آن بر روی اقتصاد ایران مقالات متعددی ارائه داده است.

همان‌طور که گفته شد برای شکل‌گیری یک نظریه، باید یک سؤال مهم برای ارائه‌دهنده‌ی نظریه شکل بگیرد و بعد پیرامون آن به کاوش و تحقیق پردازد. حال سؤالی که پیش می‌آید، این است که در بحث توسعه ایران مهم‌ترین سؤال چیست؟ برخی این مهم‌ترین سؤال را در نفت ایران می‌دانند، چرا که نفت قسمت اعظم و کلیدی بودجه‌ی ایران را تشکیل می‌دهد، پس باید بگوییم در این حالت سؤال به شکل «نقش نفت در توسعه ایران چگونه است؟» مطرح می‌شود. برخی بحث آزادی را مطرح می‌کنند، در واقع سیستم موجود در ایران سیستم برنامه‌ریزی شده‌ای برحسب وجود قدرت شاهنشاهی قبل از انقلاب می‌دانند و توسعه را به جنبه‌ی آزادی ربط می‌دهند. نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این است که در ایران اقتصاددانی وجود ندارد که دوره‌های تاریخی ایران را مورد مطالعه قرار داده باشد و از آن به نظریات توسعه برسد. برای توضیح بیشتر می‌توان به کتاب ثروت ملل آدام اسمیت اشاره کرد، آدام وقتی کتاب خود را به نگارش در آورد از تاریخ انگلستان بحث می‌کند و مثال‌هایی از

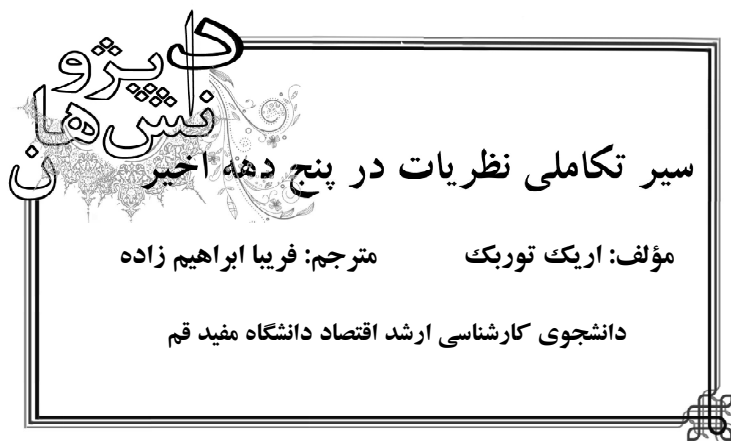
دوره‌های تاریخی مطرح می‌کند و بر این اساس ثروت ملل «علل افزایش ثروت ملت‌ها» را بیان می‌کند و به نظریه‌پردازی می‌پردازد. همین مثال نشان‌دهنده تسلط آدام اسمیت به تاریخ انگلستان است. از طرفی از تفاوت‌های آشکار شکل‌گیری نظریات توسعه ایرانی با دیگر نظریات توسعه به شرایط و عوامل موجود در کشور اشاره کرد. برای مثال در ایران بحث دین و آموزه‌های دینی (آموزه‌های شیعی) مطرح است، مسأله اصلی در ایران غیر از نفت، دین است آنچه در قرآن نوشته شده است شاید در متن نظریه‌پردازی مؤثر باشد، ولی در بحث توسعه نمی‌تواند نقش آفرینی اصلی را داشته باشد، از طرف دیگر ایران از نهادهای اجتماعی بسیاری تشکیل شده است.

نظریه‌های توسعه به نهادها بازگشت می‌کند. یک اقتصاددان ایرانی ابتدا باید نقش نهاد دین را در توسعه و شکل‌گیری نظریات مشخص کند، باید تعیین شود آیا دین توانسته نقش خود را در توسعه خوب ایفا کند؟ دقت کنید که صرفاً به علت اسلامی بودن به نهادها اشاره نمی‌کنیم، نهادگرایان در اقتصاد دارای مکتب خاص خود هستند و معتقدند اگر بخواهیم اقتصاد را تحلیل کنیم، باید با توجه به نهادها به تجزیه و تحلیل پرداخت، این مکتب بحث فقر را بحث اصلی خود نمی‌داند و می‌گوید فقر در نهادها شکل می‌گیرد.

تعیین نقش دین در توسعه و رسیدن به نظریه توسعه

در کشور ما اگر نقش دین در توسعه تعیین شود، می‌توان به نظریه توسعه دست یافت، فرض کنید نهادهای مالی که یکی از موثرترین نهادها در تولید ثروت است، آیا توانسته نقش خود را به خوبی ایفا کند؟ ابزارهای مالی اسلامی مانند صکوک آیا توانسته نقش خود را به خوبی ایفا کند؟ اگر نتوانسته عیب‌های اساسی آن کدام است؟ وقتی به این سؤال‌ها پاسخ گفته شود می‌توان به نظریه توسعه دست یافت.

بنابراین در کشور ایران اقتصاددان ایرانی برای ارائه نظریه خود علاوه بر شناخت و تسلط کامل به دوره‌های تاریخی باید به دین به عنوان یک نهاد توجه داشته باشد.



چکیده:

نوشته حاضر به بررسی سیر تکاملی نظریات توسعه پنج دهه اخیر پرداخته است که مهم ترین مباحث آن از دهه پنجاه تا دهه جاری این قرار است: پذیرش رشد در تولید ناخالص ملی به عنوان هدف و معیار توسعه. بررسی نظریه‌های «فشار بزرگ»، «رشد متعادل»، «خیز و رشد مستعد و پایدار» و «حداقل تلاش قابل توجه». توجه به مدل‌های ساده دویخشی برکشاورزی برای امرار معاش به عنوان یک منبع بالقوه از «نیروی کار نامحدود» و «مازاد کشاورزی» برای اقتصاد مدرن در دهه شصت. بی اعتبار شدن رشدتولید ناخالص ملی به عنوان اصل توسعه و بنا نهادن فرمول اولیه تودارو با اندازه‌گیری «نرخ مهاجرت». ارزیابی تأثیر بحران‌های مالی آسیایی، شرق و جنوب شرقی آسیا در روند رکودی فقر بلند مدت و توجه به تسکین فقر در یک صحنه وسیع به عنوان یک هدف اصلی توسعه عنوان شد در دهه نود. پدید آمدن برخی توجیهات نوین در دهه جاری مبنی بر این که جامعه توسعه یافته از نظریات بزرگ به وجود آمده است و نیز توجه به مسأله تعریف مؤسسات و سیاست‌هایی که منجر به یک الگوی رشد طرفدار فقر شد، به عنوان موضوع کلیدی در این دهه.

واژگان کلیدی: توسعه؛ نظریات توسعه اقتصادی؛ فشار بزرگ؛ رشد متعادل؛ اصول توسعه.

مقدمه

اریک توربک اقتصاددان امریکایی که به صورت گسترده در زمینه «اقتصاد توسعه» فعالیت داشته و مولف ۲۵ کتاب است و ۲۰۰ مقاله پژوهشی در مجلات معتبر اقتصادی، از جمله «تحلیل اقتصاد امریکایی» به چاپ رسانده است. وی سال‌های ابتدایی عمر خود را در اروپا گذراند. به عنوان دانشجو در مدرسه هلندی تبار اقتصاد مشغول به تحصیل شد و در سال ۱۹۵۷ دکتری خود را از دانشگاه برکلی کالیفرنیا اخذ نمود. وی در حال حاضر در دانشگاه کرنل صاحب کرسی تدریس است.

«سیر تکاملی نظریات اقتصاد توسعه» از جمله پژوهش‌های نامی ایشان در راستای طبقه‌بندی روشن و مشخص اصول علم اقتصاد توسعه می‌باشد. در نوشته پیش‌رو که ترجمه یک فصل از کتاب Advancing development core themes in global Geonomics است، به بررسی سیر تکاملی نظریات توسعه از دهه ۵۰ تا دهه جاری از دیدگاه اریک توربک پرداخته شده است.

اصول توسعه طی دهه ۵۰

در این دهه رشد اقتصادی عمده هدف سیاسی در کشورهای کمتر توسعه یافته و تازه استقلال یافته گردید. این باور به طور گسترده شایع شد که به خودی خود با رشد اقتصادی و مدرن سازی، دوگانگی درآمد وابسته و نابرابری اجتماعی که ناشی از آن است از بین خواهد رفت. این گونه تصور می شد که اهداف اقتصادی و اجتماعی در گرو رشد GNP هستند. پذیرش رشد GNP به عنوان هدف و نیز معیار توسعه مستقیماً مربوط به دهه ۵۰ میلادی است. کمک های تئوریک اصلی که انجمن توسعه را طی این دهه راهنمایی می کرد درون یک چارچوب یک بخشی متراکم در نظر گرفته شده و بر نقش سرمایه گذاری در فعالیت های مدرن تأکید می کرد. ابزار کار اقتصاددانان توسعه در دهه ۵۰ شامل تئوری ها و مفاهیمی همچون نظریه «فشار بزرگ» از Rosenstein-Rodan در سال ۱۹۴۳، نظریه «رشد متعادل» از Nurkse در سال ۱۹۵۳، نظریه «خیز در رشد مستعد و پایدار» از Rostow و نظریه «حداقل تلاش قابل توجه» از Lechenstein در سال ۱۹۵۷ بود.

علاوه بر چارچوب متراکم، به طور کلی، چیزی که همه این مفاهیم در بردارند، برابر نمودن رشد با توسعه و مشاهده رشد در کشورهای کمتر توسعه یافته که ضرورتاً به عنوان یک فرآیند غیرمستقر نیاز به یک تزریق معجزا و بزرگ سرمایه گذاری دارد، می باشند. نظریه «فشار بزرگ» بر اهمیت صرفه جویی مقیاس در تسهیلات بالا و صنایع پایه تأکید داشت. نظریه «رشد متعادل» (از نرکس در سال ۱۹۵۳) بر ذات اقتصاد خارجی طرف تقاضا در یک توسعه همزمان دو جانبه از یک مجموعه فعالیت های تولیدی مکمل که با یکدیگر برای افزایش اندازه بازار ترکیب می شوند، تأکید می کرد. این نظریه به شدت تحت تأثیر مدل توسعه و عملکرد موفق اتحادیه جماهیر شوروی بین سال های ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۰ بود. تأکید بر نقش برابر سرمایه گذاری به عنوان یک تکان دهنده اولیه از رشد در ادبیات معیار سرمایه گذاری در دهه ۵۰ یافت می شود. معیارهای کلیدی در این دهه عبارتند از:

۱. معیار «تولید نهایی اجتماع» (از Kahn در سال ۱۹۵۱ و Chenevy در سال ۱۹۹۵).

جانشین‌ها

۲. معیار «خارج قسمت سرمایه‌گذاری نهایی به ازای هر فرد» (از Galenson و Leibenstein در سال ۱۹۹۵).

۳. معیار «سهم رشد نهایی» (از Eckstein در سال ۱۹۷۵).

استفاده از مدل‌های یک بخشی از انواع مدل‌های هارود - دومار به عنوان یک چارچوب تجزیه‌ای به شدت فراگیر شد، چرا که تابع تولید ساده و کلانی داشت که بر سرمایه‌گذاری به عنوان تنها عنصر در پیدایش زیرساخت‌ها، تأکید می‌کرد. در یک دنیای یک بخشی، GNP به وسیله فشار نرخ سرمایه‌گذاری (سهم سرمایه‌گذاری در GNP) به بالاترین حد سازگار با تراز پرداخت‌ها می‌رسد. چه در غیاب ساختارهای تئوریک و چه در غیاب اطلاعات تجربی در تعیین تولیدات کشاورزی، گرایش به سمت برابری بخش مدرن با تولید بالا از سرمایه‌گذاری و بنابراین تمایل اکثر سرمایه‌گذاری‌ها به بخش مدرن و شکل‌گیری سرمایه سر جمع می‌بود. معمولاً در تشکیلات پرسود اطمینان بر مدل‌های کلان تنها به خاطر تعاریف به روز در آن دوران نبود، بلکه مدل‌های کلان به وسیله سیستم اطلاعاتی در دسترس دهه ۵۰ که شامل حساب‌های درآمد ملی تقریباً انحصاری بود، قابل اطمینان می‌شد.

اطلاعات غیر کلان در قالب جداول ورودی - خروجی در کشورهای در حال توسعه و فقط در دهه ۶۰ ظاهر شدند. استراتژی توسعه غالب در دهه ۵۰ مستقیماً و به صورت منطقی از مفاهیم نظری بحث شده در قسمت‌های قبل، پیروی می‌کند. صنعتی‌سازی به عنوان موتور رشدی محسوب می‌شد که می‌توانست مابقی اقتصاد را به دنبال خود به پیش براند. بخش صنعت نقش دینامیکی را در مغایرت با بخش کشاورزی (که نوعاً یک بخش انفعالی و فشرده و تحت تبعیض می‌بود) را داشت. به ویژه تصور می‌شد که صنعت، به عنوان بخش پیشرو، فرصت‌های شغلی جانشینی را برای نیروی کار کشاورز ایجاد و تقاضای فزاینده برای مواد غذایی و مواد خام را به وجود می‌آورد.

در یک نگاه گسترده، برای به حرکت درآوردن روند رشد صنعت، می‌بایست کشاورزی از روش سنتی‌اش دست بردارد تا بتواند سوخت لازم را در رشد صنعتی

فراهم کند. طی استراتژی «صنعتی سازی اولیه» تبعیض قائل شدن بین کشاورزی و صنعت به نفع صنعت و به ضرر کشاورزی اشکال گوناگونی پیدا کرد. در ابتدا تعداد زیادی از کشورها سیاست‌هایی در جهت پایین نگه داشتن قیمت مواد غذایی به نسبت مواد صنعتی را اعمال کردند. یک هدف از اعمال چنین سیاست‌های قیمتی، تهیه سوخت ارزان برای کارگران شهری و در نتیجه سرازیری توزیع درآمد بر حسب علایق بود. از ابزارهای تبعیضی استفاده شده دیگر، تخصیص یک مقدار حداقل از منابع عمومی به هزینه‌های جاری و سرمایه‌ای در بخش کشاورزی یا دلسرد کردن بنگاه‌های روستایی در کشاورزی بود. در برخی کشورهای در حال توسعه بزرگتر (مانند هند و پاکستان) دسترسی آسان به کمک‌های غذایی در شرایط بسیار آسان به پایین نگه داشتن قیمت محصولات کشاورزی کمک می‌کرد. از ابزارهای اصلی پرورش «صنعتی سازی» در ابتدای مراحل توسعه، جانشین واردات مخصوصاً در کالاهای مصرفی و کالاهای بادوام بود. این رویکرد درونی نسبت به رشد صنعتی منجر به پیدایش تعدادی صنایع بی کفایت شد، اما با این حال نمی‌توان نتیجه گرفت که پافشاری بر سرمایه‌گذاری در بخش مدرن شهری در فعالیت‌های تولیدی کالاهای جانشین واردات از همه نظر نامطلوب بود. این مراحل به شروع توسعه صنعتی و به رشد بخش مدرن کمک کرد و نیز ممکن بود به یک آسودگی نسبی در ترازهای پرداخت بینجامد، هر چند تأثیرات بلندمدت تبعیض علیه صادرات منجر به منفی شدن تراز پرداخت‌ها می‌گردد.

سیر تحولی اصول توسعه‌ی دهه ۶۰

اصول توسعه دهه ۶۰ به وسیله یک چارچوب آنالیزگر بر پایه اقتصاد «دوگانه» محاسبه شده است. از آنجایی که اصول توسعه دهه ۵۰ به صورت مفهومی به وجود قسمت عقب افتاده اقتصاد مدرن پی برد، به همین دلیل یک احساس نیاز به چارچوب دوگانه‌ای برای توضیح نقش‌های این دو بخش ناهمگون به وجود آمد. مدل‌های ساده

دوبخشی (از a`lalewis در ۱۹۵۴) بر کشاورزی برای امرار معاش به عنوان یک منبع بالقوه از «نیروی کار نامحدود» و «مازاد کشاورزی» برای اقتصاد مدرن تأکید می‌کند. این گونه تصور می‌شد که کشاورزان می‌توانند از کشاورزی در حد بخور و نمیر خلاص شوند. به گونه‌ای که به صورت همزمان سرمایه خود را بر پشت هاشان حمل می‌کنند، یا حداقل بدان دسترسی دارند. همچنان که مدل‌های اقتصادی دوگانه کامل‌تر می‌شدند، وجود وابستگی میان صنایع پیشرفته و کشاورزی عقب افتاده مجبور به واگذاری منابع به بخش صنعتی (یعنی بخشی که لیاقت جذب منابع را داشت) شد. به هر حال نه رها کردن منابع و نه جذب آن برای تحقق توسعه اقتصاد کافی نبود. شناسایی این وابستگی خود، قدم بزرگی در پیش روی تجویز صنعتی سازی اولیه بود.

در این دهه انتقال تدریجی با در نظر گرفتن نقش کشاورزی در توسعه روی داد. بدین ترتیب که به جای حساب کردن کشاورزی معیشتی به عنوان بخشی از منابعش به عنوان سوخت رشد صنعت و برای برخی کشاورزی‌های مدرن استفاده می‌شد، این نوع کشاورزی به یک عرضه‌کننده منابع به جهت فعالیت و برابری با صنعت تبدیل شد. مراحل به هم پیوسته جریان ناخالص منابع از صنعت به کشاورزی می‌تواند بسیار مهم باشد، چون در یک گام اولیه از توسعه برای ایجاد افزایش در کشاورزی و تولید می‌تواند روند استخراج را از کشاورزی به بخش مدرن آسان کند. مشکل تعریف جانشینی که در توصیفات دهه ۵۰ ظاهر شد، از فشرده کردن خیلی شدید یا خیلی زود کشاورزی در مراحل توسعه‌ای بدین صورت توصیف شده است: «غاز کشاورزی عقب مانده قبل از این که تخم طلا بگذارد از گرسنگی خواهد مرد» (Thorbecke ۱۹۹۳).

در دهه ۶۰ موضوع رشد متعادل (یا تراز) در مقابل رشد غیرمتعادل (ناتراز)، بیش از هر بحث دیگری مورد مذاکره قرار گرفت. تئوری رشد متعادل در هستی (از Nurkse در سال ۱۹۵۳) بر نیاز برای رشد از تولید برای سازگاری بیشتر با رشد تفاضلی از تقاضا در کالاهای مختلف به جهت افزایش درآمد، تأکید می‌کرد. از طرف دیگر رشد

غیرمتعادل عدم توانایی تصمیم گیری را در بخشهای خصوصی و عمومی به عنوان تنگنای اصلی توسعه بیان می کرد (از Hirshman در ۱۹۵۸).

صدور فرمانی مبنی بر قطع این تنگنا منجر به ایجاد یک ترتیب از ظرفیت فزونی موقتی امکانات کلی می شد که با ایجاد یک محیط خلأ و جذاب فیزیکی می توانست به تشویق فعالیت های تولیدی مستقیم بینجامد. این مراحل می توانست به صورت جانشین به جهت فراهم آوردن یک سری فعالیت تولیدی مستقیم در برابر تقاضا برای پروژه های پیش روی اجتماع را ایجاد کند.

شباهت های میان تئوری های تراز و غیرتراز مهم تر از تفاوت های ظاهری آن هاست. هر دو تئوری بر نقش اتصال درون بخشی در مراحل توسعه تأکید می کنند. در یک تعریف دقیق آن ها چارچوب اقتصاد دوگانه را به سمت یک اقتصاد چندگانه پیش می برند. بدون این که تفاوت های ضروری در تکنولوژی و نوع سازماندهی میان فعالیت های مدرن و سنتی را در نظر بگیرند. حتی در مورد شاخه های متنوع صنعت، سطح کلان، به همراه فعالیت های کشاورزی و خدماتی بسیار کم که در بیش از دو یا سه بخش انجام می شود به سطح خیلی بالایی میل می کند.

در نتیجه، هر نوع کوشش در تمیز دادن فعالیت های سنتی، نیروی کار متمرکز از فعالیت های مدرن سرمایه بر چه در کشاورزی و چه خدمات نمی تواند در جداول ورودی - خروجی اصول دارای شرایط رده بندی داده شود. این مثال وابستگی میان سیستم اطلاعات قالب و چارچوب مفهومی در فرمول نقشه ها استراتژی های توسعه را شرح می دهد. این بحث متعاقباً بررسی خواهد شد.

سهم دیگر اواخر دهه ۶۰ در آنالیزهای ورودی - خروجی درون بخشی و تئوری محافظت مؤثر (effective-protection) تعبیه شده است. این آنالیزها، سنجه های هزینه بازدهی ایستا از جانشین واردات وقتی که هر دو ورودی و خروجی طبق قیمت های جهانی ارزش گذاری شده اند را روشن می کند. مفهوم مهم دیگری که در دهه ۶۰ پدید آمد، مربوط به ساختار و الگوی رشد اقتصادی است. هر دو مفهوم یک

بینش مهم در ساختار درون بخشی همراه با تغییر تولید و تقاضا را در سراسر مراحل توسعه اقتصادی به دست می‌دهند. مفهوم اول بر پایه فعالیت‌های Kuznet در سال ۱۹۶۶ بنا شد که بر یک تحلیل تاریخی مشکل و دقیق از تعداد زیادی کشور به دست آمد. مفهوم دوم که به وسیله Chenery و بر پایه تحلیل‌های مقطعی صورت گرفت، به تحلیل‌های پسرقتی که به پدیده ساختاری در مراحل توسعه می‌انجامد اعتراض می‌کند. مدل‌هایی که در دهه ۶۰ طراحی شد به سه دسته تقسیم می‌شود: مدل‌های روشکافی؛ مدل‌های نیمه ورودی - خروجی؛ مدل‌های تعادل عمومی ساده.

مدل اول سعی می‌کند تا به مدل اقتصاد کلان یک نقش کمکی خارجی را پیوند دهد (توسط Chenery و Strout در سال ۱۹۶۶). منطق پشت این مدل‌ها این است که دو قید مستقل ممکن است رشد اقتصادی را محدود کند. قید اول بر توانایی‌ها و پس‌اندازهاست. بدین صورت که اگر یکی در حال قید بستن به دیگری است، به عنوان رشد سرمایه - محدود توصیف می‌شود. به صورت مشابه وقتی قید تراز پرداخت‌ها در میان باشد، رشد تجارت محدود پیش خواهد آمد.

در مدل غیرمتعادل فرض می‌شود کشورهای در حال توسعه به وسیله انعطاف ساختاری محدود به همراه شکاف سرمایه‌گذاری - پس‌انداز یا بستن شکاف تراز پرداخت‌ها در هر نقطه از زمان توصیف می‌شوند. انواع دیگر مدل‌ها (دوم و سوم) بر چارچوب ورودی - خروجی درون بخشی بنا شده‌اند. روش نیمه ورودی - خروجی ابتکاری از Jon Tinbergen بود که بخش‌های بین‌المللی تولیدکننده کالاها را تجارت پذیر را از بخش‌های ملی که تولیدکننده کالاها را تجارت ناپذیر هستند، جدا کرد. پس توسعه حجم لازم در مراحل رشد می‌تواند برای دست کم بخش‌های غیرتجاری محاسبه شود. مدل‌های تعادل عمومی که در دهه ۶۰ مطرح شدند یک نوع برنامه‌نویسی خطی یا ثابت بودند. هدف اصلی این مدل‌ها تاباندن نور بیشتر بر پیوند میان بخشی و تأثیرات تخصیصی سرمایه‌گذاری بر رشد اقتصاد بود (Fox et al در سال ۱۹۷۲ و Manne در سال ۱۹۷۴). مفهوم توسعه اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ عمدتاً بر رشد GNP

به عنوان هدف کلیدی متمرکز بود، به خصوص که رابطه میان رشد و تراز پرداخت‌ها به صورت واضح‌تری بیان شد.

اما همزمان با پایان این دهه و اهمیت یافتن مسأله اشتغال و بیکاری در کشورهای در حال توسعه، مسأله اشتغال در کنار رشد GNP به یک هدف تبدیل شد. غالب استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه‌ای در دهه ۶۰ مستقیماً ناشی از سهم مفهومی اهداف توسعه و سیستم اطلاعات بود. این سیاست‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند که به اختصار در زیر می‌آید:

دسته اول، و شامل نظریات نئوکلاسیک تحت عنوان fine-tuning و Appropriate prices بیان می‌شود. در یک نگاه سطحی می‌بینیم که ابزار نظریه Fine tuning استفاده از یک سیستم قیمت مناسب (شامل کالا، مالیات و نرخ سوبسید)، رفع نقص بازار، نرخ مبادله مناسب و سیاست‌های تبلیغاتی می‌باشد. انتظار می‌رفت که این سنج‌ها به یک ترکیب تولیدی مناسب‌تر میان فعالیت‌های تولید و ترکیب ورودی یا انتخاب تکنیک و سپس افزایش اشتغال بینجامد.

دسته دوم سیاست‌ها که در ساختار ضروری رده‌بندی می‌شوند، بر اهمیت پیوندهای درون بخشی تأکید می‌کند و آن شامل تخصیص سرمایه‌گذاری و هزینه‌های عمومی جاری در میان بخش‌هاست، سپس به عنوان دستیابی مراحل رشد تراز داخل بخشی (یا در بعضی موارد غیرتراز) به صورت خاص در اواخر دهه ۶۰، کشاورزی به یک نقش فعال‌تر در مراحل توسعه دست پیدا کرد. در تهیه یک سطح بالاتر از منابع عمومی به بخش دیگر ترکیب شده با سیاست‌های تبعیض قیمتی کم، این انتظار می‌رفت که رشد از تولید به رشد در دیگر بخش‌های اقتصاد منجر شود.

در این دهه موفقیت کره جنوبی و تایوان در پرورش بخش کشاورزی و استفاده از مازاد کشاورزی برای دست یافتن به یک take off صنعتی موفق شروع به طنین انداختن کرد.

سیر تحولی اصول توسعه طی دهه ۷۰

در طی سال‌های دهه ۷۰ میلادی، شکست استراتژی‌های توسعه‌ای GNP محور برای غلبه موفقیت‌آمیز بر مشکلات توسعه‌ای جدی و فزاینده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منجر به امتحان دوباره توسعه اجتماعی - اقتصادی در این کشورها شد. مشکلات عمده توسعه‌ای که تبدیل به بحران شده بود و نادید انگاشتن آن‌ها دیگر غیرممکن شده بود را بدین صورت خلاصه کرده‌اند:

۱. روند افزایش بیکاری در بسیاری از کشورهای در حال توسعه.
 ۲. توزیع نابرابر درآمد در کشورهای جهان سوم. (به گونه‌ای که توزیع نابرابری که در اوایل دوره بعد از جنگ جهانی وجود داشت، هنوز باقی مانده بود).
 ۳. تعداد بسیار زیاد و در حال افزایش مردم بسیار فقیر که دارای سطح درآمد زیر استاندارد زندگی بودند.
 ۴. ادامه و تسریع روند مهاجرت از روستا به شهر و در نتیجه شلوغی و تراکم جمعیت در شهرها.
 ۵. و در آخر بدتر جلوه دادن وضعیت بیرونی بسیاری از کشورهای در حال توسعه که به وسیله فشارهای فزاینده تراز پرداخت‌ها و گرفتن وام‌های خارجی و بار سنگین بدهی به خارجیان منعکس می‌شد.
- یک نتیجه‌گیری بدین صورت است که هر چه توزیع درآمد برابرتر باشد، مخصوصاً با تقلیل فقر مطلق، وزن بیشتری را برای تابع رجحان در کشورهای در حال توسعه در خصوص رشد کلان شاهد هستیم. بنابراین، این تقلیل فقر مطلق منجر به افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در تولید و در بخش‌های سستی شد.
- در اواسط دهه ۷۰، GNP دیگر به عنوان هدف اصلی و غالب در بسیاری از کشورها فاقد اعتبار شد. این فرضیه، که رشد کلان هم معنا با توسعه اجتماعی و اقتصادی است و این که این دو جانشین یکدیگرند وارد یک نقد جدی شد و حتی از بسیاری از چرخه‌ها خارج شد.

شروع «برنامه اشتغال جهانی» به وسیله ILO در سال ۱۹۶۹، شروعی بود بر این که هدف اولیه باید بالا بردن سطح زندگی فقرا به وسیله بالا بردن فرصت‌های شغلی باشد. ایجاد فرصت‌های جدید و بیشتر شغلی وسیله‌ای برای پیشرفت و دستگیری از فقرا شد. تغییر معنی توسعه به عنوان هدف همزمان رشد و تسکین فقر، هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر از عوامل تجربی و مفهومی بود. دسته اول این عوامل تحت عنوان کامل کردن توسعه کشاورزی و روستایی تعریف شد. همه مطالعات تجربی در سطوح خرد و کلان فیزیولوژی و دینامیک با یکدیگر ترکیب شدند تا یک شرح از مراحل دگرگون سازی کشاورزی سنتی را به دست دهد. این ترکیب از علوم منجر به پیدایش استراتژی «تک مؤالی» در نواحی روستایی شد که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

مفهوم دیگری که در دهه ۷۰ میلادی مطرح شد، شامل بخش غیررسمی و نقش اشتغال در دوره‌های توسعه‌ای دیگر بود. مفهوم «بخش غیررسمی» برای مدت طولانی وجود داشته و انواع گوناگونی پیدا کرده است. تأکید Gandhi بر صنعت سنتی باعث شد که این مفهوم در ILO (International Labaour Organization) دوباره زنده شود. تعدادی از مواردی که تحت تعهد ILO مطالعه و بررسی می‌شد به صورت خاص روی نقش پایانی بخش غیررسمی متمرکز بود که این امر به گونه بی وقفه و معمولاً بسیار زیاد مورد تبعیض قرار می‌گرفت.

این‌ها خود نتیجه نقض بازار، ملیت نامناسب و نقض قوانین شهری بود. مطالعات صورت گرفته در این زمینه این نتیجه را به دست می‌داد که فعالیت‌های غیررسمی یک منبع بالقوه مهم از رشد در اشتغال و رشد در تولید می‌باشد. برنامه اشتغال جهانی (WEP) در ILO و بانک جهانی، تحقیقات تجربی مفیدتری را با محوریت موضوعاتی مانند رابطه میان رشد جمعیت و اشتغال، تکنیک‌های کاربری مناسب، توزیع درآمد در سیستم بازار نیروی کار، سیستم تحصیلی، بخش غیررسمی، محاسبه روند مهاجرت از روستا به شهر و نقش کشاورزی سنتی در مراحل توسعه، به دست دادند.

سومین مفهوم ارائه شده در دهه ۷۰ میلادی مبتنی بر ارتباط میان متغیرهای اقتصادی و جمعیتی با مهاجرت روستایی - شهری بود. بسیاری از مطالعات تجربی، اکثراً در سطوح کوچک، تلاش می‌کردند روی روابط میان یک چنین متغیرهایی متمرکز شوند، مانند:

۱. تحصیل، تغذیه و سلامت.

۲. باروری، مرگ و میر کودکان و در کل نرخ تولد.

فرضیه‌هایی که آشکار شد، همان طبیعت ساده میان رشد جمعیت و توسعه اقتصادی را می‌نمایاند. اندازه‌گیری نرخ مهاجرت، فرمول اولیه مدل Harris - Todaro رشد و پایه یک سری مطالعات تجربی و مدل‌های ساده مراحل مهاجرت در سال ۱۹۷۰ را بنا نهاد. عموماً، مهاجرت بدین صورت تعریف می‌شد: «مهاجرت تابعی است از دیفرانسیل دستمزد شهری - روستایی با فرض احتمال پیدا کردن یک کار در یک دسته از مقالات مبنی بر تلاش در یکی کردن اهداف اقتصادی - اجتماعی در سطوح کوچک بود.» مانند اشتغال و توزیع درآمد با قید ضوابط سرمایه‌گذاری (هزینه - فایده) و ارزیابی در انتخاب پروژه‌ها. یک بازنگری به مقالات جدید در اقتصاد توسعه بدون لااقل یک اشاره به ادبیات نئومارکسیستی بر توسعه و تئوری‌های وابسته، کامل نخواهد بود. ماهیت این تئوری‌ها در این است که توسعه نیافتگی در دنیای تجارت و در سیستم قدرتی که در آن کشورهای در حال توسعه در تولید مواد خام فعالیت می‌کنند ولی کشورهای توسعه یافته در مراکز پیشرفته صنعت فعال هستند، یک امر ذاتی است (از Hunt در سال ۱۹۸۹). سیستم مستعمراتی بهره‌برداری جدید به وسیله طبقات طبیعی مرتبط با مراکز خارجی (مثل شرکت‌های چندملیتی) برای جایگزینی با سیستم‌های مستعمراتی پیشین در نظر گرفته شد.

بعد از بازنگری مقالات اصلی توسعه فقط کافی است کمی راجع به طبیعت مدل‌های به وجود آمده در دهه ۷۰ بحث کنیم. مشخصه اصلی این مدل‌ها در سطوح یک بخشی و چند بخشی، اندازه‌گیری همزمان تولید، اشتغال و توزیع درآمد است که

باید توضیح داده شود. در بیشتر این موارد وابستگی کامل میان این متغیرها لحاظ نشده است. پوشش دهی و کیفیت اطلاعات در دسترس در این دهه نسبت به دهه های گذشته پیشرفت کرد.

در اواسط دهه ۷۰، زمینه ارزیابی اطلاعات در متغیرهایی مانند اشتغال، درآمد، الگوهای مصرف و پس انداز به وجود آمد. تعدادی از این ارزیابی ها که شامل گروه های گوناگون خانوارهای شهری و روستایی را پوشش می دادند، شروع به تهیه اطلاعات ارزشمند در رفتارهای مصرف و پس انداز گروه های اقتصادی - اجتماعی مختلف کردند. برای اولین بار در تعدادی از کشورهای در حال توسعه تخمین تقریبی توزیع درآمد به وسیله گروه های اصلی اقتصادی - اجتماعی صورت گرفت.

بعد از بازنگری اهداف توسعه ای متغیر و بررسی مقالات مفهومی و منابع اطلاعاتی در دهه ۷۰ به توصیف و تحلیل مختصر استراتژی های توسعه ای جدید خواهیم پرداخت. از یک دیدگاه که طبق آن رشد، یک شرط کارا و لازم برای دستیابی به توسعه اجتماعی - اقتصادی است، این موضوع به صورت چشمگیری برداشت می شود که در صورت لزوم باز هم ممکن است رشد، کارا نباشد.

اولین گام برای حرکت از اهداف توسعه ای ساده به سمت اهداف چند منظوره، مربوط به یکی کردن اشتغال در نقشه های توسعه و تخصیص کمک های بیگانگان به پروژه ها و رسیدگی های تکنیکی است. یک ویژگی احتمالی اشتغال که باعث شد تا به صورت یک «هدف» برای توسعه قرار بگیرد، شاید در ظاهر، این بود که میزان اشتغال به سادگی قابل اندازه گیری است. به گونه ای که اشتغال مانند نرخ رشد GNP یک سنجه مقیاسی ساده توسعه در دوره های گذشته را به دست می دهد. هدف عمده اشتغال ایجاد پیشرفت در سطح زندگی استاندارد برای همه افراد جامعه و مخصوصاً برای گروه های فقیرتر می بود. دو جزء مغایر، اما دارای اشتراک از یک استراتژی مربوط به توزیع در این دهه ظاهر شد. این دو جزء تحت عناوین «توزیع مجدد همراه با رشد» و «نیازهای اساسی» مطرح شدند.

در استراتژی اول، نخستین قدم انتقال تابع رجحان (یا رفاه) از ثروت به سمت رشد کلان برای کاهش فقر بود. این استراتژی که مورد توجه بانک جهانی قرار گرفت، بر روی توزیع مجدد و لااقل شکل دهی سرمایه در مقایسه با ذخیره اولیه دارایی‌ها متمرکز شد. از آنجایی که بدنه فقر در بخش‌های روستایی و بخش‌های فقیرنشین شهری قرار داشت، این استراتژی می‌باید به سمت کشاورزی‌های خرد و کارگران دوره گرد هدایت می‌شد و برای تولیدکنندگان کوچک (معمولاً خوداشتغالان) در بخش‌های فقیرنشین استراتژی دوم که در دهه ۷۰ عملی شد، استراتژی «نیازهای اساسی» بود که به صورت خاص مورد حمایت ILO قرار گرفت. این استراتژی دارای دو بخش بود:

۱. تأمین حداقل نیازها برای مصارف خصوصی مانند غذای کافی، سرپناه و لباس.
 ۲. سیاست‌های تکمیلی در داخل به کشاورزی جهت تکمیل کردن توسعه روستایی.
- در یک نگاه سطحی تعریف جدید متمرکز بر قرض دادن و فعالیت‌های تکنیکی بود که به بخش‌های سنتی سود می‌پرداخت. این استراتژی، یک استراتژی توسعه کشاورزی عریض و به اصطلاح «تک مُدالی» موافق و همراه بود (Kidly & Johnston در سال ۱۹۷۵).

استراتژی دوم بر کاربرد شایع تکنولوژی کاربر به همه بخش کشاورزی تکیه داشت. در حقیقت این استراتژی بر پایه مدرن‌سازی تصاعدی کشاورزی (بالا رفتن از پائین) بنا شده بود. تحت مفهوم «تک مُدالی» توسعه کشاورزی به صورت مرتبط و حتی بالاتر از انبوه مردم با یک ترکیب از تحقیقات کشاورزی و تکنولوژی، توزیع مجدد زمین، قوانین زیربنایی روستایی، رشد نهاد روستایی و سنجه‌های دیگر گسترش یافت. این تعریف به لحاظ شتاب دادن به تولید غله و نیرو دادن به کشاورزهای خرده پا که در انتشار جنبش موسوم به «انقلاب سفید» مؤثر بودند، مورد بررسی واقع شد.

نوع سوم، استراتژی توسعه پیرو تئوری‌های توسعه نیافتگی کتب نئومارکسیستی و تئوری‌های وابسته می‌باشد که قبلاً مورد بررسی قرار گرفت. این مفهوم طبیعتاً اگر انقلابی نباشد تندرو و اصلاح طلب است. این تعریف برای توزیع مجدد دارایی‌های

بزرگ است و برای مدل وسایل تولیدده دسته‌جمعی (که به گونه‌ای در میان خطوط رژیم چین در قدرت آن زمان بود) بر پایه خوداتکایی و اتخاذ تکنولوژی بومی و انواع سازمان دهی بود.

نظریات توسعه دهه ۸۰ میلادی

تقارن یک سری وقایع مانند بدهی سنگین به خارج که بازتاب تأثیرات افزایشی دهه‌های استقراض آشکار به وسیله ترازهای پرداخت بزرگ و فزاینده و کسری بودجه در بیشتر کشورهای در حال توسعه بود، به علاوه نرخ‌های بهره بالاتر و رکود اقتصادی در کشورهای اعتباردهنده خیلی سریع جریان توسعه را در شروع دهه ۸۰ تغییر داد. بحران مالی مکزیک در سال ۱۹۸۲ به سرعت به قسمت‌های دیگر جهان سوم سرایت کرد. مقدار بحران بدهی (حداقل برای مدتی) به سؤالی مبنی بر بقای سیستم مالی بین‌المللی تبدیل شد. ناگهان، موفقیت تعادل خارجی (تراز پرداخت‌ها) و تعادل داخلی (بودجه) تبدیل به اهدافی آرمانی و ایجاد شرایط لازم به از نو بازسازی کردن رشد اقتصادی و کاهش فقر شد.

بحران بدهی به «دهه گمشده توسعه» تبدیل شد. پیش از این که مسیر توسعه و تشکیل فقر بتواند از سر گرفته شود، جهان سوم باید خود را با ابزار دردآور تثبیت‌کننده و سیاست‌های تنظیم ساختاری آشنا می‌کرد. به رغم وجود این حقیقت که مراحل توسعه موقتاً به بن‌بست می‌رسید و به رغم این که بیشتر توجهات جامعه توسعه‌ای بر تنظیم و تعدیل موضوعات (اهداف) متمرکز شده بود، برخی مقالات مهم تئوری توسعه‌ای طی این دهه بوجود آمد.

نخستین دانشی که ما را غنی ساخت، توجه به نقش سرمایه انسانی به عنوان یک محرک عمده توسعه بود. اصطلاح «مدرسه رشد Endogenous» (از لوکاس در سال ۱۹۸۸ و رومر در سال ۱۹۹۰) نبود سرمایه انسانی را به عنوان مانع اساسی حرکت به

سوی موفقیت و عدم توانایی بالقوه اقتصاد معرفی می‌کند که می‌تواند در طی صنعتی سازی پدیدار شود. در یک تابع تولید اجتماعی، نیروی کار غیرماهر (یا خام) و سرمایه انسانی و دانش ولی در جهت بازیافت فزاینده بزرگ نمای می‌شوند. مراحل توسعه‌ای این دوران به صورت پیش فرض از دو منبع ناشی می‌شدند:

۱. نوآوری‌های سنجیده و پرورش‌یافته به وسیله تخصیص منابع (شامل سرمایه انسانی) به فعالیت‌های تحقیق و توسعه.

۲. انتشار در بین پیامدهای خارجی مثبت و سرازیر شدن از یک بنگاه یا صنعت به بنگاه‌ها و صنایع دیگر به وسیله دانش چگونگی استفاده (Ray- ۱۹۹۸).

اگر سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و چگونگی استفاده اشخاص و بنگاه‌ها به سمت بازیافت‌های فزاینده و پیامدهای خارجی صحیح باشد، این بدین معناست که نفرات بعدی تمام سود را از برگشتی سرمایه‌گذاری خود به دست نمی‌آورند. بنابراین تحت شرایط سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی، تولید اجتماعی نهایی از سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی، بزرگ‌تر از تولید نهایی خصوصی است بازار مایل به کم کردن تولید با سرمایه‌های انسانی است و این نقش دولت را در آموزش پررنگ می‌کند.

دسته دوم مقالات بر پایه تعداد زیادی مطالعه کیفی و کمی تجربی می‌باشد. این مطالعات موردی صحیح و ساخته و پرداخته شده برای ارتباط میان تجارت و رشد بود. پیامدهای خارجی به صورت معنا دار و قوی همگام با رشد بوده است. کشورهایی که آزادی و تشویق تجارت را پیش گرفتند سریع‌تر از کشورهای با استراتژی محافظه کارانه پیشرفت کردند. مکانیزم صادرات همراه با رشد بر پایه انتقال تکنولوژی به روز است که معمولاً برای رقابت موفقیت‌آمیز به وسیله بنگاه‌ها انتخاب می‌شد. در «سرمایه انسانی» کارگران و مهندسان در طی مراحل «یادگیری با انجام دادن» و «یادگیری با نگاه کردن» به دیگر بنگاه‌ها در صنایع مشابه و صنایع نهایی سرازیر می‌شدند.

در این بحث جهت صادرات یک معنا از سرعت بخشی به مراحل تکنولوژیکی و رشد می‌باشد. از این گذشته به جهت گستردگی کشورهای در حال توسعه، در این

کشورها معمولاً پیشرفت رقابتی در صنایع کاربر دلایل بیشتری مبنی بر تجربیات شرق و جنوب شرقی آسیا را به دست می‌دهد.

دسته سوم مقالات که در دهه ۸۰ تدوین شده است، به صورت عمده مقابل فهرست بندی تحت عنوان «اقتصاد تأسیسی» جدید می‌باشد. (ویلیام سون در سال ۱۹۹۱ و نورث ۱۹۹۹) پیشرفت عمده روی رفتار استراتژیک توسط اشخاص و گروه‌های سازمان یافته متمرکز شده بود. تئوری اطلاعات ناقص و عمدتاً هزینه معاملات منطقی نمود به نقش مؤسسات به عنوان ابزاری برای کاهش هزینه معاملات نگاه شود.

چارچوب نئوتأسیساتی (Neo-institutional) علاوه بر یادآوری به جامعه توسعه یافته که مؤسسات مناسب قوانین بازی ضروری هستند، برای ایجاد مشوق‌ها (Pro-developments) و ضد شرکتی‌ها (Anti-developments) و همچنین سرمشق‌هایی برای تأسیس مؤسساتی را پیشنهاد می‌کرد که مجال رفتار فرصت‌طلبانه را کاهش می‌داد.

مقالات دیگر از این دست، منطق واضحی بر وجود «هیأت تبادل غیربازاری» مناسب را، مخصوصاً در نواحی روستایی به دست می‌دهد. مثال‌هایی از چنین مؤسساتی معاملات خانه دارها (یا فعالیت‌های درون خانه)، قراردادهای دو طرفه (مثل شرکت‌های سهامی و معاملات داخلی)، هم عملیاتی کشاورزان و سازماندهی‌های گروهی است. (از Thorbeck در سال ۱۹۹۳) تجربه «هیأت غیربازاری مبادله» (با نام مؤسسات اراضی از Bordhan در سال ۱۹۸۹) در هزینه‌های مبادلات کمتر از هزینه‌های غالب در بازار کالاهای جانشین با تهیه یک کالای مشابه، عامل یا خدمات وجود داشت. در بیشتر نمونه‌های بازار غیرکامل، در محدودیت خاص، شکست بازار (در نمونه‌ای که بازار جانشین وجود ندارد هزینه معامله بی نهایت است) در نهایت به خاطر هیأت غیربازاری است. دهه ۸۰ شاهد برخی مقالات مؤثر در بهتر فهمیدن مفهوم فقر و اندازه‌گیری آن بوده است. یک تعریف مفید و گسترده در زمینه آنالیز فقر به وسیله Sen در سال ۱۹۸۵ تحت عنوان «تئوری توانایی و عملکرد» ایجاد و منتشر شد.

بر طبق این چارچوب چیزی که بیشترین اهمیت را دارد آزادی فرد در انتخاب عملکردهایش است. بر طبق تئوری عملکرد یک فرد به حداقل سطحی از رفاه که دارای دسته‌ای از ویژگی‌هاست احتیاج دارد. از جمله کسانی که در زمینه سنجش فقر کار کرده‌اند می‌توان به این افراد اشاره کرد: (Foster- Greer- Thorbeck ۱۹۸۴) مقاله پایانی که تحت عنوان «اقتصاد نئو - تأسیساتی» قرار می‌گیرد، به فعالیت‌های به هم پیوسته توجه می‌کند. (از Bordhan در سال ۱۹۸۹). قرارداد به هم پیوسته، آن قراردادی است که در آن دو یا چند مبادله به طور همزمان اتفاق می‌افتد. (برای مثال وقتی یک صاحب ملک وارد یک توافق اجاره ثابت با یک مستأجر می‌شود و در آن واحد قبول می‌کند تا وامی با یک نرخ بهره معین برای مستأجرش فراهم کند). در بیشتر موارد این نوع از قرارداد به بازارهای عوامل به هم پیوسته برای نیروی کار، اعتبار و ملک می‌انجامد.

در نگاهی به گذشته، شاید طعنه‌آمیز به نظر برسد، ولی در طی دهه‌ای که ایمان به کارکرد بازار در آن حکمفرما بود (همان‌طور که بعداً بحث خواهیم کرد) مقالات و تئوری‌های مهمی با مضمون شکست‌ها و نواقص بازار ارائه شدند. یک سری از مقالات مهم در زمینه مدل سازی تعادل عمومی طی دهه ۸۰ ظاهر شدند (Denirisetal ۱۹۸۲). این مدل‌ها، که بر حسب ماتریس سال پایه اجتماعی اقتصاد اندازه‌گیری می‌شدند (یعنی SAM) بازتاب ساختار اقتصادی اجتماعی ابتدای سال پایه را به دست می‌دادند. در حقیقت این مدل‌ها تنها وسایل مقایسه تأثیر سناریوهای تعدیلی با سناریوهای تعدیل محدود یا غیرتعدیلی بودند. از آنجایی که بیشتر مدل‌های تعادل عمومی شماره‌پذیر (CGE) در دهه ۹۰ ساخته شده‌اند، از این رو، این مبحث در فصل بعد مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

دهه ۸۰ شاهد توسعه و بسط اطلاعات آماری در اندازه‌های متفاوت از توسعه و رفاه خانه دارها بود. در کنار اشتغال غیرمتراکم، تولید کردن، بررسی آماری و زراعتی و سرمایه‌گذاری آن توسط بانک جهانی صورت می‌گرفت (مثلاً بررسی سنجه زندگی

استاندارد) این بررسی‌ها برای موشکافی و سیاست‌گذاری در دسترس بود. شاید برای اولین بار مشاهدات واقعی و منطقاً قابل اطمینان مرتبط با اهمیت فقر، ویژگی‌های فقر و توزیع درآمد خانگی در دهه ۸۰ ارائه شده بود. از این گذشته، منابع اطلاعاتی مختلف می‌توانند برای ساخت SAM در تعداد زیادی از کشورها با یکدیگر ترکیب شوند. در این دهه استراتژی توسعه‌ای دهه ۷۰ (متمرکز بر توزیع مجدد همراه با رشد و تأمین نیازهای اساسی) با یک استراتژی تعدیلی جایجا شد. اهمیت بحران بدهی و عدم تعادل گسترده خارجی و داخلی روی داد. بدین معنا که تعدیل (حتی غیرمناسب) تبدیل به شرطی لازم برای ادامه توسعه شد.

هدف سیاسی اصلی دولت‌های جهان سوم پایداری اقتصاد کلان شامل دسته‌ای از سیاست‌های کاهش کسری تراز پرداخت‌ها (مثل تنزیل قیمت) و کاهش کسری بودجه از طریق مستحکم سازی بود. از آنجایی که تثبیت به خودی خود ناترازی میان تقاضای کل و عرضه کل را حذف می‌کند یا کاهش می‌دهد به تعدیل ساختاری برای کاهش تحریفات در قیمت‌های مرتبط و دیگر استحکامات ساختاری برای ننگ داشتن عرضه زیر مقدار بالقوه آن نیاز بود. یک بسته نوعی از تعدیلات شامل معیارهایی مانند تنزیل قیمت، براندازی تحریفات قیمت ساختگی، آزادی تجاری و تغییرات نهادی و عرفی بود. عوامل تکمیل‌کننده استراتژی تعدیلات غالب در دهه ۸۰ شامل گرایش خارجی، اعتماد به روند بازار و حداقل سازی نقش دولت بود. گرایش خارجی به معنای تشویق به صادرات و صنعتی‌سازی کالاهای کاربر بود. بنابراین، برای دستیابی به نقشی در دنیای رقابتی صادرات می‌باید تکنولوژی محصول وارد می‌شد که آن هم باعث راه‌اندازی رشد درونی می‌شد.

همانطور که قبلاً توضیح داده شد سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و دانش کارگران و مهندسان با استفاده از آن تکنولوژی‌ها و تأثیرات بعدی به وجود آمد. تحت تأثیر تغییرات ایدئولوژیکی در دنیای غرب (مثل ریگان Reagan و کلومت Thatcher) کشورهای در حال توسعه به شدت تشویق به اعتماد بر عملیات نیروهای

بازار و حداقل کردن نقش فعالیت دولت در بیشتر زمینه‌ها (نه فقط فعالیت‌های تولیدی) شدند. اما ناسازگاری‌ها و تناقضات ذاتی در میان عوامل استراتژی تعدیلات در دهه ۸۰ پدیدار شد.

پیاده‌سازی موفق سیاست‌های تعدیلی نیاز به دولتی قوی داشت. همچنین منطقاً نقش بزرگ‌تر دولت در محیط آموزشی تأثیرات اجتماعی داشت و تحصیلات تحت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را بی اثر می‌کرد. این آژانس‌های خصوصی، خروجی‌های مثبت از سرمایه‌گذاری خود نداشتند. تضاد دیگر به دلیل هدف تثبیت کاهش ناتعادلی تراز پرداخت‌ها بود. در حالی که به طور همزمان آزادسازی تجاری، عمدتاً طی زدودن محدودیت مقداری و کاهش تعادل سازی نرخ‌های تعرفه در حال اجرا بود. سنجه‌های دوم به صورت ثابت تری به یک افزایش قابل توجه در واردات هدایت می‌شد که می‌توانست بازگشت تعادل تراز پرداخت‌ها را مشکل‌تر سازد. در این جا دوبار پیاده سازی موفقیت‌آمیز سنجه‌های این چنین متناقضی نیاز به دولت قوی داشت. در این دهه که نقش آن توسط بیان بازار بیشتر «Pro-market» و دولت‌گرای «Anti-goverment» بازی می‌شد، تمایل شدیدی به مساعدت یکدیگر و داشتن جانشین گردش سرمایه وجود داشت. بنابراین، در اوایل دهه ۱۹۸۰ حکومت ریگان یک محیط حاصل خیز برای منتقدان محافظه کار از مساعدت بیگانگان ایجاد می‌کرد. کسی که یاری اقتصادی عملیات آزاد بازار را تخریب و توسعه بخش خصوصی را متوقف می‌کند. (۱۹۹۶:۱۴۳) Ruttan واضح است که تهدید بدهی یک تعدیل بر حذف مساعدت هاست. اعتباردهندگان هم بخش خصوصی و هم بخش عمومی در دنیای صنعتی شده در حال قمار مبلغ هنگفتی هستند.

اصول توسعه‌ای دهه ۹۰

تعدیلات و برنامه ریزی‌های نیمه نخست دهه ۹۰ اهداف غالب و برتری بودند. در حالی که بیشتر کشورهای لاتین آمریکایی (و برخی کشورهای آسیایی درگیر با بحران

بدهکاری) در حال پیشروی در مراحل تعدیلات دشوار و طی مسیر رشد بودند، روی هم رفته موقعیت هنوز یک موقعیت رکودی بود. رکودی که توسط دولت‌های ضعیف در افریقا و بیشتر اقتصادهای انتقالی در اروپای شرقی به وجود آمده بود. این موضوع برای کشورهای توسعه یافته روشن بود که تغییرات ریشه‌ای و ابتدایی برای کاهش فساد و زمینه سازی انتقال موفق از سوسیالیسم به تعدیلات موفق و اقتصاد دسوری به اقتصاد بازار، شرط لازم برای رسیدن به تعدیلات موفقیت آمیز و از سرگیری توسعه در اروپای شرقی و افریقا بود. به صورت بالقوه، سازماندهی سیاست‌ها بر عمق «معجزه» آسیای شرقی می‌افزود. در نیمه دوم دهه ۹۰ بحران‌های مالی آسیایی، شرق و جنوب شرقی آسیا را به همراه نوعی انتقام جویی و در نتیجه روند رکودی فقر بلند مدت در بر گرفت. توأمأ شرایط اقتصادی - اجتماعی به صورت چشم‌گیری در اتحاد جماهیر شوروی سابق وخیم‌تر شد. تسکین فقر در یک صحنه وسیع (شامل پیشرفت در تغذیه سالم، تحصیلات، دستیابی به اطلاعات و کالاهای عمومی و مشارکت در تصمیم‌گیری) دوباره به عنوان یک هدف اصلی توسعه عنوان شد.

نتیجه دیگر بحران مالی در قالب سؤال واشنگتن مجمع IMF از سرمایه و آزادسازی تجاری و حذف کامل نظرات دولت در سیستم مالی ظاهر شد. تعدادی از کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا هنوز از حذف شدید نظارت دولت به بخش بانکداری و جریانات سرمایه‌ای که نظارت و کنترل توابع بانک‌های مرکزی و دیگر سازمان‌ها را تضعیف ساخت، رنج می‌بردند و این نوعی از سیستم بین‌المللی پولی و مالی است که هنوز بر قوانین بازی منسوخ «برٹن وودز» اعتقاد دارد و احتیاج به اصلاح اساسی و دسته‌ای جدید از قوانین مناسب محیط معاصر را دارد. در همین زمان، تعدادی از کشورهای تأثیر گرفته در حال بازآوری کنترل‌هایشان بودند. تا این جا مفاهیم تئوری توسعه در دهه ۹۰ شرح و بسط داده شد. شاید مقدماتی‌ترین نتیجه مورد بحث طی دهه ۹۰ نقش‌های مناسب ناحیه‌ای و بازاری در توسعه بود.

یک پیامد ذاتی، تعریف دسته‌ای از سازمان‌هایی است که بیشترین منشأ شتاب مراحل رشد اقتصادی و رشد اجتماعی است. حمله بحران مالی آسیا باعث شد که ترکیب سازمان‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده به وسیله کشورهای آسیای شرقی که دلیل ارتقای معجزه آسیای شرقی بود، (بانک جهانی ۱۹۹۳) یک مدل گسترده را به همراه قسمت‌های قابل انتقال بالقوه کشورهای در حال توسعه دیگر به وجود آورد. حتی اگرچه «معجزه» به هر صورت یک «افسانه» نبود. در هر مورد اعتماد بر فعالیت‌های دولت در دهه‌های پیشین برای ارتقای رشد صنعت در قسمتی از کشورهای آسیایی (مخصوصاً کره جنوبی) مشکوک به نظر می‌رسید و تحت انتقاد شدیدی قرار گرفت. این که اجرای رشد باشکوه در حال حاضر، با مداخله کمتر دولت حتی بهتر نیز خواهد شد، مورد بحث قرار گرفت و دانستیم که حتی اگر سیاست‌های صنعتی که به رشد کمک کرده بودند احتیاج به دولت قوی داشتند، باز هم کشورهای جهان سوم بدان نمی‌رسیدند. در حالی که بحث راجع به ترکیب مناسب درجه مداخله دولت و اعتماد بر عملیات بازار هنوز بسیار داغ است، مکاتب انتخاب عمومی و سازمان‌های جدید (Neo-institutional) به روشن کردن این که دولت چگونه بر نتایج توسعه تأثیر می‌گذارد، کمک کرده‌اند.

این مسأله تحت شرایط زیر می‌تواند صورت پذیر:

۱. به وسیله فراهم کردن یک محیط مشوق و سودمند اقتصاد خردی و کلانی برای فعالیت‌های اقتصادی مناسب.

۲. به وسیله فراهم کردن زیربنای سازمان‌ها (حقوق، آرامش، قانون) که سرمایه‌گذاری بلندمدت را تشویق کرده و برای فعالیت‌های اقتصادی ضروری است (Commanderetal در سال ۱۹۹۶). ظرفیت سازمان‌ها همانطور که از دیدگاه کارگشایی ارزیابی شد، به نوعی بستگی به نمایندگان قانون‌سازی قابل پیش‌بینی، ادراک ثبات سیاسی، جنایات علیه افراد و اموال، اعتماد بر اجرای عادلانه قضایی و رهایی از فساد دارد. (از Chibber در سال ۱۹۹۸ و Brunettidal در سال ۱۹۹۷).

نقش سازمان‌ها به عنوان شرط مقدم برای دنبال کردن مسیر توسعه موفق در صورت تصویب یک مصوبه جدید مبنی بر تعریف جدید اقتصاد سیاسی برون‌زا را برای سیاست‌های مایل به درون‌زا به همراه یک پیش‌زمینه خاص سازمانی، می‌توانست بیشتر مورد نقد قرار گیرد. بنابراین، به طور مثال، اگر بانک مرکزی و وزارت دارایی مستقل از هم نباشند یا تحت قوانین احتیاطی عمل کنند، نتیجه سیاست‌های مالی و پولی بستگی به عوامل اجتماعی و سیاسی خواهد داشت. (یا بر طبق قدرت سیاسی لوایح مختلف در جامعه و فرمول انتخاب عمومی خواهد بود).

دو ارزش فزاینده که در این دهه بیش از همه به نظر می‌آیند، تعریف سرمایه اجتماعی و درک بهتر از منابع رشد است. (عامل تولید عمومی تولید) اگر مردم از جامعه حذف شوند یا در حاشیه قرار بگیرند، یا به صورت سیستمی مورد تبعیض واقع شوند، دیگر نمی‌توانند به شبکه‌هایی که آن‌ها را ممنوع‌الورود و مهر و موم کرده‌اند اعتماد کنند. همچنین عضویت در گروه‌ها سودآوری‌هایی را به همراه دارد که می‌توانند در قالب‌های مختلف ظاهر شوند. (مالکیت سرمایه اجتماعی به وسیله خانوارهای فقیر، به عنوان وسیله‌ای برای کمک به آن‌ها در رهایی از دام فقر بسیار مهم است).

رشد قابل توجه کشورهای آسیای شرقی پیش از ۱۹۹۷، تعریف کردن، توضیح دادن و اندازه‌گیری منابع رشد را بار دیگر تکرار کرد. مطالعات اخیر پیش‌بینی می‌کرد که معجزه رشد سریع در آسیا به خاطر انبوه است که یک چنین پیش‌رفت در طول زمان تاب نخواهد آورد. (رشد سریع در آسیا به خاطر منابع انبوه بوده است نه به خاطر پیشرفت (از Kmgman و Kim & Lau در سال ۱۹۹۴ و Yomg در سال ۱۹۹۵). این نتایج بر پایه تخمین‌هایی از رشد تولید عوامل کلی (TFP) بود و به نوع تابع تولید و اندازه‌گیری درست و دقیق سرمایه و تولید نیروی انسانی بستگی داشت. برخی نقدها مطرح می‌کنند که محاسبه TFP نوعی به صورت قابل توجهی ناچیز پنداشته می‌شود (۱۹۹۵). دهه ۱۹۹۰ شاهد یک بهره‌وری فزاینده در مدل‌های CGE بود که معمولاً

تأثیر شوکهای برونزا و تغییرات در سیاستها در سیستم اقتصاد اجتماعی و توزیع درآمد مخصوصاً را شبیه سازی می کرد. یک موضوع کلیدی که در آن مدلها گسترش پیدا کرد تأثیر سیاستهای تعدیلی بر توزیع درآمد و فقر بود. مدلهای تعادل عمومی تنها تکنیک مقایسه تأثیر سناریوی سیاسی جانشین مانند مقایسه تأثیرات برنامه تعدیلی بر ضد برنامه غیرتعدیلاتی تلافی جویانه را فراهم آورد. (Thorbecke در سال ۱۹۹۱ برای اندونزی؛ Sahnetal در سال ۱۹۹۶ برای افریقا)

این دهه به خاطر ازدیاد اطلاعات مربوط به نشان ویژه اقتصاد اجتماعی و ثروت خانوارها و به علاوه به خاطر منابع اطلاعاتی مرسوم بیشتر که قبلاً ذکر شده قابل توجه است. بخش زیادی از تشخیص فقر کمی بر پایه مطالعات روی هزینه خانوارها به خوبی تشخیص فقر اشتراکی در حال تکمیل بود. از این گذشته دسترسی به مطالعات سرشماری و سلامت برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه در سطح اطلاعات کمی در مورد وضعیت تغذیه ای و سلامت، دسترسی به کالاهای عمومی و سرویس اطلاعات مکمل بر مصرف خانوارها امکان پذیر بود. شاید برای اولین بار دسترسی به مطالعات چندین ساله برای بسیاری از کشورها اجازه تشخیص سطح استاندارد زندگی و مقایسه ثروت را در طول سالها برای آنها به وجود آورد.

در بسیاری از موارد، استراتژی توسعه ای دهه ۹۰ به خاطر مقدم بودن دهه و حفظ کردن بیشتر نشانه های استراتژیک گذشته (حداقل در نیمه نخست دهه) با گذشت زمان استراتژی تعدیلاتی دهه ۸۰ تحت بررسی انتقادی به سمت تغییرات اساسی حرکت کرد که مخصوصاً بر احیای بحران مالی آسیا بنا شده بود. در آفریقا اکثر کشورها هنوز با مشکلات تعدیلی جدی مواجه بودند. نتیجه بحث این بود که سیاستهای تعدیلی سرانه بدون اصلاحات در میان متن آفریقا می تواند شرایط ابتدایی برای حرکت به سمت حمایت از رشد و تسکین فقر فراهم نماید. دو مفهوم ناسازگار تعدیلات و تشخیص دادن اثر شدیدش بر اجرا منعکس شدند. دیدگاه «ارتودکس» از طرف بانک جهانی (از ابتدای دهه) این بحث را مطرح کرد که یک بسته ی تعدیلاتی مناسب می باید در نظر

گرفته شود. کشورهایی که در اجرای این بیسته تجربه داشتند با بازگشت نرخ رشد خود روبه رو شدند.

در مقابل، مفهوم «هرتودکس» (تحت بیان مفهوم «تعدیلات به همراه صورت انسان» از طرف یونیسف (Cornal در سال ۱۹۸۸۷) حمایت نیاز به تعدیلات را به صورت وسیع در بلندمدت تثبیت کرد و اشاره نکردن به ضعف‌های ساختاری ریشه‌ای اقتصاد افریقایی که دلیل عمده‌اش بی‌ثباتی کلان و رکود اقتصادی بود را مورد بحث و نظر قرار داد. بر این اساس تغییرات ساختاری عمده و تغییرات نهادی نیاز به سیاست‌های تعدیلات تکمیلی شامل انتقالات ساختاری (مانند صنعتی‌سازی گوناگونی پایه صادراتی، بازسازی سرمایه انسانی و حتی اصلاحات ارضی).

بدون رشد بلندمدت در آفریقا و به وسیله گسترش در دیگر کشورهای در حال توسعه مواجه با شرایط ابتدایی مشابه ممکن نمی‌باشد. یونیسف و ارزیابی بحرانی هرتودکس از تأثیر شدید سیاست‌های تعدیلاتی بر رشد بلندمدت و تسکین فقر (حتی وقتی به طور مناسب توجیه شده در زمینه‌های تجربی نیست) اهدا کنندگان دوطرفه و چندجانبه را به توجه معنادارتر روی ابعاد تعدیلات معطوف ساخت. این یک مورد برای اجرای همه سری‌های اصلاحات تقویتی و مکمل، با عبور از تأکید بیشتر روی سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی و زیربنای فیزیکی در تغییرات بنیادی اساسی (مخصوصاً در کشاورزی و صنعتی) در تولیدات کوچک سودده بود. پس مفهوم اورتودکس، مورد متقاعد کننده‌ای برای اجرای مناسب سیاست‌های تعدیلی به وجود آورد که تنها ظرف لازم برای بازبانی تعادل اقتصاد کلان نبود، اما می‌توانست به صورت نهایی به رشد اقتصاد و تسکین فقر در کوتاه‌مدت کمک کند. در سال ۱۹۹۳ بانک جهانی، یک گزارش بسیار بانفوذ در باب معجزه آسیای شرقی منتشر کرد (بانک جهانی ۱۹۹۳). این گزارش عناصر موفقیت بالای اجرای اقتصاد آسیایی را آنالیز کرد و بسیاری از آن‌ها را به صورت بالقوه به کشورهای در حال توسعه دیگر قابل انتقال اعلام کرد. به طور خلاصه این عناصر موفقیت آمیز شامل موارد زیر است:

۱. اساس اقتصادی کلان و هدف بنیادی ثابت در بودجه‌ی تراز و نرخ‌های مبادله رقابتی.
۲. ثبات سیاسی که اعتبار سیاسی و کاهش بی‌ثباتی را به دنبال دارد و یک عامل مهم برای سرمایه‌گذاران خارجی است.

۳. صادرات

۴. اعتماد بر بازار

۵. دسته‌ی مباحثه‌ای بسیاری از سیاست‌های صنعتی به همراه مداخله انتخابی دولت که معمولاً به «رقابت» میان بنگاه‌ها می‌انجامد.
۶. نرخ بالای سرمایه‌گذاری در ساختن سرمایه انسانی.
۷. نرخ بالای سرمایه‌گذاری فیزیکی.

مراحل اکتساب تکنولوژی سازگار با فواید تطبیقی دینامیک و انتقال آرام مخصوصاً صادرات و تشویق به صادرات به عنوان یک وسیله برای دستیابی به تکنولوژی مدرن که سیستم «یادگیری به وسیله انجام دادن» و «یادگیری به وسیله نگاه کردن» را راه‌اندازی کرده و به سرمایه‌گذاری در سرمایه‌های انسانی و خروجی‌های مثبت میان بنگاه‌های یک صنعت و سایر صنایع را راه‌اندازی کرده است.

معجزه آسیای شرقی همچنین یک مثال متقاعدکننده از اهمیت ضروری سازمان‌ها (مانند حکم ریاست جمهوری بودجه در اندونزی بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۷) به عنوان شرط اولیه مراحل قابل تحمل رشد به همراه تساوی است. عدم وجود سازمان‌های مناسب به یک انتقال آرام از حالت دستوری به اقتصاد بازاری (آزاد) در بیشتر مناطق اروپای شرقی انجامید و ظرافت سازمان‌های موجود در بیشتر آفریقا مثال دردناکی از هزینه‌های انسانی بی‌شمار در یک چارچوب بنیادی می‌باشد. بحران مالی آسیا که به خاطر ویرانی در بسیاری از کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا به وجود آمد.

در سال ۱۹۹۷ چالش بازامتحنانی تجارت بین‌المللی و سیستم مالی بر اساس تجارت مفرط و آزادی سرمایه‌ای به وجود آمد. از این رو جوامع دوباره روی کاهش فقر و پیشرفت در ارزش‌های اقتصاد اجتماعی خانواده‌های آسیب‌پذیر به عنوان هدف غالب

توسعه تمرکز کردند. در پایان این دهه بانک جهانی این موضوع را روشن کرد که کاهش فقر (در سطح گسترده‌اش) به وسیله خروجی این مراحل سنجیده می‌شود. سلامتی، تحصیلات، اشتغال، دسترسی به کالاهای عمومی و سرویس‌های عمومی و سرمایه اجتماعی. این بحران همچنین بر بازاتحانی نقش دولت در حفاظت از اقتصاد در برابر شوک‌های اساسی که از خارج سرچشمه می‌گیرد تأکید کرد. به خصوص به نیرومند کردن سازمان‌های مالی و تدارک نقش‌های حداقلی (مثلاً، بهسازی دیده بانی و نظارت بر بانکداری) برای کاهش فساد و بدهی‌های خارجی و تأسیس نهادهای امن که در تثبیت درونی مؤثر باشند، توجه ویژه‌ای شد.

مشخصه تأمل برانگیز دهه ۹۰ «رنج کمک Aid fatigue» با ثابت کردن کاهش مفرط در هزینه‌های مساعدت توسعه رسمی (ODA) بعد از سال ۱۹۹۲ بود. این روند رو به پایین، ایمان قوی به عملیات بازارها و دولت‌های مایل به سلطنت گرایی را در درگیری با بخش‌های تولیدی مانند کشاورزی و صنعت بازتاب می‌داد. این رنج و سختی همچنین تحت تأثیر افزایش ترس از کمک‌های خارجی، کمک‌های تولیدی خارجی که وابستگی روابط را برای کشورهای ضعیف به دنبال داشت، می‌بود. بحث انتقاد برانگیز در دهه ۹۰ تأثیر شرط‌های کمکی بود. پیش از همه، قابلیت تعویض و یا این که آیا استفاده از کمک «خرید» سیاست‌های خوب، ممکن است؟ آیا اقتصاد سیاسی با کمک خارجی‌ان و تعدیلات ساختاری می‌تواند به عنوان یک مرحله داد و ستد میان اهداکنندگان دو یا چندجانبه در یک طرف و دولت‌های قرض‌گیرنده از طرف دیگر باشد؟ هر دو طرف ممکن است اقدام به اعطای بهره در قوانین شفاف بعدی در رفتار قرض دادن و قرض گرفتنشان باشند. این روند به سوی پرورش و ادامه دادن یک رابطه وابستگی است که می‌تواند به خوبی از اساس متناقض با استراتژی توسعه‌ای بلندمدت برای کشورهای وام‌گیرنده باشد. (مخصوصاً در افریقا)

بحث «شرطی بودن»، تعدادی از مطالعات اقتصادی بر روی تأثیرات میان بخشی بین‌المللی را تقویت کرد. شاید تأثیرگذارترین آنان Burside و Dollar در سال

۲۰۰۰ باشند که نتیجه گرفتند کمک می‌تواند یک ابزار قدرتمند برای افزایش رشد و کاهش فقر باشد، اما فقط در صورتی که واگذار شده به کشورهایی باشد که در همان زمان در حال کمک کردن به خودشان به وسیله سیاست‌های افزایش روند رشد هستند. در مقابل Chavet و Guill amount در سال ۲۰۰۱ دست یافتند که تأثیرات کمک بستگی به عوامل محیط خارجی مانند مراحل و روند تجارت، گسترش نااستواری صادرات و شوک‌های آب و هوایی دارد. نتایج آن‌ها بیان کرد که هر چقدر محیط بدتر باشد، احتیاج به کمک بیشتر است.

Trap و Mansen در سال ۲۰۰۱ با استفاده ضروری از دسته‌ای اطلاعات میان بخشی یک سال مانند آنچه Burnside و Dollar می‌گفتند، بحث کردند که وقتی حسابی از تأثیرات ثابت و طبیعت پویای رابطه رشد کمک کشورهای دیگر ناشی می‌شود دیگر نتیجه‌گیری Burnside و Dollar پدید نخواهد آمد. ویرانی اقتصاد اجتماعی که توسط بحران مالی آسیا باعث ایجاد یک بازامتحانی بنیادی از نقش کمک و پذیرش عادی قوانین بازی شد، بر اساس تجارت بین‌الملل قدیمی و سیستم پولی طراحی شده در «برتن وودز» و واشنگتن کانسنسز (Washington consensus) دیگر با شرایط معاصر سازگاری نداشت. استفاده از تجارت به عنوان ابزاری علیه فقر موضوع مطالعه Dollar و Collier در سال ۱۹۹۹ براساس ضابطه «تخصیص کمک‌ها برای حداقل کردن فقر» بوده است.

اصول توسعه‌ای دهه جاری

در آغاز هزاره جدید، برخی توجیهات نوین مبنی بر این که جامعه توسعه‌یافته از «نظریات بزرگ» به وجود آمده است، پدید آمد. (Big adeas)

Pritchett و Lindaur در سال ۲۰۰۲ نظریات سال‌های ۱۹۶۲ و ۱۹۸۲ را مقایسه و بزرگ‌ترین ایده‌های این دو دهه را مورد بررسی قرار داده‌اند. در سال ۱۹۶۲، دولت نقش متمرکزی را در هدایت قدرت پشت توسعه بازی می‌کرد، در حالی که در سال

۱۹۸۲ دولت مانع اصلی توسعه محسوب می‌شد. تناقضات مشابه در این دو دهه به ترتیب به عنوان نقش‌های پذیرفته‌شده ذخیره تجارت، سرمایه خارجی و کمک‌های خارجی در طول این دو دهه ذکر می‌شد. (برگشت سریع به سال ۲۰۰۲، چگونگی پیشنهاد دولت کشورهای امریکای لاتین به نقل از (Lindaur و Pritchett, ۲۰۰۲: ۲).

هر فشاری به سمت اصلاحات عمیق تر بازار به عنوان تعقیب استراتژی‌های شکست‌خورده گذشته می‌باشد، در حالی که هر استراتژی برای دولت به عنوان نوعی رهبری است. خواهیم دید که آن‌ها نوعی رجوع به استراتژی‌های شکست‌خورده گذشته هستند. چه چیزی نگرانی عمیق‌تری از عدم وجود حکمفرما بودن مشهود دسته‌ای نظریات است که فرمان تحسین جهانی‌اش «کمیابی تئوری و تحقیقات بر پایه‌ی مدرک» می‌باشد. این بحث وجود دارد که طی چند سال گذشته به خاطر یک بازسنجی انتقادی و تحکیم مفاهیم گذشته و تکنیک‌هایی به عنوان مخالفت با فرمول‌سازی نظریات جدید فی نفسه شناخته شده که بسیار مشهور هستند. مهم‌ترین بخش‌های قابل توجه اصول توسعه‌ای در این دهه تکنیک به جای تئوری است، مثلاً استفاده از آزمایش‌های کنترل شده و تصادفی (رندومی) در ارزیابی تأثیرات توسعه (Duflo و kremer, ۲۰۰۳).

همان‌طور که ایشان بحث کردند «هر تأثیر قصد سنجش برای پاسخ به یک سؤال بسیار ضروری است و آن هم این که، چگونه اشخاصی که در برنامه‌های گذشته شریک بودند، در غیاب برنامه می‌توانند به پیش بروند؟» شاید بهترین مثال از آنالیزهای مؤثر طراحی (شبه آزمایش) ارزیابی بازتوزیع برنامه PROGRESA در مکزیک باشد که بر انتخاب روستاهای هدف (دریافت‌کننده سود) و کنترل روستا (نه فقط دریافت‌کنندگان سود بلکه واجد شرایط دریافت سود در آینده) تأکید داشت.

تأثیرات برنامه به وسیله قیاس رفتار اشخاص یا جوامع برای کنترل اشخاص یا جوامع تخمین زده می‌شود. هیچ تردیدی مبنی بر این روش شناسی جدید که در ارزیابی برنامه‌های اجتماعی در زمینه‌هایی مانند تحصیل و سلامت به وسیله ایجاد پایه‌های

علمی برای قیاس نظریه در طراحی داروها و دیگر ملزومات پزشکی انقلابی بر پا کرد، وجود ندارد. از طرف دیگر محدودیت این مفهوم، این است که تنها یک پاسخ مختصر و اما قدرتمند به یک سؤال کوتاه فکرا نه می‌دهد. «تأثیر برنامه‌های خاص در متون خاص چیست؟»

محققان امروزه مصرف شده به نظر می‌رسند، اگر کلی نگفته باشیم، اما اژدها با نفرین درونی را چگونه می‌توان خطاب کرد؟ تأکید روی پیکار طرفدارانه اقتصاد سنجی مسائلی است که اغلب مانع اهمیت ساختارهای بزرگ‌تر و مسائل مفهومی می‌باشند. تجربیات کنترل شده ما را در مورد مکانیسم‌هایی که منجر به نتایج واقعی می‌شوند، آگاه نمی‌کند. همان‌طور که Mookherjee در سال ۲۰۰۴ اشاره کرد، «هدف فهمیدن ساختار اصولی سیستم روابط تولیدکننده نتایج نیست، بلکه تنها تأثیر نتایج آماری رفتارهای سیاسی معین با تکیه بر شکل کاهش یافته بدون مدل ساختاری تعریف شده واضح است.» محدودیت دیگر تأثیر این آنالیز این است که تأثیرات تعادل عمومی مداخله بیرونی را کاملاً رد می‌کند. با در نظر گرفتن شرایط، این روش‌شناسی جدید تعداد زیادی از مطالعات عالی از تأثیر آموزش، سلامت و مداخلات دیگر اجتماعی در کشورهای فقیر را ایجاد کرده است. یک مطالعه جدید توسط Glewwe در سال ۲۰۰۲ نتیجه می‌گیرد که روش‌شناسی جدید در زمینه آموزش با ایجاد فرصت‌های مهم، امکان تشخیص بهترین راه در موقعیت‌های خاص را فراهم می‌آورد.

آزمایش‌های تصادفی و کنترل شده به نظر می‌رسد دارای ساختار جایگزین و مدل‌های رفتاری در اقتصاد توسعه باشد. سنگینی بعدی در فرضیات تحمیلی بر طبق رفتار اشخاص این است که حتی وقتی اقتصاد سنجی حدس می‌زند که ساختار تحمیلی می‌تواند رد شود باز هم هیچ ضمانتی وجود ندارد که یک مدل بهتر و عمومی‌تر وجود ندارد. در همین راستا، قدرت بالقوه آن است که آن‌ها ساختار مهم و رفتار نمایندگان را به دست می‌گیرند این‌طور به نظر می‌رسد که ترکیبی از این دو مفهوم می‌تواند کاملاً مفید باشد تا زمانی که در یک راه صحیح با وجود هنجارها و ساختار اقتصاد

بالقوه انجام پذیرد. ترکیب برنامه‌ها از برخی انتخاب‌های تصادفی استفاده می‌کند. استفاده بیشتر از تئوری می‌تواند مکانیزم‌هایی را که به وسیله آزمایش‌های کنترل شده ایجاد می‌شوند توضیح دهد و دسته بندی کند و به دسته بیشتری از سیاست‌ها اجازه اجرا دهد (Mookherjee, ۲۰۰۴).

پس رفت رشد، یک ابزار مهم اقتصاد توسعه از زمان Hollis chenery تحت نقد سنگین قرار گرفته است. در حقیقت «آگهی درگذشت برای پس رفت رشد» از Lindauer و Pritchett در سال ۲۰۰۲، دلایل تکنیکی متقاعدکننده زیادی را برای برکناری پس رفت رشد ارائه می‌کند. نقص اساسی آن‌ها این است که «آن‌ها همبستگی جزئی با پارامترهای ثابت» و متغیرهای تجربی (که ممکن است با سیاست‌ها آمیخته باشد) را با فعالیت‌های رشد ترفیعی ادغام می‌کنند. متغیرهای سمت راستی در معادلات فرم کاهش یافته (در غیاب ساختار اساسی و مدل رفتاری در فرم کاهش محصول) می‌تواند به سادگی در زمینه‌های دیگر به دلیل همبستگی با رشد انتخاب شود.

کارشناسان برخی از مدل‌ها پس رفت کاهشی را بدون مدل صحیح بازتاب‌کننده مکانیزم‌های تئوریک اساسی پیش فرض که بر متغیر وابسته (یعنی رشد) تأثیر می‌گذارند، را معاف کردند. «بنیادگرایی راستی»، محبوبیت این مفهوم نیز دوباره یک عدم وجود مدل‌های تئوریک توانا از توضیح همزمان پروسه‌های رشد می‌باشد. امروزه برخی اعانه‌های مهم کارا هستند. اولین آن‌ها می‌تواند طبقه بندی تحت موضوع گسترده اقتصاد سیاسی توسعه و نقش مؤسسات باشد. یکی از اصول اساسی این است که یک درآمد اولیه برابر و توزیع سالم باید با رشد سازگار باشد و منجر به رشد شود. تئوری‌های اقتصاد سیاسی جدید نابرابری‌های بزرگ‌تر را به عملکرد پایین رشد در طی چند سطر بیان می‌کنند:

۱. فعالیت‌های نرخ طلبانه غیرتولید که امنیت را کاهش می‌دهند.
۲. انتشار بی ثباتی اجتماعی و سیاسی که منجر به اطمینان کمتر و نیز سرمایه گذاری کمتر می‌شود.

۳. سیاست‌های بازتوزیعی تشویق شده به وسیله نابرابری‌های درآمدی که بازدارنده‌هایی را بر سرمایه زیاد و منابع انبوه به وجود می‌آورند.

۴. بازارهای اعتباری ناقص که منجر به سرمایه گذاری کمتر به وسیله محرومان، به خصوص در مورد سرمایه‌های انسانی می‌شود.

۵. سهم کم درآمد مرتبط و فزاینده با قشر متوسط (با اشاره به نابرابری بیشتر) تأثیر مثبت و قوی بر حاصل خیزی و تأثیر منفی قابل توجهی بر رشد دارد.

این مفهوم جدید، روی خود را به سمت یک دید غالب تحت چارچوب کلاسیکی می‌چرخاند که «توزیع درآمد نابرابر در حقیقت پیش‌نیاز رشد است».

بر پایه این منطق که فرد ثروتمند (سرمایه داران) نسبت بیشتری از درآمدها را در مقایسه با طبقه محروم کارگران، پس‌انداز می‌کنند، از این رو برای یک سطح داده شده درآمد توزیع درآمد نابرابر جریان پس‌اندازی کلان را به سرمایه گذاری تبدیل می‌کنند و باعث رشد بالاتر GNP می‌شوند. پس در این استدلال، رشد ناعادلانه درآمد توجیه‌پذیر است. همه این‌ها در صورتی است که یک نگرانی اخلاقی برای تساوی بیشتر، (مکتب مساوات بشر) وجود داشته باشد. فقر بیشتر امروز، شرط اولیه رشد اقتصادی و فقر کمتر در آینده است.

همان‌طور که مکتب کمبریج اذعان می‌دارد: بی‌نوایی انبوه لازمه جمع‌آوری یک عرضه برای مصرف در زمان حال است. اگر نابرابری واقعی منجر به رشد باشد، بنابراین، تبدیل به وسیله‌ای برای رشد اقتصادی و تسکین فقر در آینده و کشاکش و ستیز میان اهداف اخلاقی (قواعد و هنجارها) در مکتب تساوی حقوق بشر و شرایط اقتصادی لازم برای رشد خواهد شد (Thorteck در سال ۲۰۰۶). مفهوم اقتصاد سیاسی جدید توسعه به صورت قابل توجهی بر نقش مؤسسات تکیه دارد. در مقاله‌ای بسیار تأثیرگذار از Acemoglu در سال ۲۰۰۱، این موضوع مطرح شد که: «توسعه بستگی به کیفیت مؤسسات دارد، و یک سری متغیر ابزاری» (instrumental). مرگ و میر مهاجران مستعمراتی تهیه شد که به صورت برونی بر مؤسسات و به صورت

غیرمستقیم روی درآمد تأثیر می گذاشت و قادر بود تا تمایلات داخل کشوری را به ازای هر واحد سرمایه به عنوان معامله کیفیت پیش بینی شده از مؤسسات را بسط دهد. مفروضات آنان این است که نرخ مرگ و میر میان مهاجران اولیه در یک محدوده مستعمراتی در صورت تصمیم آنان به تأسیس فعالیت منابعی یا چپاول مؤسسات یا تسویه و ساخت مؤسسات اروپایی و مخصوصاً در حقوق حفاظتی مناسب، اندازه گیری می شود. هرچند، همان طور که Bardhan در سال ۲۰۰۵ بحث کرد، انواع دیگری از مؤسسات وجود دارند که برای توسعه مهم هستند مانند مؤسسات شراکتی و جوابگو (account ability) و مؤسساتی که سرمایه گذاری را تسهیل می کنند.

مورد دوم و مرتبط، فهمیدن و توضیح سلسله «رشد - نابرابری - فقر» به عنوان یک پروسه غیرقابل تقسیم و ضروری است. رشد، یک شرط لازم (و نه کافی) برای تحقق توسعه است. اگر درآمد ابتدایی و توزیع ثروت ناهموار باشد در نتیجه رشد بیشتر خواهد شد. (استدلالی برای اقتصاد سیاسی جدید از بحث توسعه) اما تأثیر نرخ رشد کلان (GNP) بر تسکین و کاهش فقر به صورت واضح کمتر خواهد بود. (کشش کاهش فقر به رشد در یک محدوده بسته بین ۲ تا ۳ با بستگی به شرایط اولیه). نابرابری می تواند به عنوان یک فیلتر میان رشد و فقر عمل کند. به علاوه توزیع درآمد اولیه، الگو و ساختار رشد یک نقش اساسی در تأثیرشان بر فقر بازی می کنند.

شرایط اولیه داده شده، به همراه چارچوب مؤسساتی در زمان، نتایج سلسله رشد، نابرابری و فقر به گونه ای مرتبط با یکدیگر می باشند. این موضوع ضروری از «گزارش توسعه جهانی» در سال ۲۰۰۶ است (بانک جهانی ۲۰۰۵) که به صورت متقاعدکننده ای مطرح می کند که به قطع ارتباط (Trade off) میان رشد و کاهش فقر نیازی نیست. موضوع کلیدی دیگر تعریف مؤسسات و سیاست هایی است که منجر به یک الگوی رشد طرفدار فقر (Pro-poor) می شوند.

مورد سوم، که همچنان با دو مطلب بالا مرتبط است، تعریف بسیار جامع تر و چندبُعدی از رفاه انسان است. توسعه انسان شامل ازدیاد ابعاد و جنبه های مرتبط با

سلامت، آموزش، تغذیه، سرپناه، دسترسی به اطلاعات، مشارکت، طبیعت رژیم (درجه دموکراسی و آزادی) و خیلی موارد دیگر است. نمودار انسانی می‌تواند شامل ارزش‌های خاص یا نمراتی از آن شخص بر هر یک از نمایندگان علامت دهنده باشد که بُعدی است. در برخی شرح‌های احتمالی، یک نمودار می‌تواند ارزش‌های بهتر و بالاتری را در هر یک از نشان دهنده‌های بُعدی آشکار کند. وقتی نمرات یک نمودار در برخی ابعاد بالاتر و در برخی دیگر پایین‌تر است. هیچ رتبه‌بندی صریحی نمی‌تواند بدون ارتباط با هر بُعد از رفاه انسانی به برخی معادلات سودمند تبدیل شود. تا به حال کار تجربی و تئوری بر رفاه چندبُعدی متمرکز محدود به سنج‌های فقر چندبُعدی به عنوان ضد مفهوم توسعه انسانی بوده است.

در بسیاری از زمینه‌ها، این مفهوم به کار رفت و یک نمونه بسیار کامل‌تر از اصول نیازهای اساسی دهه ۷۰ را ارائه داد. یک مفهوم مکمل که مفهوم فقر را گسترش می‌دهد کوشش در هدف ترکیبی و علامت دهندگان شمارشی (مخصوصاً پولی) و علامت دهندگان کیفی‌تر بر پایه تمرکز بر گروه‌ها و مصاحبه‌هاست. (Kan bur سال ۲۰۰۴)

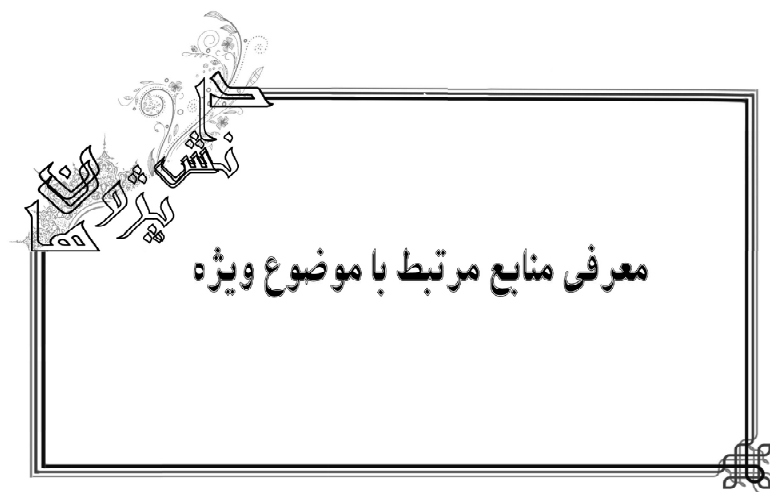
ساختار تئوریک نهایی که به رسم معمول ارائه می‌شود، دارای تعادل‌های چندگانه می‌باشد. Ray در سال ۲۰۰۴ یک مثال به وسیله پیش‌زمینه‌ای از Rodan-Rosentein از سال ۱۹۴۳ را به دست می‌دهد. نظریه فشار بزرگ. این نظریه پیشگام اظهار می‌دارد که توسعه اقتصاد می‌تواند به عنوان یک شکست هم - انتصابی بزرگ، در هر کدام از سرمایه‌گذاری‌ها که به سادگی اتفاق نمی‌افتند (به خاطر عدم وجود سرمایه‌گذاری‌های مکمل دیگر) تحلیل شود و به همین شکل، سرمایه‌گذاری‌های بعدی، وابسته به سرمایه‌گذاری‌های انجام نشده پیشین نیستند (به نقل از Ray در ۲۰۰۰). مؤسسات و سیاست‌ها ممکن است به شکل ابزارهایی برای انتقال یک اقتصاد از یک تعادل اولیه به سمت یک تعادل خوب به نظر بیایند. در نگاه پویا این مرحله با یک انتقال مرحله‌ای (Phase transition) مرتبط است.

اگر توسعه اقتصاد به عنوان یک انتقال مرحله‌ای تصور شود، مجبور به بازی کردن نقش مفهومی برای دولت است. مؤسسات باید تأسیس و سیاست‌ها طراحی و اجرا شوند (برای تسهیل انتقال مرحله‌ای). در نتیجه سیاست‌گذاران نیاز به طراحی و انجام یک استراتژی توسعه‌ای دارند که نه تنها از آن سود ببرند، بلکه همچنین این سیاست‌ها کمک به بی‌اثر کردن برخی از تأثیرات منفی به خاطر نیروهای جهانی شدن نباید به عنوان یک جانشین قابل اطمینان برای استراتژی توسعه داخلی تلقی شود. این برای دولت کافی نیست که فرض کند نقش فعالی در تجارت آزاد و حرکات سرمایه‌ای و تنظیم اقتصادشان دارند و در حال انتظار کشیدن انفعالی برای محصولات توافق عمومی واشنگتن و نیروهای بازار از جهانی شدن آن‌ها را به داخل یک جاده توسعه هل بدهند. در عوض دولت‌ها نیازمند هستند تا به آزادسازی فعال و سیاست‌های توسعه‌ای داخلی فعال متمرکز باشند. سودهای بالقوه برای کشورهایی که تصمیم به ملحق شدن به پروسه جهانی شدن از لحاظ استراتژیکی دارند قابل پیش بینی است. این سودها نه اتوماتیک هستند و نه تضمین شده‌اند. جهانی شدن مجهول می‌تواند به حاشیه‌ای شدن منجر شود. کشورهایی که هنوز در رکود هستند (معمولاً در افریقا) احتیاج دارند تا مؤسسات‌شان را برای دستیابی به نقطه برون رفت، قوی‌تر سازند.



معرفی ها





اقتصاد ایران: توسعه، برنامه ریزی، سیاست و فرهنگ

نویسنده: حسین عظیمی

تهران، نشر نی، ۱۳۹۱

این کتاب جامع در ۷۴۲ صفحه شامل ۴۶ گفتار - سخنرانی و مقاله‌ی کوتاه یا بلند دکتر عظیمی تدوین شده است. آنچه پیونددهنده‌ی بخش‌های مختلف کتاب است نگاه تجربه‌گرایانه مؤلف است. نویسنده بر سه اصل تأکید دارد. **نخست** تأکید بر شناخت دنیای صنعتی و روند تحولات آن بر مبنای الگوی تمدن سازی (توسعه) براساس دو محور انسان‌باوری و علم‌باوری.

دوم اهمیت دادن به شناخت اقتصاد ایران و روند تحولات آن از دیدگاه تمدن سنتی و تمدن جدید. **سوم** عرضه‌ی راهکار حرکت اقتصاد ایران از تمدن قدیم با تأکید بر محوریت تحول فرهنگی است. این کتاب در چهار بخش برنامه ریزی و توسعه، اقتصاد ایران، اقتصاد سیاسی و فرهنگ و اقتصاد تدوین شده است.

توسعه به مثابه آزادی

نویسنده: آمارتیاسن

ترجمه: وحید محمودی

تهران، انتشارات دستان، چاپ اول، ۱۳۸۱

نویسنده در این کتاب تلاش کرده است رویکرد خاصی از توسعه را ارائه و تحلیل کند، رویکردی که بیانگر فرایند گسترش آزادی‌های اساسی که مردم از آن برخوردار می‌باشند. مؤلف با استفاده از مثال‌های تاریخی، شواهد تجربی، توسعه اقتصادی، عدالت اجتماعی و حقوق بشر و میزان وابستگی آن‌ها به آزادی را تحلیل و تفسیر کرده است. آمارتیاسن توضیح می‌دهد که چگونه در دنیایی که افزایش بی‌سابقه‌ای در فراوانی و وفور اقتصادی در کل را تجربه می‌کند، میلیون‌ها نفر از افراد در کشورهای فقیر و غنی هنوز فاقد آزادی هستند. حتی اگر این افراد از نظر شکلی و فنی برده نباشند آزادی‌های اولیه از آن‌ها سلب شده است و به طرق مختلف به واسطه فقر اقتصادی، محرومیت‌های اجتماعی، در بند زندانی باقی مانده‌اند. به نظر او هدف عمده توسعه نشر و گسترش آزادی است. آمارتیاسن استدلال می‌کند که آزادی هم‌زمان هدف نهایی ترتیبات اجتماعی و اقتصادی و کارآترین ابزار تحقق رفاه عمومی است.

ایران امروز در آینده‌ی مباحث توسعه

نویسنده: حسین عظیمی

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸

این کتاب بعد از روش‌شناسی و مفاهیم به پنج فصل تقسیم بندی شده است. **فصل یک**، نگاهی کوتاه به وضعیت موجود اقتصاد کشور که به ترتیب تولید سرانه و نحوه‌ی تخصیص آن، برداشت سالانه‌ی ایران از منابع نفت و گاز، رکود و بیکاری در سال‌های اخیر، پس‌انداز منفی در اقتصاد کشور، حساسیت موقعیت جغرافیای سیاسی

کشور، عدم تناسب الگوی موجود توسعه‌ی کشور را مورد بحث قرار می‌دهد. در **فصل دوم**، نویسنده کوشیده بعد از تعریف توسعه، الگوی توسعه را تعریف کند و به توضیح و تبیین توسعه و تمدن، اندیشه‌های اصلی در یک تمدن نهادسازی در یک تمدن و فرآیند توسعه تعریف جامعه‌ی توسعه یافته و ظرفیت و عملکرد اقتصادی در تمدن‌های مختلف پردازد.

در **فصل سوم** به اندیشه و بصیرت‌های اصلی در توسعه و تمدن معاصر، ظرفیت اقتصادی تاریخی در جامعه ما و درصد استفاده‌ی ایران از ظرفیت خودپرداخته شده است. **فصل چهارم**، با این عنوان که برای توسعه کشور چه باید کرد؟ به این موضوعات می‌پردازد: اصول پانزده‌گانه توسعه اندیشه‌های تفصیلی در تمدن معاصر، نهادهای مهم توسعه‌ای، دموکراسی، نهاد قضایی، رسانه‌های جمعی، دانشگاه و آموزش عالی، انسان‌های نوآور، احزاب سیاسی، مجامع علمی و موسسات نظریه‌پردازی، موسسات پژوهش‌های کاربردی، مجامع و تشکیلات تولیدی و شرکت‌های معظم برای سرمایه‌گذاری، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ساختار بودجه‌ی دولت، آموزش پایه، سایر نهادهای توسعه. **فصل پنجم** در برگیرنده نیم قرن برنامه‌ریزی توسعه در ایران، توسعه، تجدید، غربی شدن، دستاوردهای ۵۰ ساله توسعه ایران، توسعه - غربی شدن یا شرقی ماندن، آیا تمدن غربی بی قید و بند است؟ موانع اصلی توسعه در ایران، توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی، حرکت هشت ساله‌ی اخیر اقتصادی کشور (۱۳۶۸ - ۱۳۷۶)، مشکلات نظام و روش برنامه‌ریزی توسعه در ایران، حوزه‌های اصلی بحران در وضعیت موجود کشور، نقش و جایگاه کارشناسی در توسعه‌ی کشور، اقتصاد متمرکز و اقتصاد آزاد، بحث خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران، طرح سازماندهی اقتصادی، برنامه‌ی پیشنهادی کوتاه مدت و بلند مدت مسکن، چگونگی تولید اشتغال کامل و تقابل یا همراهی عدالت اجتماعی با رشد اقتصادی است.

بخش‌های اول تا چهارم این کتاب متن بازنویسی شده یک سخنرانی است و بخش پنجم در جریان مصاحبه‌ای با مجله راه نو (س ۱ - ش ۱۲) سامان یافته است.

مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران

نویسنده: حسین عظیمی (آرانی)

نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۱

این کتاب مجموعه‌ای است منتخب از مقالاتی که نویسنده طی ده سال در جریان کار و تحقیق و تدریس تالیف کرده است. در این مقالات برخی از مشکلات و ناتوانی‌های اقتصاد ایران و نتایج و عواقب آن در عرصه زندگی اجتماعی بررسی شده است. عناوین برخی از مقالات این مجموعه عبارتند از مسایل اساسی در بازسازی و توسعه اقتصادی ایران، مسایل و مشکلات ساختاری اقتصاد ایران، نیازهای اساسی جمعیت کشور از زبان آمار و ارقام، توسعه‌ی صنعتی و فرهنگ خاص آن در ایران و ... است.

این کتاب درشش بخش متنوع اقتصاد ایران را تحلیل و توضیح می‌دهد.

الف) تصویر کلان اقتصادی - اجتماعی کشور که شامل مسایل اساسی و توسعه اقتصادی ایران، مدارهای توسعه توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، مسایل و مشکلات ساختاری اقتصاد ایران، نیازهای اساسی جمعیت کشور از زبان آمار و ارقام، توسعه فرهنگ و آموزش است. این فصل مقدمه ۸۴ صفحه‌ای کتاب است و شرایط توسعه‌یافتگی اقتصاد غرب را مورد بررسی قرار می‌دهد. نویسنده در این فصل تاکید می‌کند برای رفع فقر باید از جامعه سنتی به جامعه صنعتی پیش رفت.

ب) توزیع درآمد، فقر و محرومیت در دو قسمت برآوردی از حجم فقر و محرومیت در کشور، غنای طبیعت و فقر مردم گردآوری شده است.

ج) بودجه و توسعه‌ی اقتصادی ایران، تحلیلی از تحول بودجه عمومی کشور طی سال‌های ۱۳۵۰ - ۱۳۶۴، تحلیلی از پدیده‌ی تورم، ظرفیت مالیاتی در بخش خدمات غیر دولتی، امکانات افزایش درآمد مالیاتی در سال ۱۳۶۴ و ساخت و ترکیب درآمدهای مالیاتی کشور را بیان می‌کند.

د) بخش کشاورزی در ۳ قسمت ظرفیت تولید و عوامل اصلی آن در بخش کشاورزی، توسعه‌ی اقتصادی و سیاست اقتصادی کشور، توزیع زمین و درآمد کشاورزی در آستانه‌ی اصلاحات ارضی تدوین شده است.

ه) بخش صنعت توسعه‌ی صنعتی و فرهنگ خاص آن در ایران، نقش دولت در حمایت از صنایع کشور را در برمی‌گیرد و در آخرین بخش اقتصاد نفت را مورد تحزیه و تحلیل قرار می‌دهد. آقای دکتر عظیمی این کتاب را با هدف ارائه راه حل‌ها برای مشکلات اقتصادی کشور در بخش‌های مختلف نگاشته است.

موانع تاریخی توسعه نیافتگی در ایران

نویسنده: مصطفی وطن خواه

تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰

«چرا جامعه ایران در آخرین ربع قرن بیستم دست‌خوش چنان تحولاتی می‌شود که در آن نمایندگان طبقات و قشرهای اجتماعی‌ای که خود را در کسب قدرت ملحق می‌دانستند توانایی آن را نداشتند یا نیافتند که رهبری نهضتی را که خود نزدیک به یک قرن در جهت آن تلاش می‌کردند در دست گیرند و یا لااقل در رهبری آن سهیم شوند؟» نویسنده پیش‌گفتار خود را با سؤال فوق ادامه می‌دهد، در مورد پیچیدگی مناسبات تولیدی و روابط اجتماعی ناشی از آن، تشابه ظاهری برخی از اجزای آن با نظریه‌های مدون جوامع غربی صحبت می‌کند و بررسی‌های مندرج در کتاب خود را شناخت این مهم می‌داند که نظریه‌ای می‌تواند رخداد مساعد و مناسب تاریخی راهگشای مشکلات و معضلات جامعه ایران باشد.

نویسنده هدف نهایی این اثر را این می‌داند که انگیزه‌های اندیشمند و زمینه‌ساز بررسی‌های عمیق‌تری قرار بگیرد و به پاره‌ای از سؤالات اساسی درباره رخدادهای زمان ما پاسخ علمی و قانع‌کننده بدهد و به روشن ساختن حقایق تاریخی کمک نماید.

این کتاب شامل چهار فصل است که به اختصار معرفی می‌شود.

فصل اول به بطلان نظریه‌ی تکامل یک خطی جوامع بشری برای جامعه‌ی ایران در سه بخش، شیوه تولید آسیایی، شیوه تولید آسیایی یا نظام برده داری و فئودالی و مفهوم شیوه تولیدی و فرم‌اسیون تاریخی می‌پردازد.

فصل دوم، چرا ایران همزمان با غرب و یا اندکی پس از آن صنعتی نشد. شامل ۶ بخش با عناوین ۱. سرمایه‌ی تجاری و سرمایه ربوی ۲. مراکز موسسات تولیدی ۳. تولید کالای ساده و نقش بهره‌ی مالکان ۴. سرنوشت سرمایه‌های تجاری و مالی و نقش بورژوازی ۵. پایگاه قدرت‌های استبدادی در ایران ۶. علل عدم کاربرد علوم در فراگرد تولید در ایران

فصل سوم، سرآغاز دگرگونی‌های بنیادی در نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی ایران.

بخش اول: دوران مرکانتلیسم یا رسالت سرمایه‌ی سوداگر.

بخش دوم: ایران در دوران سرمایه داری غیر انحصاری و جذب آن به مدار نظام سرمایه‌داری.

بخش سوم: ایران در دوران سرمایه‌داری انحصاری.

بخش چهارم: تغییرات و تحولاتی در قشرها و طبقات اجتماعی درون شهرها.

بخش پنجم: تغییر و تحولات در قشرها و طبقات جامعه‌ی روستایی ایران.

تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (آزمونی مجدد)

نویسنده: یدالله دادگر

قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۳

آیا می‌دانستید در زمان‌های گذشته که انسان‌ها در مقابل برخی رویدادها از رفتار اقتصادی برخوردار بودند؟ یونان باستان (هند، چین، ایران) از پادشاهان تا مردم عادی از این رفتارها برای گذران زندگی خود استفاده می‌کردند. بعدها این رفتارها تبدیل به اصولی شدند که اگر افراد از آنها استفاده می‌کردند می‌توانستند پیشرفت کنند و

سودهایی به دست بیاورند. این اصول بعد از گذشت زمان به نظریات تبدیل شد که اقتصاددانان کشورها آنها را برای توسعه‌ی اقتصادی به کار می‌بردند. این نظریات این که منشأ به وجود آمدنشان چیست و اکنون بعد از اصلاحات به چه صورت در آمده اند در کتاب تاریخ تحولات اندیشه‌ی اقتصادی توسط یدالله دادگر ذکر شده‌اند.

این کتاب در شش بخش و هفده فصل تدوین شده است. بخش اول به زمان‌های گذشته اشاره می‌کند با عنوان مقدمه و اندیشه‌ی اقتصادی شرق باستان که زمینه‌های ابتدایی شکل‌گیری عقاید را تبیین می‌کند. اندیشه‌های غرب قدیم تا اندیشه‌های قرون وسطا، روز اندیشه‌های اقتصادی در یونان باستان، تشکیل افکار کلاسیک، انقلاب صنعتی و تاثیر آن بر تحولات تفکر اقتصادی، منتقدان کلاسیک‌ها، عقاید مکاتب تاریخی و رمانتیک‌گرایی و سوسیالیست‌ها فصل‌های بعدی این کتاب است. در آخر اندیشه‌ی نئوکلاسیک‌ها و منتقدان آنها، مکاتب تکمیلی و معاصر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

مقالات

در زمینه توسعه و نظریات توسعه اقتصادی مقالات متعددی نوشته شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. آخوندزاده، سعید (۱۳۸۶)، «مروری بر نظریات رشد اقتصادی»، مجله دانش پژوهان، س ۶، ش ۱۰، ص ۴ - ۱۸.
۲. پایا، علی (۱۳۸۷)، «آیا الگوی توسعه ایرانی - اسلامی دست یافتنی است؟»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، س ۱۵، ش ۶۰، ص ۶۰ - ۳۱.
۳. سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر الگوی توسعه اسلامی ایرانی»، متن سخنرانی‌های نشست، شماره ۱۷.
۴. رزمی، سید علی اکبر (۱۳۸۹)، «ارزیابی نظریات روش‌شناسی علم اقتصاد»، مجله علمی - پژوهشی دانش و توسعه، ش ۱۷.



۱. اهداف تأسیس مرکز در دانشگاه چه بوده است؟

مرکز مطالعات دانشگاه مفید در تابستان ۱۳۸۴ با هدف تولید دانش و توسعه ادبیات حوزه اقتصاد با تأکید بر پژوهش‌های اقتصاد اسلامی و میان رشته‌ای، تبیین و ترویج اندیشه‌های اسلامی در زمینه اقتصاد، تبیین مبانی و اصول جاری در نظام اقتصادی مبتنی بر تعالیم اسلامی، مشاوره و تبادل علمی با مراکز مشابه در داخل و خارج کشور و تربیت پژوهشگران توانمند تأسیس شد. این مرکز با انجام طرح‌های تحقیقاتی، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های کوتاه مدت، همایش‌ها، سخنرانی‌ها، نشست‌های تخصصی، مشاوره با نهادهای اجرایی تحقق اهداف یاد شده را دنبال می‌کند.

۲. این مرکز تا کنون چه فعالیت‌هایی انجام داده است؟

مرکز مطالعات اقتصادی فعالیت‌های گوناگونی در زمینه‌های مختلف علمی - پژوهشی نظیر برگزاری همایش‌های اقتصادی، سخنرانی علمی، نشست‌های تخصصی،

کارگاه‌های آموزشی، جلسات نقد و بررسی کتاب و طرح‌های مختلف پژوهشی در حوزه‌ها و مسائل گوناگون اقتصادی انجام داده است. علاقمندان می‌توانند با مراجعه به پایگاه اینترنتی دانشگاه مراکز مطالعاتی، مرکز مطالعات اقتصادی در جریان اقدامات انجام شده قرار گیرند.

۳. مرکز برای آینده خود چه برنامه‌هایی دارد؟

مبادله دستاوردهای تحقیقاتی با سازمان‌های علمی و تحقیقاتی مشابه، مساعد نمودن هر چه بیشتر زمینه تحقیق برای دانش پژوهان در قلمرو اقتصاد، برگزاری دوره‌های کوتاه مدت آموزشی، شناسایی، جذب و هدایت نخبگان جوان به منظور استفاده از ظرفیت‌ها و استعدادها و آنان در زمینه مسائل مختلف اقتصادی، گسترش و کاربردی نمودن دیدگاه بین رشته‌ای به مسائل اقتصادی، فراخوان اقتصادی مرکز جهت ارائه سیاست‌ها و برنامه‌های عملیاتی به منظور بهبود وضعیت بخش‌های مختلف اقتصادی در قالب طرح‌های مطالعاتی و پژوهشی و حمایت از پایان نامه‌ها و مقالات با موضوعات و محورهای خاص مطابق با اهداف مرکز مطالعات از مهم‌ترین برنامه‌هایی است که مرکز آن را دنبال می‌نماید.

۴. چگونه دانشجویان اقتصاد می‌توانند با این مرکز همکاری داشته باشند؟

مرکز مطالعات اقتصادی آمادگی خود را جهت تبادل نظر و استفاده از ظرفیت‌های فکری و علمی همه دانشجویان محترم اعلام می‌دارد. در نخستین گام تشکیل اتاق فکر دانشجویی و سلسله نشست‌های هم‌اندیشی اقتصادی اقدامی اولیه جهت شناسایی استعدادها و قابلیت‌های دانشجویان و مشارکت هر چه بیشتر آنان در زمینه‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. دانشجویان محترم می‌توانند از طریق پست الکترونیک مرکز به نشانی ces@mofidu.ac.ir صندوق پستی ۳۶۱۱-۳۷۱۸۵ و یا تماس با شماره ۰۲۵۳۲۱۳۰۲۹۰ طرح‌های تحقیقاتی، ایده‌های علمی، نظرات و پیشنهادات خود را به اطلاع مرکز

کافش پژهان

برسانند. مرکز مطالعات اقتصادی تمام تلاش خود را جهت بهره‌مندی از توانمندی‌های علمی - پژوهشی همه عزیزان به کار خواهد گرفت.

۵. ضمن تشکر از شما به خاطر حضور در این گفت‌وگو، در آخر اگر نکته ناگفته‌ای به نظر تان می‌رسد، بیان بفرمایید.

ضمن تشکر از تلاش همه دوستان در نشریه علمی - دانشجویی دانش پژوهان، امید است مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه با توکل به عنایت خداوند متعال، با مدیریت جناب آقای دکتر الهی و همکاری همه بخش‌های مختلف دانشگاه به خصوص اعضای هیأت علمی اقتصاد، بتواند گامی بلند در جهت تعالی مفهوم مطالعات اقتصادی و ارتقا جایگاه آن در تصمیم‌سازی‌های خرد و کلان مراکز اقتصادی ایران برداشته، همچنین گام‌های مؤثری در جهت نیل به شرایط اقتصادی مطلوب و کاستن از مشکلات اقتصادی کشور بردارد. در این مسیر صمیمانه از نظرات، پیشنهادها و هم‌فکری سازنده همه اندیشمندان، فرهیختگان و صاحبان قلم استقبال می‌نماید.



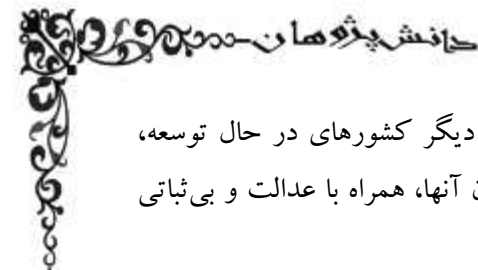
اسلام و توسعه اقتصادی

مؤلف: م. ع. چپرا

مترجمان: محمد نقی نظر پور، سید اسحاق علوی

تاریخ نشر: بهار ۱۳۸۳

در مقدمه این کتاب این طور آمده است: کشورهای اسلامی با وجود آن که برخی نسبتاً ثروتمند و برخی دیگر به غایت فقیر، همگی در شمار کشورهای در حال توسعه قرار می گیرند. اغلب این کشورها، خصوصاً کشورهای فقیرتر، نظیر سایر کشورهای در حال توسعه، در گرداب انواع معضلات بسیار حاد محصور مانده اند. یکی از این معضلات عدم تعادلها در سطح اقتصاد کلان این کشورهاست که در نرخهای بالای بیکاری و تورم، کسریهای شدید در تراز پرداختها، کاهش دائمی ارزش پول و بار سنگین بدهی نمود و بروز یافته است. معضل دیگر، نابرابری شدید درآمد و ثروت طبقات مختلف در هر یک از این کشورها و نیز در کشورهای اسلامی است. با این حال آنچه برای کشورهای مسلمان ضرورت به نظر می رسد، نه صرف رسیدن به نرخ نسبتاً بالای رشد، بلکه کاهش عدم تعادل کلان اقتصادی و نابرابریهای اجتماعی -



اقتصادی است. از این رو، کشورهای مسلمان، نظیر دیگر کشورهای در حال توسعه، باید در پی راهبرد توسعه‌ای باشند که به رشد شتابان آنها، همراه با عدالت و بی‌ثباتی کمتر، کمک کند. این کتاب شامل شش فصل است:

فصل اول: با عنوان نوع توسعه به بیان مسائلی از جمله: ثبات و اهداف اجتماعی - اقتصادی، اهداف - راهبرد و جهان‌بینی، جهان‌بینی اسلامی، اهداف اسلام، فرضیه اصلی، کارآیی و عدالت، عناصر یک راهبرد موفق، نیاز به راهبرد جدید، پرداخته است. **فصل دوم:** این فصل به این پرسش پاسخ خواهد داد که آیا سکولاریسم می‌تواند موجبات توسعه عادلانه را فراهم سازد؟

فصل سوم: این فصل ناسازگاری‌های اقتصاد توسعه را بررسی می‌کند، در پایان با بررسی در مثال کره جنوبی و ژاپن نگاهی به آینده دارد و در حلقه‌ی مفقوده راه حل را بیان کرده است که چگونه می‌توان از این دو کشور درس گرفت و به توسعه رسید.

فصل چهارم: با موضوع راهبرد اسلامی و برشمردن اجزای مهم آن پنج راهکار را برای توسعه ارائه می‌دهد، این راهکارها عبارتند از: ۱. تقویت عامل انسانی ۲. کاهش تمرکز ثروت ۳. تجدید ساختار اقتصادی ۴. تجدید ساختار مالی ۵. برنامه‌ریزی سیاست راهبردی. **فصل پنجم:** با عنوان دلایل شکست به این مسأله می‌پردازد که چرا با وجود آن که اسلام می‌تواند راهبرد قابل اجرایی برای توسعه‌ی توأم با عدالت ارائه دهد و حتی قادر است برای ایجاد شرایط چنین توسعه‌ای، در مردم انگیزه ایجاد کند کشورهای اسلامی در تدوین و اجرای سیاست‌هایی در پرتو این راهبرد، ناکام مانده‌اند؟ پاسخ به این سؤال از جمله مسائلی است که در این فصل بدان پرداخته شده است.

فصل ششم: نویسنده در فصل پایانی کتاب خود با عنوان نتایج به یک نتیجه‌گیری کلی در مورد توسعه توأم با عدالت رسیده و آن این که بدون مد نظر قرار دادن جنبه‌ی اخلاقی در همه‌ی تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی که به طور مستقیم بر تخصیص و توزیع منابع اثر می‌گذارد، نمی‌توان به تخصیص مجدد عادلانه دست یافت و راهبرد اسلامی است که می‌تواند این مهم را به انجام برساند.

(معرفی از: ریحانه لبافی، دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه مفید)

در جست‌وجوی آرمان شهر نبوی، رویکرد اقتصادی - سیاسی ابوذر

مؤلف: محمدرضا یوسفی

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۸۶

نویسنده در مقدمه کتاب این طور بیان کرده است: بررسی اندیشه مسلمانان نخست از این جهت دارای اهمیت است که اسلام به عنوان یک «نظام» مطرح شده است. مسلمانان در ایجاد و شکل‌دهی نهادهای نوین اقتصادی - اجتماعی و یا اصلاح نهادهای اقتصادی گذشته، تجربه‌ی جدیدی را گذرانده‌اند. نهادهایی، مانند حکومت و مباحثی درباره‌ی آن، از جمله‌ی این نهادهای جدید بوده که مسائلی مانند بیت‌المال، منابع درآمدی دولت، چگونگی هزینه‌ها و اختیارات حاکم مسلمانان را در جامعه‌ی صدر اسلام مطرح کرده است، مسلمانان نخست بر حسب استعداد و توانایی خود در دو مقام:

۱. تبیین موضع دین در چالش‌ها و مسائل فراروی جامعه؛

۲. تبیین و تحلیل شرایط اقتصادی - اجتماعی جامعه تلاش کردند.

بر این اساس بررسی دیدگاه‌های مسلمانان صدر اسلام به ویژه افراد برجسته‌ای مانند ابوذر از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین بیان می‌کند که: جامعه آرمانی ابوذر، جامعه‌ای اخلاق‌گرا، عدالت‌محور، جامعه‌ای معنوی منهای فقر و شکاف عظیم طبقاتی بود، او انسانی اخلاقی بود که قرب خدا را در خلوت خویش جست‌وجو نکرد؛ بلکه آن را در هموار کردن جاده‌ی عدالت، حساسیت در برابر ظلم، تبعیض، نابرابری، یاری مستمندان، تلاش برای احقاق حق محرومان، درنهایت تحقق جامعه‌ی اخلاقی و عادلانه پی می‌گرفت. این کتاب در ۴ فصل تنظیم شده است که خلاصه‌ی آن از این قرار است:

فصل اول: این فصل شامل دو بخش می‌شود، نخست شخصیت ابوذر را معرفی می‌کند در بخش دوم آن به بیان دیدگاه‌های گوناگون درباره‌ی ابوذر می‌پردازد.

فصل دوم: نویسنده کتاب در این فصل به بررسی اندیشه‌های سیاسی - اقتصادی ابوذر همان‌گونه که تاریخ بیان کرده است پرداخته همچنین در این فصل نزاع‌های تاریخی و مشهور ابوذر با عثمان خلیفه‌ی سوم و معاویه نقل شده است.

فصل سوم: این فصل به بررسی دیدگاه‌های ابوذر می‌پردازد و شامل ۴ بخش می‌شود: بخش اول روند اشرافی‌گری را بررسی می‌کند و ارزش‌ها و هنجارها، رویکرد دین در تثبیت ارزش‌های معنوی نابرابری و تغییر هنجارهای جامعه، مسئولیت صحابه و ضرورت ساده‌زیستی، رسالت ابوذر در مبارزه با اشرافی‌گری را بیان می‌کند. در بخش دوم در این فصل نویسنده دولت سالم و کارا را تعریف می‌کند، ضمن این تعریف به بیان دولت رانیت‌ر می‌پردازد و تأثیر درآمدهای دولت رانیت‌ر از سه جنبه‌ی: ۱. تأثیر بر دولت ۲. تأثیر بر رابطه‌ی دولت ۳. تأثیر بر اقتصاد داخلی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تحلیلی بر دولت صدر اسلام پس از رحلت پیامبر (ص)، انتقادات ابوذر از دیگر مواردی است که در این بخش از فصل سوم به آن‌ها پرداخته می‌شود. بخش سوم وجوب مازاد زکات بر توانگران را مطرح می‌کند و ادله‌ی ابوذر در اثبات وجوب حق مالی مازاد بر زکات را بیان می‌دارد.

فصل چهارم: پیام ابوذر برای عصر ما در این فصل آورده شده و نویسنده در فصل پایانی کتاب خود جامعه‌ی آرمانی ابوذر و شرایط تحقق آن را بیان نموده است.
(معرفی از: ریحانه لبافی، دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه مفید)

اقتصاد بخش عمومی

نویسنده: یدالله دادگر

تاریخ نشر: ۱۳۸۶

یکی از رشته‌های علمی، در زیر مجموعه علوم اقتصادی، که به ویژه از دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی به بعد اهمیت خاصی پیدا کرده است «اقتصاد بخش عمومی» است، که در حال حاضر نیز، بخش قابل توجهی از ادبیات اقتصادی، در سطح نظری و

مجموعه‌ای از توصیه‌های سیاست‌گذاری در سطح اجرایی، درباره‌ی اقتصاد بخش عمومی است و در آن به تجزیه و تحلیل هزینه‌های دولتی و همچنین ارزیابی درآمدهای بخش عمومی پرداخته می‌شود.

کتاب حاضر تحت عنوان: «اقتصاد بخش عمومی» نوشته‌ی دکتر یدالله دادگر، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی است که چاپ اول آن در فروردین ۱۳۸۰ منتشر شده است و چاپ دوم که در بهار ۱۳۸۶ توسط انتشارات دانشگاه مفید به چاپ رسیده است. در چاپ دوم، فصول کتاب به ۱۴ فصل گسترش یافته است. این ۱۴ فصل به شرح ذیل می‌باشند:

فصل اول: مقدمه و کلیاتی از اقتصاد بخش عمومی

فصل دوم: اقتصاد رفاه و کارآیی

فصل سوم: دولت در نظریه‌ی اقتصادی و نارسایی در بازار

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل کالاهای عمومی

فصل پنجم: تجزیه و تحلیل پیامدها و آثار جانبی

فصل ششم: انتخاب دسته جمعی و مسأله دیوان سالاری

فصل هفتم: نظریه‌های گسترش بخش عمومی و اندازه‌ی دولت

فصل هشتم: نقش دولت در تثبیت اقتصادی و مبارزه با فقر و نابرابری

فصل نهم: توزیع درآمد و گزارش‌واره‌ای از تثبیت و توزیع در اقتصاد ایران

فصل دهم: بودجه و عملکرد مالی دولت‌ها

فصل یازدهم: هزینه‌ها و درآمدهای بخش عمومی

فصل دوازدهم: تجزیه و تحلیل آثار و پیامدهای اقتصادی مالیات و یارانه

فصل سیزدهم: ارزیابی طرح‌های دولتی، تأمین اجتماعی و قرضه ملی

فصل چهاردهم: موضوعات تکمیلی و معاصر در اقتصاد بخش عمومی

بنابراین کتاب حاضر در تلاش بوده است که از موضوعات جدید در بخش عمومی، مانند کاربرد نظریه بازی‌ها، نظریه‌ی اقتصادی سیاست، مقوله دیوان سالاری،

تعدیل اقتصادی و امثال آن را در حد امکان استفاده نماید. همچنین، برخی از کارکردهای اقتصاد بخش عمومی را برای اقتصاد ایران ذکر کرده است. در پایان، پیشنهاد نویسنده‌ی کتاب این است که در رشته‌هایی که اقتصاد بخش عمومی به دو درس اقتصاد بخش عمومی (۱) و (۲) تفکیک شده است، فصول اول تا هفتم این کتاب تحت عنوان اقتصاد بخش عمومی (۱) و مابقی در (۲) تدریس می‌شود. (معرفی از: میثم حقیقی دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه مفید)

تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (آزمونی مجدد)

نویسنده: دکتر یدالله دادگر

تاریخ نشر: چاپ اول ۱۳۸۳؛ چاپ دوم ۱۳۸۹.

این کتاب در شانزده فصل تدوین شده که هر فصل به صورت جداگانه معرفی می‌شود:

فصل اول: جایگاه تاریخ عقاید اقتصادی، زمینه‌ها و ضرورت‌ها

این فصل شامل دو بخش است که بخش نخست آن به بررسی فوائد مطالعه تاریخ عقاید اقتصادی می‌پردازد. مطالعه تاریخ عقاید اقتصادی به عنوان ابزاری برای مقایسه کارآمدی و ناکارآمدی تفکرات و مکاتب اقتصادی می‌باشد. با کمک شناخت و تحلیل اندیشه‌های اقتصادی و تبیین کارکرد مربوط به آن، به پیش‌بینی‌های مفید در امور واقعی زندگی اقتصادی می‌توان دست یافت. بخش دوم آن به آسیب‌شناسی تاریخ عقاید اقتصادی می‌پردازد و بیان این که برخی مطالعه تاریخ اندیشه را به عنوان یک رشته غیر علمی تلقی می‌کنند. برخی نیز نگاه ریاضی‌وار و کمی به این علم دارند. آلفا چیانگ صاحب نظر مشهور اقتصاد ریاضی، تصریح می‌کند: «با وجود قبول مزایای اقتصاد ریاضی، نمی‌توان تمام دیدگاه‌های اقتصادی را به زبان ریاضی درآوریم. زیرا برخی از مسائل قابل حل و فصل از طریق ریاضی نیستند.»

فصل دوم: اندیشه‌های اقتصادی مشرق زمین پیش از میلاد مسیح (ع)

هدف این فصل آن است که نشان دهد عمده‌ترین ریشه‌های مباحث اقتصادی که معمولاً آغازگر آن را غرب و تمدن‌های یونان و روم ذکر می‌کنند، در میان ملل و تمدن‌های شرقی قرن‌ها پیش از غرب بیان شده است. یکی از تمدن‌های شرقی مربوط به بابلی‌هاست که اولین قانون جهان را در ۲۸۵ ماده مدون ساخته‌اند که مربوط به مقررات اموال منقول و غیر منقول، تجارت، اقتصاد، صنعت بوده است. و همچنین عقاید اقتصادی ایران باستان، هند و چین باستان نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم: اندیشه‌های اقتصادی یونان باستان

این فصل به بیان پایه‌ها اندیشه اقتصادی یونانیان می‌پردازد. در این تمدن در حوزه اندیشه‌ی اقتصادی، تنها به تک‌نگاری‌ها و گزاره‌هایی برخورد می‌کنیم. به بیان دیگر نمی‌توان مکاتب منسجم و یا عناصر کاملاً جدیدی را در اندیشه اقتصادی این تمدن نشان داد. همچنین تفکرات اقتصادی سولون (رهبر اصلاح طلب) و چهار حکیم معروف یونان (سقراط، گزنفون، افلاطون و ارسطو) مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم: اندیشه‌های اقتصادی در روم باستان تا آغاز قرون وسطا

روم وارث تمدن‌های گذشته به ویژه تمدن عظیم یونان است. تاریخ دقیقی به عنوان آغاز تمدن روم بیان نمی‌شود. نحوه‌ی حکومت‌داری، هنر مدیریت، انضباط و پایداری قانون، روحیات و گرایش‌های ارزشی و فلسفی خاص آنان بر اندیشه‌های اقتصادی سیطره دارد. نکته‌ای که می‌تواند ثمره قابل توجهی در عقاید اقتصادی داشته باشد، چارچوب مقررات مالی در روم قدیم است.

فصل پنجم: عقاید اقتصادی قرون وسطا

در این فصل نویسنده به بررسی حوادث و اندیشه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی سال‌های ۵۰۰ میلادی تا ۱۵۰۰ میلادی می‌پردازد که از سقوط امپراطوری روم غربی تا

سقوط امپراطوری روم شرقی (بیزانس) به دست ترک‌های عثمانی است. این دوران به قرون وسطا (Dark ages) مشهور است.

تحولات پس از سقوط روم غرب، بروز فئودالیسم، ظهور اندیشه مدرسی و سیطره‌ی یک قرائت خاص بر جامعه، از نمونه حوادث این دوران است که اندیشه‌های اقتصادی به خصوصی را به همراه دارد.

فصل ششم: تحولات اقتصادی رنسانس و اندیشه سوداگران اولیه

آغاز قرن ۱۴ تا آغاز قرن ۱۷ به رنسانس (عصر روشنگری) معروف است. آغاز تحولات فرهنگی در ایتالیا، در اوایل قرن ۱۴ میلادی را ابتدای رنسانس قلمداد می‌کنند. این تحولات تا سال ۱۶۰۰ میلادی به سایر کشورها نیز سرایت کرد. در این دوره اندیشه چند پدیده مورد آزمون قرار می‌گیرد از جمله پدیده اصالت انسان (اومانیزم)، اصلاحات در اندیشه دینی و بروز پدیده دئیسم، فراهم شدن زمینه‌های اولیه‌ی شکل‌گیری نظام سرمایه‌داری و تدیون علم اقتصاد، کنار رفتن فئودالیسم و تغییر در اندیشه مربوط به حضور دولت در اقتصاد.

فصل هفتم: پیشگامان اقتصاد کلاسیک از سوداگرایان و فیزیوکرات‌ها

این فصل در مورد سوداگرایان ثانویه است که نقش آنان را در تکوین مکتب اقتصاد کلاسیک و نظام سرمایه‌داری از یک سو و شکل‌گیری علم اقتصاد از سوی دیگر بیان می‌کند از جمله اقتصاددانان این مکتب می‌توان ویلیام پتی، جان لاک، ماندیل اشاره نمود.

فصل هشتم: اندیشه اقتصاددانان کلاسیک از اسمیت تا ریکاردو

آدام اسمیت (۱۷۹۰ - ۱۷۲۳) مشهورترین اقتصاددان مکتب کلاسیک است. کتاب معروف او، ثروت ملل - در سال ۱۷۷۶ منتشر شد. اسمیت عقیده‌ای به دخالت نیروهای

به اصطلاح «خارجی» چه دولت و چه عناصر متافیزیکی در اقتصاد نداشت. مقوله دست نامرئی اسمیت که او به دنبال آن است که به گونه‌ای بین منافع شخصی و منافع اجتماعی هماهنگی ایجاد نماید پیش شرط آن، وجود بازار رقابت کامل است.

فصل نهم: دیگر کلاسیک‌ها، استوارت میل

درگذشت ریکاردو و تحولات بعد از آن، نوعی خط‌کشی بین افکار اقتصادی به وجود آورد به گونه‌ای که گروهی از اقتصاددانان طرفدار ریکاردو و گروه‌هایی مخالف او بودند. در این فصل به بررسی اندیشه‌های اقتصادی این گروه‌ها پرداخته است.

فصل دهم: اندیشه‌های اقتصادی مکتب تاریخی، ملی‌گرایان و اقتصاددانان اولیه آمریکایی

مبنای عقاید اقتصادی مکتب تاریخی با مکتب رمانتیک‌گرایی مرتبط است که به نقد فلسفه عصر روشنگری (رنسانس) پرداخته است. برخی از متفکرانی که هدایت‌گر عقاید فلسفی مکتب تاریخی بودند: مانند فیشته، مولر که با آزادی اقتصادی به نحو و آزادی سیاسی بر مبنای لیبرالیسم مخالف بودند.

فصل یازدهم: اندیشه‌های اقتصادی سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها (دیگر منتقدان کلاسیک)

این فصل دیدگاه‌های قوی‌ترین منتقدان کلاسیک را مورد بررسی قرار می‌دهد. ره آورد مکتب کلاسیک، از نظر اقتصادی و اجتماعی پاسخگوی دشواری‌های مربوطه نبود، مشکل فقر و بیکاری حل نشده بود، اقتصاد خودکار، با واقعیات جامعه پس از انقلاب صنعتی سازگار نبود. شورش‌های زیادی به وقوع پیوست که بین ۱۸۴۲ تا ۱۸۴۳ به اوج خود رسید و در فرانسه منجر به انقلاب سال ۱۸۴۸ گردید.

این حوادث زمینه‌های اولیه تدوین نظریه‌های سوسیالیست‌ها را فراهم نمود.

فصل دوازدهم: اندیشه نهایی گرایی و تحول جدید در اقتصاد سیاسی

این فصل به انقلاب نهایی گرایی و زمینه‌های ظهور مکتب نئوکلاسیک اشاره دارد. در ابتدای دهه ۱۸۷۰ سه کتاب مهم در اقتصاد به رشته‌ی تحریر در آمد که زمینه را برای انقلاب نهایی گرایی ایجاد نمودند. از جمله عقاید نهایی گرایان این که نگرش فردی به اقتصاد دارند و قیمت‌های نسبی را ملاک قرار می‌دهند. دیدگاه دیگر نهایی گرایان، این است که طرف تقاضا، نیروی اولیه در تعیین ارزش است.

فصل سیزدهم: تکامل و تثبیت اقتصاد نئوکلاسیک

نویسنده در این فصل به تکمیل مباحث قبلی پرداخته است. روند تکاملی نظریه ارزش و قیمت را مورد بررسی قرار داده و همچنین به عقاید اقتصادی مارشال و مکتب کمبریج، که هر دو سهم زیادی در توسعه نئوکلاسیک داشته‌اند، پرداخته است.

فصل چهاردهم: عقاید اقتصادی نهاد گرایان و کینزی‌ها

نهاد گرایی یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی است که نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تأکید قرار می‌دهد. این حرکت از اواخر قرن ۱۹ به ویژه در میان اقتصاددانان آمریکایی بروز نمود. به نظر می‌رسد که دشواری‌های حاصل از کارکرد اقتصاد سرمایه‌داری امریکا با رویکرد نئوکلاسیک، یکی از زمینه‌های اجتماعی بروز اندیشه نهاد گرایی باشد.

فصل پانزدهم: عقاید تکمیلی و اندیشه‌های اقتصاد خردی

این فصل به عقاید مربوط به اقتصاد رفاه، اقتصاد ریاضی، اقتصاد سنجی و اقتصاد پولی پرداخته است. کاربرد عناصری مانند برنامه ریزی خطی، تعادل عمومی، داده و ستانده‌ها، حداکثر و حداقل کردن، اولین مظاهر کاربرد ریاضیات در اقتصاد شمرده

می‌شوند. اولین اقتصاددانانی که تلاش‌هایی در راه اندازی اقتصاد ریاضی انجام داده‌اند از مکاتب پیش از کلاسیک به ویژه فیزیوکرات‌ها بوده‌اند.

فصل شانزدهم: سیر اندیشه‌ی اقتصادی کلان و توسعه اقتصادی

نویسنده در این فصل عقاید هفت مکتب معروف در اقتصاد کلان را مورد بررسی قرار داده در ضمن به انقلاب کنیزی نیز پرداخته است. اندیشه کنیز، در اقتصاد کلان به عنوان یک موضوع محوری جهت مراجعه و مقایسه دیگر عقاید اقتصاد کلان مطرح است. یک موضوع وحدت بخش و نزدیک‌کننده عقاید، در تکامل اقتصاد کلان جدید، جدال همیشگی عقاید کلاسیکی و کنیزی است. هر یک از این مکاتب هفت‌گانه را می‌توان بر حسب تفسیری کلی، به عنوان طرفدار یکی از دو دیدگاه کلاسیکی یا کنیزی قلمداد نمود.

(معرفی از: اکرم ملکی، دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه مفید)

مجموعه مقالات همایش مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلام

مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید

تاریخ نشر: ۱۳۸۸

مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید، به منظور بررسی مباحث مالیاتی با نگاه اسلامی، اقدام به برگزاری همایش «مبانی فقهی و اقتصادی مالیات‌های اسلامی» با همکاری سازمان امور مالیاتی کشور نموده و مجموعه مقالاتی که در این همایش در تیر ماه ۱۳۸۷ ارائه شده است را به صورت یک کتاب، تحت همین عنوان به چاپ رسانده است.

کتاب حاضر، مجموعه مقالات ارائه شده و یا قابل چاپ همایش فوق‌الذکر می‌باشد. هشت مقاله ارائه شده در این همایش به شرح ذیل است:

۱. مقاله جناب آقای هادی امیری تحت عنوان «درآمدی بر نقش هنجارها در مالیات» (عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، در این مقاله، ایشان با در نظر گرفتن ساختاری چرخه‌ای برای ارتباط دادن هنجارها و رفتار کنش‌گران مالیاتی، بخشی از تحول هنجارها در مالیات را نشان داده است.

۲. مقاله سرکار خانم مهتاب رجبی، کارشناس امور مالیاتی استان همدان، شهرستان ملایر، تحت عنوان «مبانی و ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی و تأثیر آن بر فعالیت‌های اقتصادی» که به بررسی پرداخت‌های مالیاتی اسلامی از قبیل، زکات و ... می‌پردازد.

۳. مقاله جناب آقای دکتر مجید رضایی، عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید تحت عنوان «ویژگی‌های منابع مالی دولت اسلامی و اثر آن بر سرمایه‌گذاری اقتصادی» ایشان در این مقاله به بررسی انواع منابع مالی دولت اسلامی و خصوصیات آنها می‌پردازد و اثر شرعی بر سرمایه‌گذاری اقتصادی مورد بررسی قرار می‌دهد. و نشان می‌دهد که مالیات‌های شرعی به صورت‌های مختلف از سرمایه‌گذاری حمایت می‌کنند.

۴. مقاله جناب آقای سید، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مفید، تحت عنوان «تنافی بین عبادیت و وجوب اخذ مالیات‌های اسلامی»، ایشان در این مقاله به بررسی و تبیین ادله شرعی و وجوب قصد قربت در پرداخت زکات و خمس می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که منافاتی بین عبادی بودن مالیات‌های اسلامی و وجوب اخذ آن توسط حاکم وجود ندارد.

۵. مقاله جناب آقای محمد قائینی، استاد و پژوهشگر حوزه، با عنوان «زکات پول‌های رایج» به بررسی زکات پول‌های رایج می‌پردازد.

۶. مقاله جناب آقای دکتر سید ضیاءالدین کیاالحسینی عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مفید، با عنوان تأثیر خمس مکاسب بر توزیع درآمد. (مطالعه، ۱۳۸۴ - ۱۳۶۵) که به بررسی تأثیر خمس مکاسب بر توزیع درآمدی می‌پردازد و با مقایسه

ضریب جینی به عنوان یک شاخص توزیعی، قبل و بعد از اداء خمس می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که خمس مکاسب می‌تواند نقش عمده‌ای در توزیع درآمد داشته و آن را به طرف تساوی هدایت نماید.

۷. مقاله جناب آقای محمد تقی گلپیک حکیم آبادی، استادیار دانشگاه مازندران با عنوان «وجوه شرعی زکات و خمس با مالیات» می‌باشد که به بررسی سیر تحول منابع مالی دولت می‌پردازد و این منابع را با منابع دولت اسلامی مقایسه می‌کند، سپس مفهوم و جایگاه مالیات و اقسام آن را مورد بررسی قرار می‌دهد و با مقایسه ابعاد مختلف وجوه اسلامی و مالیات‌ها، در جهت روشن شدن ارتباط این دو، گام بر می‌دارد.

۸. مقاله جناب آقای حسن آقا نظری عضو هیأت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با عنوان تبیین مشترکات بین مالیات بر ارزش افزوده مصرف» بیان می‌کند که گستردگی و انعطاف‌پذیری نرخ آن زمینه مقایسه بین این نوع مالیات را با مالیات بر ارزش افزوده، فراهم می‌کند.

(معرفی از: میثم حقیقی دانش آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه مفید)

مجموعه مقالات همایش (وقف در بازار سرمایه)

تاریخ نشر: تابستان ۱۳۸۶

با توجه به اهمیت وقف در اسلام و تأکیدات فراوانی که دین مبین اسلام بر وقف و مسایل مربوط به آن داشته است از این رو امروزه قوانین و مقررات زیادی برای ترغیب خیرین به امر وقف و تسهیل این امر مقرر شده است و برای اجرای آن سیاست‌های فراوانی ارائه می‌گردد. وقف در بازار سرمایه موضوع سمینار علمی بود که با پیشنهاد دبیرکل وقت سازمان بورس اوراق بهادار کشور و با همکاری مشترک مرکز مطالعات اقتصادی دانشگاه مفید، سازمان اوقاف و امور خیریه و سازمان بورس اوراق بهادار کشور در اسفند ماه ۱۳۸۴ در دانشگاه مفید برگزار شد.

این سمینار یک روزه با عنوان «وقف در بازار سرمایه» در قالب پنج نشست برگزار گردید. در این نشست اول به بیان هدف برگزاری چنین همایش و موقعیت و جایگاه وقف در دین اسلام و اهمیت این موضوع پرداخته شده است.

در نشست دوم مقاله‌هایی با عناوین «امکان سنجی وقف پول مبتنی بر فقه شیعه»، «مروری بر الگوهای عملی وقف در بازار سرمایه» و «امکان سنجی فقهی پول توسط» آقایان ولی الله ملکوتی، نادر ریاحی و جواد سعادت فر ارائه گردید. در این نشست به تاریخچه وقف پول و اهمیت این موضوع در سایر ادیان الهی و آثار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آشنا پرداخته و سعی شده است که جایگاه وقف پول را در بین علمای اهل شیعه و سنت و دلایل آن‌ها مبنی بر پذیرفتن یا رد وقف پول مورد ارزیابی قرار گیرد. در این نشست سوم بیشتر مباحث در مورد وقف پول و شبهاتی است که در این مورد وجود دارد.

نشست چهارم در مورد وقف سهام است که مقاله‌هایی با عناوین «وقف و امور خیریه در بازار سرمایه»، «وقف سهام شرکت‌ها از دیدگاه اسلام» و «بررسی سرمایه‌گذاری در وقف» ارائه شده است. در نشست پنجم شیوه‌های جدید بهره‌وری اقتصادی وقف مورد بررسی قرار گرفته است.

(معرفی از: احمد محمدی، دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه مفید)

ملاحظات در ابزارهای تامین مالی در اسلام: نظریه و عمل

نویسندگان: پاول اس میلز - جان آر پرسلی

مترجمان: یدالله دادگر و سیداسحاق علوی

تاریخ نشر: ۱۳۸۲

با وجود نوپا بودن اقتصاد اسلامی و اندک بودن حجم تولیدات علمی در آن (در مقایسه با سایر رشته‌ها) از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد تحقیقات و مطالعات انجام شده در این زمینه سیر نسبتاً مناسبی به خود گرفته است.

گروهی از محققان و اندیشمندان اقتصادی و صاحب نظران علوم اسلامی در کشورهای اسلامی، در این زمینه مطالعاتی را شروع کرده و به تدوین کتاب‌ها و مقالاتی مبادرت می‌ورزیدند.

کتاب *ملاحظات در ابزارهای تامین مالی در اسلام: نظریه و عمل* حاصل تلاش علمی دو تن از محققان و اساتید رشته اقتصاد در دانشگاه‌های غربی است که توسط دکتر یدالله دادگر و سید اسحاق علوی در سال ۱۳۸۱ ترجمه گردیده است.

این کتاب در **فصل اول**، زمینه و اساس اقتصاد اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد و از نهاد توحیدی به عنوان اصل مشترک همه‌ی ادیان یاد می‌کند و تفاوت اسلام با سایر ادیان در جنبه‌های اجتماعی این دین آسمانی می‌داند. سپس اصول حاکم بر اقتصاد اسلامی از جمله اصل کفالت عمومی و محدودیت‌های مالکیت خصوصی، جزییات اقتصادی شریعت اسلام و اهداف نظام اسلامی را بیان می‌کند.

در **فصل دوم**، انتقادات اسلام نسبت به نرخ بهره را مد نظر قرار می‌دهد، شواهدی نیز از منابع معتبر اسلامی یعنی قرآن و سنت ارائه می‌کند. در بخش‌های بعدی پدیده بهره را از نظر حقوقی و اخلاقی مورد نقد قرار می‌دهد؛ سپس به تعاریف اسلامی پول و سرمایه می‌پردازد و در بخش نقد اقتصادی بهره، دیدگاه‌های مختلف اقتصاددانان مسلمان را در مورد پول بیان می‌کند و با مقایسه تعریف پول از دیدگاه اسلام و مسیحیت، نقد اسلام نسبت به نظریه‌های رایج بهره را عنوان می‌کند و نتیجه کلی انتقادات اسلام نسبت به نرخ بهره را توجیهات بعدی برای چیزهایی که قبلاً وجود داشته است، عنوان می‌کند.

نظام بانکی بدون بهره، مبانی نظری بانک بدون بهره و طرح‌های پیشنهادی اسلام برای نظام مالی بدون بهره عناوین **فصل سوم** این کتاب را تشکیل می‌دهد. همچنین در این فصل به بررسی سیاست‌های پولی و استقرار دولتی، آثار و نتایج نظام بانکی بدون بهره و ارزیابی نظام بانکی بدون بهره نیز پرداخته می‌شود.

فصل چهارم به الگوی مشارکت سود و زیان اختصاص یافته است و الگویی ارائه شده است که به بررسی وضعیت‌هایی می‌پردازد که سرمایه از طریق قراردادهای مبتنی بر ربا و مضاربه تامین مالی شده و اثبات می‌کند که مضاربه توانایی آن را دارد که به عنوان یک ابزار و حیانی کارآمد عمل کند. در ادامه این فصل با بررسی وضعیت تولید در حالات مختلف به مقایسه قراردادهای مضاربه و ربا می‌پردازد.

نویسندگان در **فصل پنجم** ابعاد عملی بانکداری بدون ربا را مورد توجه قرار داده و تجربیات بانکداری بانک‌های خصوصی اسلامی در کشورهای پاکستان و ایران را ارایه و با ذکر تعهدات و دارایی‌های آنان مشکلات عملی این نظام بانکی را مطرح می‌کند.

فصل ششم تأمین مالی بدون ربا و پایداری اقتصاد کلان را عنوان می‌کند و به ارزیابی نظریات پولی و مالی اقتصاد کلان می‌پردازد.

فصل هفتم را با طرح مباحث کلیدی نظام مالی اسلامی و بررسی رفتار پس اندازکنندگان در یک نظام اقتصادی بدون بهره آغاز می‌کند و در ادامه به تخصیص وجوه قابل وام دادن در اقتصاد بدون بهره اشاره می‌کند و ضمن معرفی ویژگی‌های تخصیصی ابزار تامین مالی PLS، به بررسی سپرده‌های بدون ارزش اسمی و رابطه مالیه عمومی و استقراض دولتی می‌پردازد.

فصل هشتم کتاب، ممنوعیت بهره در غرب را مورد بررسی قرار می‌دهد و با بیان خلاصه‌ای از اندیشه غربی‌ها در مورد بهره، نقش بهره بر مناسبات اقتصادی نظیر کار، مخاطره، پول و زمان را مورد توجه قرار می‌دهد و در پایان فصل نیز خلاصه‌ای از آنچه گفته شده ارایه می‌کند.

و در نهایت **فصل نهم** کتاب به نتیجه‌گیری و بررسی پیشرفت‌ها و مشکلات باقی مانده نظام بانکی غیر ربوی و طرح دیدگاه مکاتب مختلف فکری در این مورد که آیا بهره باید وجود داشته باشد؟ اختصاص یافته است.

(معرفی از: صدیقه زکی دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه مفید)

درس‌هایی در اقتصاد اسلامی

ترجمه: جمعی از دانش‌آموختگان دانشگاه مفید

تاریخ نشر: بهار ۱۳۸۴

این کتاب خلاصه بحث‌های همایش «تدریس اقتصاد اسلامی در سطح دانشگاه‌ها» است که هدف آن ارائه دیدگاه‌های جامع و در عین حال کلی در مورد اقتصاد اسلامی است، این کتاب شامل شش بخش و بیست و شش فصل می‌باشد.

بخش اول: ما را با مبانی شرعی اقتصاد اسلامی آشنا می‌کند، که شامل چهار فصل مستقل می‌شود. **فصل اول:** اهداف عمومی شریعت را بررسی کرده و یکی از مباحثی که پیرامون آن بحث می‌شود را اجرای عدالت از دیدگاه اسلام می‌داند. در این فصل به پنج مورد مذهب، حیات، عقیده، سعادت و ثروت اقتصادی که شریعت مقدس باعث حفظ و رشد آن شده است اشاره می‌شود. **فصل دوم:** مفاهیم اساسی اسلامی مرتبط با اقتصاد و فعالیت‌های انسان را بررسی و تاکید می‌کند، که هدف اساسی شریعت، حمایت، بهبود و ترقی رفاه زندگی انسان است. **فصل سوم:** در مورد مسایل قرض، مبادله، و بهره بحث می‌کند. هدف قرض، دلیل حرمت ربا، دلایل تحریم ربا، انواع ربای موجود، تعریف مالکیت و مباحثی هستند که در این فصل مورد بحث واقع می‌شوند. **فصل چهارم:** مسایل مضاربه، مشارکت، و اجاره را مورد بحث قرار می‌دهد. این قراردادها نوعی روابط اقتصادی میان افراد است که بیشتر از مبادله بر همکاری عوامل دخیل استوار است.

بخش دوم: به مطالعه روش‌شناسی و مقصود از اقتصاد اسلامی اختصاص داده شده است. این بخش شامل پنج فصل می‌شود که در زیر توضیح داده خواهد شد. **فصل پنجم:** تفاوت‌های اقتصاد اسلامی و با اقتصاد مدرن را بیان می‌کند، همچنین مبانی و جهان‌بینی اقتصاد اسلامی و اقتصاد سکولار را به خوبی مشخص می‌کند.

فصل ششم: به مطالعه‌ی متدولوژی (روش‌شناسی) اقتصاد اسلامی پرداخته است. در این فصل به بیان این نکته اشاره دارد که خداوند شریعت مقدس اسلام را فرستاد و

دستورات مشترکی برای همه‌ی زنان و مردان فرستاد. این دلالت بر آن دارد که الگوهای رفتاری می‌تواند به خوبی فهمیده و مورد بازنگری واقع شود. نکته‌ی دیگر آن است که گزاره‌های دستوری به صورت مستقیم از قرآن و روایات رسیده است.

فصل هفتم: در این فصل به طور اخص سراغ سیمای پولی نظام اقتصاد اسلامی می‌رود. این نظام شامل قوانین ضوابط و ارزش‌هایی است که به همراه هم تلاش دارند که به معادله‌ی اساسی اقتصاد پاسخ دهند. (چه چیزی، چگونه و برای چه کسی تولید شود).

فصل هشتم: در باره‌ی نقش دولت در نظام اسلامی بحث می‌کند، فرض بر این بنا شده است که نقش دولت اسلامی (خلیفه) گسترش مراقبت از منافع مردمش بر دنیا و آخرت است، همچنین اولویت‌ها و اهداف دولت اسلامی می‌پردازد.

بخش سوم: در بخش سوم کتاب درس‌هایی در اقتصاد اسلامی به بررسی اقتصاد در سطح خرد و کلان پرداخته است. این بخش شامل هشت فصل است که توضیح فصول به شرح زیر است.

فصل نهم: به بررسی مفهوم مالکیت در اسلام می‌پردازد. این مفهوم داری دو جنبه‌ی مختلف است که بخش عمومی و بخش خصوصی است، تعیین حدود مالکیت عمومی و خصوصی از جانب شریعت ضروری است تا دولت اسلامی برای اجرای اهداف ضروری‌اش منابع کافی در اختیار داشته باشد.

فصل دهم: نظریه مصرف‌کننده با بیان دلایل طرفین در تاثیر وارد کردن زکات در تابع مصرف بحث می‌کند. برخی از اقتصاد دان‌ها معتقدند وارد کردن زکات در تحلیل‌های کلان باعث انتقال تابع مصرف به سمت بالا می‌شود.

فصل یازدهم: نویسنده تلاش‌های انجام شده برای ایجاد الگو در تحلیل‌های اقتصاد کلان را بیان می‌کند، نویسندگان اسلامی برای فرمولی کردن الگوهای اقتصاد کلان بر اساس الگوی آی لی - ال ام با دو تغییر (حذف بهره و وارد کردن زکات) تلاش نموده‌اند.

فصل دوازدهم: در این فصل تابع تقاضای سرمایه گذاری براساس مشارکت در سود و زیان می پردازد، موضوع اساسی در مورد اصل مشارکت سود و زیان مطرح شده است. این اصل تابع تقاضایی برای سرمایه گذاری پدید می آورد که با نسبت سهم سود شناخته می شود.

فصل سیزدهم: در این فصل مولف محترم به دنبال اثبات تبدیل نرخ بهره از پیش معین شده به متغیر بازدهی انتظاری است. (نرخ انتظاری به طور واقعی در تصمیمات سرمایه گذاری بیشتر از نرخ بهره ثابت تاثیر می گذارد.) البته این مقاله به بررسی مسایل الگوهای اقتصاد اسلامی نیز می پردازد. (الگوها)

فصل چهاردهم: رفتار مصرف کننده در یک اقتصاد اسلامی مطالعه می شود، در اقتصاد اسلامی بر خلاف دیگر اقتصادها موضوع با دیدگاه ارزشی نیز بررسی می شود یعنی از آنجا که ایمان و اعتقاد به وحی و آخرت بر ذهن مصرف کننده ی مسلمان حاکم است تابع مطلوبیت وی بر اساس این مفاهیم شکل خواهد گرفت.

فصل پانزدهم: در این فصل نظریات بنگاه بر مبنای اسلامی و انواع و اقسام سازمان های تولیدی را بررسی می کند در این فصل شکل متفاوت مشارکت و شرایط متفاوت مضاربه را پی می گیرد و در ادامه عناصر اصلی نظریه ی اسلامی رفتار تولید کننده را نشان می دهد.

فصل شانزدهم: در این فصل وارد نظریه ی توزیع می شود که چگونگی توزیع ثروت و درآمد در جامعه شکل می گیرد، چگونگی توزیع درآمد و ثروت براساس تدابیری صورت می گیرد که در چارچوب حقوق اقتصاد اسلامی تعریف شده اند.

فصل هفدهم: بحثی را در مورد ویژگی های رفتار بازار در چارچوب اقتصاد اسلامی می گشاید، ویژگی در چارچوب اسلام این است که با درجه ی معینی از نوع دوستی و اخلاقیات همراه است. (همراه دیدگاه ارزشی به اقتصاد نگاه می کند نه با دیدگاه حداکثر کردن سود.)

فصل هجدهم: نویسنده در این فصل درباره‌ی مالیه‌ی عمومی و سیاست مالی در اقتصاد اسلامی بحث می‌کند این مقاله با بررسی تاریخی عناصر مالیه‌ی عمومی در آن دوران با تخصیص معین و در برخی اوقات با تصفیه‌های عظیم پیش می‌رود.

بخش چهارم: عرصه مالیه خصوصی و عمومی را شامل می‌شود و فصول آن در مورد مالیه‌ی عمومی و سیاست مالی در اسلام، زکات و هزینه‌ی انتقالی واجب، بانکداری اسلامی و ارزیابی طرح‌ها بحث می‌کند.

فصل نوزدهم: به مطالعه‌ی بانکداری اسلامی می‌پردازد که به طور اساسی و منطقی از تحریم ربا سرچشمه گرفته شده است. معنایش این است که بانکداری اسلامی باید بر ارزش معاملات بنا نهاده شود. که در گسترش وام‌ها به سرمایه‌گذاران وابسته نیست.

فصل بیستم: درباره‌ی مساله‌ی زکات و وجوه انتقالی بلاعوض در اقتصاد مسلمین بحث می‌کند، یکی از بزرگ‌ترین دست آورد تاریخ بشر ایجاد نهاد زکات بود که با ظهور اسلام یعنی چهارده قرن پیش تحقق یافت. (بررسی جامعه یاز کم و کیف موضوع مهم زکات)

فصل بیست و یکم: آخرین فصل بخش چهارم درباره‌ی ارزیابی و تنزیل طرح بحث می‌کند، در شریعت موضوع تنزیل در فرایند ارزیابی طرح امری مسلم است، چون بیانگر هیچ معامله‌ایی بین اشخاص نیست. (چگونگی نرخ منصفانه، جایگزینی نرخ و بررسی می‌شود).

فصل بیست و دوم: اصول اساسی اقتصاد بین‌الملل در چارچوب اسلام را بحث می‌کند، این بحث می‌تواند در دو مفهوم اصلی خلاصه شود نخست امت اسلامی و برادری ریشه‌دار اسلامی میان جوامع مختلف اسلامی مفهوم دوم تجارت بین‌الملل همیشه باید مبتنی بر عدالت و احترام متقابل باشد.

بخش پنجم: دو فصل دارد که در زمینه اقتصاد بین‌الملل از دیدگاه اسلام بحث می‌کند. این دو فصل به ترتیب مرتبط با روابط اقتصادی بین‌المللی و متشکل بدهی

بین‌المللی است. **فصل بیست و سوم:** درباره‌ی شکل بدهی بین‌المللی بحث می‌کند، مشاهده‌ی ابتدایی مساله شکل بدهی بین‌المللی در بین بیشتر کشورهای جهان سوم، ناشی از فعالیت‌های غیر اسلامی دولتی و اشتهای زیاد برای گرفتن وام‌هایی با بهره‌ی بالا از کشورهای پیشرفته و نهادهای بین‌المللی است.

فصل بیست و چهارم: بیان‌گر تجربیات سه آموزشگاه پشستاز در مورد اقتصاد اسلامی را بیان می‌کند. بخش ششم: با مسایل ناشی از تحقیق و تدریس اقتصاد اسلامی و مشکلات مربوط به آن بحث می‌کند. فصول بیست و پنج و بیست و شش: به کارگاه پژوهش تجربی در اقتصاد اسلامی که در خلال همایش برگزار شده بود می‌پردازد، همچنین به بحث در مورد مشکلات و مسایل ناشی از آموزش اقتصاد اسلامی و تاسیس دانشکده‌ی اقتصاد اسلامی در کشورهای مختلف اسلامی می‌پردازد.

(معرفی از: علی زرتاب دانشجوی کارشناسی اقتصاد دانشگاه مفید قم)



چکیده ها



Jurisprudence - Economic Investigation of Tawarruq Contract and Feasibility Study of Its Implementation in the Riba-Free Banking System

By: Seyed Mohsen Sajjadi

Abstract:

Liquidity is one of the most serious needs of economic participators in the world today. In interest-free banking laws this need has been fulfilled through Qardhul-Hasanah, discounting of bills and Salaf contracts. Each one of these contracts has its own limitations, which have been brought under discussion. Tawarruq contract, with its own peculiarities, such as making the free sources available for the customers, can become a subject of attention for banks and economic firms. The major of Sunni blocks permit individual Tawarruq, but differed about Tawarruq in the bank. The present article assists truly of Tawarruq in the bank if the operation of this contract is being real. All of jurist in Shi'a said this contract isn't independent and there are all of options of sale. There for all banks and finance institutes can use this contract for liquidity needs of private sector and government. The research method has been library oriented, based on analysis of written works.

Keywords: Tawarruq contract, Interest-free banking, Imami'a approach, Banking experiment.

Feasibility study applied monetary policy in The interbank market in the Islamic Banking

By: Meysam Haghighi

Interbank market, is one of the components of money market, that is essential to the implementation of monetary policy. The purpose of the formation of this market, is strengthening management of liquidity in the banks and facilitating of short-term sources of financing, more effective implementation monetary policy and... And, the central bank as the regulator market, is responsible for all matters pertaining to of the market and attend on the market to monetary policy.

This paper descriptive with the use of of library resources, to substantiate this hypothesis, "The central bank Using means like Special deposit accounts of banks with the Central Bank, open market operations, open market type operations,... Which holds possesses, can be in the interbank market in the Islamic banking action will monetary policy".

The following article is the result: The possibility of monetary policy by the central bank in the interbank market and Central Bank of the Islamic banking in the interbank market using the tools at its disposal, monetary policy can do.

Keywords: money market interbank market, The central bank, monetary policy, Islamic banking.

Central Bank and Politic...

By: Amir Hossein Ghafarinezhad

Monetary policy which is for controlling the amount and ready money and inflation is only applied by central bank. Islamic societies that follow the economic system of Islam are different from the capitalist system from about both the nature and the goals. Therefore there should be some changes in monetary policy to in order to be in accordance with religious law savings band can't be used because of usury nature and getting lawful saving as an obligation also should be considered canonically and then decide about its rate.

The hypothesis which is discussed in this essay is that by some changes in monetary policy on the basis of profit according to religious law. We can produce an output which is useful and agreeable with developing countries.

Keywords: central bank, monetary policy, Islamic system, economic system, economic expansion and growth.

Examining the Role of Mosques in Sciol, as Cultural Engineering Tool

By: Behnam Arab

From cultural nature of Islamic revolution, culture as the most important ground after the revolution has been considered. Thus sociocultural factors are among the key infra- structures for economical growth of Islamic revolution. In these area social capitals which are actually concepts indicating quality and quantity relations between men in society are very important. we are going to connect the culture discussion and particularly cultural engineering to social capital .Of course as such, one of the important tools of cultural engineering is considered and that is mosque .therefore, we will first define culture, cultural engineering, mosque, and finally social capital, then by making a rational relation we will state how the mosque, as cultural engineering tools, can fulfill in order to promoting social capital. Compilation method of the essay is descriptive-analytic.

Key words; culture, cultural engineering, mosque, social capital

Searching about the effect of different perceptions of religion on risk-taking

By: Mehdi Islamjoo

Religion was enbeded in the socity and its effects are stable and deep.

There are different and sometimes conflicting interpretations of religion.

Religion has been entered in the economy and its effects have been argued for many years, therefore analyzing the religion contents and its impact on human behavior is scientific and has practical value.

To investigte the effect of religion on risk-taking, we have used content analyzing approach also we have told the extreme views about each item. We expect that Islamic belief tend to more risk-taking behavior.

Keywords: Religion, Risk-taking, Religious perceptions, Trust on God, Impermanence of the world.

راهنمای نگارش مقاله برای دانش پژوهان

نشریه دانش پژوهان به منظور رشد و گسترش اندیشه‌ورزی در علوم انسانی، پذیرای مقالات طلاب و دانشجویان گرامی است. برای نگارش مقاله لازم است موارد زیر مورد توجه قرار گیرد:

الف: شرایط علمی

۱. مقاله باید ثمره تلاش‌های نویسنده باشد و او در برابر اعتراض‌ها یا ادعاهای احتمالی پاسخ‌گو خواهد بود. در صورت کشف خلاف، نشریه حق خود می‌داند که موارد را در شماره بعدی به اطلاع مخاطبان برساند.
۲. مقاله باید دارای اصالت، نوآوری، و در حد امکان به صورت تحلیلی باشد.
۳. ارسال مقاله به دانش پژوهان به معنای آن است که مقاله در جای دیگری منتشر نشده و همزمان برای نشریات دیگر نیز ارسال نشده است.
۴. نگارش مقاله باید تابع شیوه‌نامه تحقیقات علمی باشد و در تدوین آن از منابع معتبر و اصیل استفاده شده باشد.

ب: شرایط نگارش

۱. مقاله باید دارای سیر منطقی و ساختار محکم و استوار بوده و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شده باشد.
۲. عنوان مقاله کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مولف یا مولفان همراه با درجه علمی، مقطع تحصیلی و دانشگاه یا حوزه محل تحصیل، همچنین شماره تلفن و پست الکترونیکی (ایمیل) ذکر شود.
۴. مقاله دارای چکیده فارسی و انگلیسی، هر کدام حداکثر در ۱۵۰ کلمه باشد.
۵. واژگان کلیدی به زبان فارسی و انگلیسی، هر کدام پنج واژه، در ذیل چکیده‌ها ذکر شود.
۶. مقاله باید دارای سؤال اصلی، فرضیه تحقیق، و مقدمه دقیق و روشن باشد به گونه‌ای که خواننده را برای ورود به بحث اصلی آماده نماید.
۷. در بحث اصلی، موضوع و مدعای مقاله باید به خوبی تبیین و تحلیل شود.
۸. معادل لاتین اصطلاحات و مفاهیم در پاورقی ذکر شود.
۹. آدرس دهی به صورت درون متنی باشد. به این صورت که درون پرانتز، فامیل نویسنده، سال نشر کتاب یا مقاله، و شماره جلد و صفحه بیاید. مانند: (مطهری، ۱۳۸۰: ۴۵/۲-۴۷).
۱۰. منابع تحقیق در پایان مقاله به صورت زیر تنظیم شود:

الف: کتاب

نام خانوادگی، نام نویسنده، سال انتشار (درون پرانتز)، نام کتاب، نام مترجم یا مصحح، محل نشر: ناشر، نوبت چاپ.

ب: مقاله

نام خانوادگی، نام نویسنده (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله «داخل گیومه»، نام مترجم یا گردآورنده، عنوان مجله یا مجموعه مقالات، محل نشر، شماره جلد و صفحات.

ج: منابع اینترنتی

- نام خانوادگی، نام نویسنده، عنوان، نشانی اینترنتی، تاریخ مراجعه به سایت.
۱۱. مقاله باید در حدود ۲۰ صفحه، ۳۰۰ کلمه ای باشد و با برنامه word ۲۰۰۷ و بالاتر و با قلم B Zar سایز ۱۱ به صورت پرینت شده و همراه با فایل آن ارسال شود.
 ۱۲. مقالات ارسالی به هیچ عنوان برگشت داده نمی شود.
 ۱۳. مجله در پذیرش مقالات و ویراستاری آن آزاد است.
 ۱۴. استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع مجاز است.

راهنمای اشتراک مجله دانش پژوهان

- جهت دریافت منظم و اشتراک مجله لطفا به موارد زیر توجه فرمایید:
۱. فرم اشتراک یا کپی آن را به صورت کامل تکمیل کرده و حتما کد پستی خود را ذکر کنید.
 ۲. حق اشتراک را در یکی از شعبه های بانک تجارت به حساب زیر واریز نمایید:
 - حساب شماره «۴۹۴۷۰» بانک تجارت شعبه صندوق قم (کد شعبه ۱۵۰۴۰) به نام دانشگاه مفید.
 ۳. اصل فیش بانکی را به همراه فرم تکمیل شده زیر به آدرس نشریه ارسال فرمایید.
 ۴. هرگونه تغییر در نشانی را به دفتر مجله اطلاع دهید.
 ۵. حق اشتراک برای یک سال (چهار شماره) ۱۰۰۰۰۰ ریال است.

فرم اشتراک

شغل:

نام و نام خانوادگی:

نام شرکت یا موسسه:

سابقه و شماره اشتراک قبلی:

شماره های مورد درخواست:

نشانی دقیق:

صندوق پستی:

کد پستی:

تلفن:

پست الکترونیک:

تاریخ:

امضا

